

در صفحات دیگر این شماره:

- نظارات آوارگان در یوچرد ۱۶ صفحه
- مصادره انقلابی يك کامیون و ضربات سنگین ۵ صفحه
- یستمگان پیکار بدشمن ۳ صفحه
- اخبار کوتاه کارگری
- "الباس سرکس مسیحی" هم به کمک جمهوری اسلامی آمد! ۲۸ صفحه
- گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۲) ۱۸ صفحه
- روزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۳) ۱۱ صفحه

جنگ ارتجاعی ایران و عراق و تشدید کشتار در کردستان

بورژوازی "در موقع جنگ دشمن داخلی" را به مراتب بیش از دشمن خارجی تعقیب می نماید.

(لنین: جنگ و سوسیال دموکراسی روسیه).

تشدید اختناق و افزایش فشار و تهاجم به انقلاب از جمله مداخلات جنگ ایران و عراق مانند هر جنگ ارتجاعی دیگر است. نظری به عملکردهای رژیم در طی سه ماهی که از گسترش جنگ میگذرد، بوضوح این سیاست سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. اما با این

بقیه در صفحه ۶

صد و یکمین سالگرد
تولد استالین
رهبر پروتاریای جهان
گرامی باد!



آزادی گروگانها: سازشی خفت بار با امپریالیسم

۳۲ صفحه

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها،
زنده باد پیکار توده ها



انجمن اسلامی کارخانجات: چماقی برای سرکوب کارگران

۳ صفحه

راهپیمایی های هواداران سازمان پیکار در آمل

۲۹ صفحه

سرمقاله

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

هفته قبل، یکبار دیگر شاهد برخورد شدید و درگیری جناحهای هیئت حاکمه با یکدیگر بودیم. این برخورد درگیری همانطور که با رها و بیوژه در همین ستون متذکر شده ایم اگرچه سالها تا زهای نیست و عمری به درازای عمر جمهوری اسلامی دارد، ولی ویژگی آن در دوره اخیر همانا شدت سیاسی و اوج گیری هرچه بیشتر تظاهرات درونی هیئت حاکمه بخصوص پس از وقوع جنگ ایران و عراق است.

بقیه در صفحه ۲

خشم توده های آواره اوج میگیرد

۱۷ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

حزب جمهوری اسلامی که موفق گردید در سال گذشته اولین ضربه را در حادته سقارت به لیبرالها وارد آورد از همان روز تا بحال توانسته است با تکیه توده های وسیع متوهم از یکسود و زیر جترو لایت فقیه و حمایت همه جانبه آیت الله خمینی، مواضع قدرت را یکی پس از دیگری تصرف نموده و بتدریج رقیب قدرتمند خود را در موضع ضعیف تری قرار دهد. آینه که طی این روند درجه مقطع و بجهت ترتیب حزب توانست هژمونی خود را در قدرت سیاسی اعمال نماید، مساله ایست که جداگانه باید آنرا مورد بررسی قرار داد و ما در اولین فرصت بدان خواهیم پرداخت. ولی آنچه که روشن است، به کف گرفتن تدریجی مواضع کلیدی قدرت در این دوره از سوی حزب و عقب راندن لیبرالها و پس زدن آنها از مواضع قدرت و کشاندن آنها به موضع کاملاً ضعیف تر از موضع حزب در حاکمیت است. هم اکنون حزب بر ارکانها و نهادها و نهادهای چون مجلس، شورای نگهبان، دولت، قوه قضائیه دادگاهها و زندانها، رادیو تلویزیون، مطبوعات، کمیته ها و وسایع پاسداران، حاکمیت بی چون و چو را در دوتا زاین سوی در اختیار داشته است. ارکانهای مهم دیگری چون بسیج مستضعفین، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفین، بنیاد شهید و یدیا بر خور داری از امکانات و اختیارات وسیعی است که در سایه اصل ولایت فقیه و شبکه وسیع روحانیت در تمامی نقاط ایران دارا می باشد. در مقابل، لیبرالها علیرغم رانده شدن از بسیاری از مواضع قدرت و قرار گرفتن در موضع اپوزیسیون در هیئت حاکمه، همچنان ارتش، این ابزار کلیدی و بسیار مهم در قدرت سیاسی و فرماندهی آن را در اختیار دارند، به علاوه لیبرالها به با در اختیار داشتن پست ریاست جمهوری و با توجه به میزان اختیارات او بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، محدودیت های زیادی برای حزب جمهوری اسلامی و نمایان انحصار طلبانه و وجود می آورد که نمونه آنرا میتوان در مخالفت های بی دریغی بنی صدر با وزیر باقی مانده کابینه رجائی و از آن جمله وزیر خارجه مشاهده کرد. اما فدر این، لیبرالها در تمامی ارکانها و موسسات دولتی، بویژه سطوح مدیران و متخصصین دارای نفوذ و پابه هستند و این با نظرداشت ما هیت این سیستم چیزی نیست که حزبها با تمامی ادعاهای "مکتبی" شان، قادر به نادیده گرفتن آن باشند.

واقعیت اینست که وجود بحران در پائین و رشد جنبش توده ای، بحران در بالا را دامن زده و جناحهای حاکم را بجان یکدیگر انداخته است و هر یک از آنها می کوشند روی شیوه ها و راه حل های خود جهت غلبه بر این بحران و مقابله با جنبش او جگیرنده توده ها تکیه نموده و در همین رابطه

به تحکیم قدرت خود و تضعیف جناح رقیب بپردازد. حزب جمهوری اسلامی، از همان ابتدا با لیبرالها در تعیین خط مشی و سیاست هیئت حاکمه در مقابل به بحران کنونی جا معه و اتخاذ شیوه ها و راه حلها اختلافات اساسی داشته و این اختلافات با تشدید شرایط بحرانی جا معه و رشد و اعتلا جنبش توده ای، علیرغم تمامی با درمبانی ها و "مبنای وحدت" ها و سمیتر و عمیق تر گشته است. خط مشی حزب در این مورد از همان ابتدا روشن بود. حزب به بدایت کار "آیت" طی یک برنا مه صاحب شده همواره در صدد تضعیف بنی صدر و تبدیل ریاست جمهوری به یک مقام تشریفاتی بوده و هستند. رجائی نیز در همان روزهای اول نخست وزیری اش در توضیح جایگاه و موقعیت نیروهای مختلف گفت که باید ارکانهای رهبری و تصمیم گیری منحصر را اختیار "مکتبی ها" قرار گیرد و لیبرالها یعنی غیر مکتبی ها باید در بخشهای اجرایی غیر حساس قرار گرفته و بدون اینکه در تصمیم گیری نقش داشته باشند میتوانستند در کنار "مکتبی ها" با آنها همکاری نمایند.

این برنا مه تا کنون به دقت از سوی حزب دنبال شده و هما طور که تا ر شد، آنها توانستند در این دوره بر بسیاری از مواضع کلیدی قدرت دست یابند و تهاجمات گسترده حزب در یکما همه اخیر به لیبرالها و شخص بنی صدر نیز در رابطه با بکف گرفتن مواضع بیشتر قدرت و تضعیف بیش از پیش لیبرالها قابل تحلیل و توجیه است.

اما آنچه که مورد تمایل حزب است، یعنی راندن لیبرالها از قدرت و در اختیار گرفتن تمامی مواضع کلیدی و یکه تازی در عرصه قدرت سیاسی، چیزی نیست که با واقعیت موجود در جا معه ما، دست کم در این دوره در انطباق باشد. قبل از هر چیزی باید در نظر داشت که رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود وارث سیستم سرمایه داری وابسته ای است که بنا بر ما هیت طبقاتی خود چاره ای جز باز سازی و پاسداری از آن ندارد و این بدون تردید، نقش لیبرالها را در توانا شی و ظرفیت باز سازی این سیستم و در تحکیم پیوند آن با امپریالیستهای غربی، دست کم بعنوان یک نیروی مهم قابل محاسبه برجسته می سازد. در همین رابطه این لیبرالها هستند که بیش از همه قادرند، ارتش و فرماندهی آنرا بعنوان ابزار مناسب این سیستم و در خدمت آن در آورده و از این طریق به برکوب انقلاب و باز سازی سیستم و تامین منافع امپریالیستها و بویژه امریکا در آوردند و مهمتر از آن باید کهرایش وسیع توده های متوهم و نا آگاه را در بنیودیک آلت رانیو انقلابی، بسمت لیبرالها نیز در نظر داشت اینها تمام اوعالی هستند که مانع از آن میشوند تا حزب جمهوری اسلامی بتواند آنگونه که میخواهد

و در نظر دارد، برنا مه ها و نقشه های خود را در جهت تضعیف قدرت حریف پیا ده کند. حزب جمهوری اسلامی در این یکما ها اخیر کوشید تا با تهاجم وسیع خود به لیبرالها و مورد هدف قرار دادن شخص بنی صدر، به تضعیف رقیب پرداخته و مانع اساسی را در جهت پیشبرد برنا مه ها و نقشه های خود، از پیش پا بردارد و البته در این مورد موفقیت های زیادی هم کسب کرد، ولی لیبرالها هم بیگانه نمانده و با تکیه بر مواردی که در بالا اشاره کردیم، همچنان در برابر حریف و البته در موضع ضعیف تر هما وردی میکنند. راه پیمائی های مشهود اصفهان در هفته گذشته به طرفداری از بنی صدر و در مخالفت با حزب جمهوری اسلامی و بویژه دادن شعارهای بسیار تند علیه رهبران مذهبی و حزب جمهوری که در اصفهان حتی منجر به "هجرت" امام جمعه اصفهان به تهران گردید، تنها نشان دهنده این بوده که برخلاف تصور حزب جمهوری لیبرالها آنقدرها هم ضعیف نبوده و قادرند برای حفظ موقعیت خود، در برابر رقیب ایستادگی کنند. اما حزب جمهوری که میگوید برنا مه عمومی خود را در جهت قبضه کردن قدرت و محدود ساختن اختیارات بنی صدر همچنان به پیش برد، در مقابل راه پیمائی های اخیر که بویژه ولایت فقیه را نشان نه رفته بود، عکس العمل سریع و در عین حال حساب نشده ای از خود نشان داد و بلافاصله از طریق آیت الله منتظری و روحانیون طرفدار حزب در تهران و شهرستانهای مختلف، جنگ روانی تبلیقاتی شدید و گسترده ای را بر علیه لیبرالها برآه انداخت و از مردم خواسته شد تا در روز پنجشنبه ۲۷ آذر، با خا طردافا ز روحانیت و ولایت فقیه و مخالفت با لیبرالها، یک راه پیمائی سرسری در کلیه نقاط ایران برآه اندازند. نیز این دعوت را تا شید کردند و در قراربود تا این راه پیمائی هر چه گسترده تر و تهاجمی تر بصورت "فراندومی" علیه بنی صدر و لیبرالها برگزار شود. اما یکروز قبل از برگزاری این راه پیمائی تصمیم خمینی مبنی بر نفوآن، از بروز بحران در شکل بسیار شدید و در عین حال پیچیده کردن آن جلوگیری و این نشان داد که خمینی در سایه کوشش روحانیت مبارز و عناصری چون اشرافی، مهدوی کنی و... خطر را احساس کرده و در شرایط فعلی و با توجه به شرایط جنگی ایران و عراق و نقش ارتش، حمایت در مجموع بیشتر امریکا از لیبرالها، ناراضایی عمومی مردم از اوضاع و امکان بهره برداری عواما قریب به لیبرالها از این ناراضایی ها و در یک کلام شرایط بحرانی شکننده ای که رژیم در آن قرار دارد، مانع از رودروشی دو جناح در برابر یکدیگر و متشنج شدن بیش از حد جو کنونی گردید.

بقیه در صفحه ۲۸

دعوی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان توده ها است

جنبش کارگری



پیام به نفتگران قهرمان مناطق جنگ زده

کارگران مبارز صنعت نفت

شما در طی سال‌های گذشته مبارزات قهرمانانه - ای را بر علیه امپریالیستهای رنگارنگ و رژیم شاه پست سرگذاشته‌اید. بعد از قیام بهمن ماه رژیم پسرک را مدتی حاصل سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی و امپریالیسم آمریکا بود. این رژیم در این ۲۱ ماهی که از عمرش میگذرد همواره به سرکوب مبارزات کارگران پرداخته است. از جمله رژیم، مزدوری چون معین - فررا و زیر نفوذ کرد و بخشناهای ضد کارگری را یکی پس از دیگری به تصویب رسانده. بعد از جنگ اعمال سرکوبگرانه رژیم نیز بیشتر شد. بطوریکه اخیرا بخشناهای ما در کردها، دمینی برای اینکه هر کارگری در مناطق جنگ زده اگر در محل شبا شد، اخراج شده و به اوج حقوق پرداخت نخواهد شد. رژیم بدین وسیله قصد داشت شما کارگران را بعنوان گوشت دم توپ و برای جامعه عملی بپاشند به منافع غارتگرانه خود در جنوب نگاهدارد، ولی با مبارزه یکپارچه شما کارگران، این توطئه کثیف و ضد کارگری رژیم شکست خورد. اما رژیم با زهم با حیلها و دسائسی مختلف سعی دارد کارگران را به مناطق جنگ زده برگرداند و این هدف را با فشار مستقیم به کارگران و همچنین با کم کردن حقوقشان (بطوریکه در گذشته به هر کارگر ۴۰۰۰ تومان پرداخت میشد ولی در این ماه کمتر خواهد شد) و عدم تامین مسکن برای کارگران و یا اخراج کارگران قدیمی، دنبال میکند. البته رژیم اهداف دیگری نیز دارد، از جمله اینکه با کم کردن حقوق کارگران مبالغ هنگفتی ذخیره میکند. اینها همه، فقط قطره‌ای از دریای بیکران اجحافات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است که در حق کارگران و زحمتکشان روا میدارد.

نفتگران مبارز

همانطور که تا به حال نشان داده‌اید، مبارزه بقیه در صفحه ۲۱

اخبار کوتاه کارگری

معدن زیر آب: به کارگران معدن اعلام کرده اند که بعثت کمبود پول و بودجه نداشته دولت، باید مبلغ ۱۲۰۰ تومان از حقوقشان کسر شود. این امر موجب اعتراض کارگران گشته است. در ضمن قرا را است که از طرف وزارت صنایع و معادن برای کارگران در این رابطه سخنرانی بقیه در صفحه ۲۰

اعتصاب کارگران مبارز "شرکت گسترش و مسکن" و نقش خائنانه رویز بونیستها

زبان کارفرمایان و عواما ملشان شنیده بودند، جواب دندان شکنی به این مزدور سرما به داران داده و گفتند:

"ما اعتصاب میکنیم و نخواهیم گذاشت که به بهانه جنگ از این بیشتر ما راجا پند."

در این موقع یکی از رویزبونیستهای اکثریت بهیاری "برادر بزرگش" مده و اعتصاب را نادرست میخواند! اما کارگران بی توجه به این خائنین راه خود را محکم و استوار ادامه می دهند. جلوی دفتر اعضای خود فروخته شورای قلابی، سعی میکنند کارگران را از مبارزه باز دارند، که اینها هم موفق نمی شوند. (می بینیم که سرما به داران برای بهانه اخراج کثافت کشیدن مبارزات کارگران چه موانع رنگارنگی بوجود می آورند!)

خواستهای کارگران عبارت بودند از:

- ۱- تشکیل شورای واقعی ۲- پرداخت فوری حقوقها که دوماه و نیم عقب افتاده است ۳- اعاده بقیه در صفحه ۲۲

روز چهارشنبه ۵۹/۹/۱۱ کارگران مبارز شرکت گسترش مسکن (که یک مجتمع بزرگ ساختمانی است) دست به اعتصاب زدند. بیش از دوماه بود که کارفرمای شرکت از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرده بود و بجای آن همواره وعده و وعید تحویل کارگران میداد. این درحالی بود که فشار ناشی از گرانی و بی پولی، بخصوص بعد از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق کارگران را شدیداً در تنگنا قرار داده بود. به همین دلیل سرانجام کارگران مبارز را بهیاری شده، دست از کار میکشند، و متحد و یکپارچه بطرف دفتر شرکت برآمده میافتند. در این هنگام سر و کله یکی از رویزبونیستهای حزب خائن توده پیدا میشود که تا متوجه اعتصاب کارگران میگردد چاگری خود را به سرما به داران، شما و کمال به شما پیش گذاشته و فریاد میزند:

"نه نه، برادران! اعتصاب غلط است صادر حال جنگ با عراق هستیم" (!؟)

اما کارگران که با رها اینگونه سخنان را از

انجمن اسلامی کارخانجات: چماقی برای سرکوب کارگران

کارگران مبارز!

سرما به داران برای سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران، از ابزارها و وسایل مختلفی استفاده میکنند که هر کدام از آنها وظیفه خاصی خود را دارند. در دوران شاه خائن، ارتش، پلیس ساواک، اداره حفاظت و... برای بخون کشیدن مبارزات کارگران جاسوسی و شناسایی کارگران مبارز و سرکوب آنها بکار میبردند و در خدمت سرما به داران قرار داشتند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز از ارتش و سپاه پاسداران... برای بخون کشیدن و سرکوب مبارزات کارگران استفاده میکنند. به علاوه رژیم برای جاسوسی و شناسایی کارگران آگاه و مبارز و سرانجام سرکوب آنها، جاسوسخانه‌های بنام "انجمن اسلامی" در کارخانجات علم کرده است. رژیم ظاهرانچنین وانمود میکند که گویا این انجمنها

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

مصادره انقلابی يك کاميون و ضربات سنگين پيشمرگان پيكار بر دشمن

کامیون ۵۹/۹/۱۷ - بعد از ظهر با بنروز دو دسته از پیشمرگان انقلابی پیکار (دسته شهید امیر و مسعود) جاده کامیون را - سنج راتحت کنترل خود درآورده و ضمن بازرسی ماشینهای مسافربری به افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداخته و حقانیت جنبش مقاومت و عادلانه بودن آن و نیز غیر عادلانه بودن جنگ ایران و عراق را به مسافران توضیح میدادند. مسافران از این اقدامات پیشمرگان بگرمی استقبال نمودند و آنها را برای ادامه مبارزه تشویق می کردند. در همین روز رفقای پیشمرگه یک کامیون ده تنی متعلق به جهاد باصلاح سازندگی را بنفع جنبش مصادره نمودند. مصادره کامیون جاده ای - خاطر بوده که جهاد سازندگی در کردستان همراه با پاسداران و جاساها و ارتش در سرکوب و کشتار و تشدید اختناق و تعقیب مبارزان فعالان شرکت میکنند و همین خاطر یکی از ارگانهای سرکوب رژیم در منطقه محسوب میشود. همچنین حدود ساعت ۵/۵ بعد از ظهر همین روز، دو ماشین جاده دوپاسداران در کمین پیشمرگان افتادند. پیشمرگان ضمن تیراندازی راننده ماشین جهاد را دستگیر کردند، اما ماشین پاسداران که به کالیبر ۵۵ مجهز بود به درگیری ادامه داد. طی این درگیری پیشمرگان انقلابی با شجاعت تمام ۱۰ نفر از مزدوران ضد خلق را به هلاکت رسانده و همراه با یک اسیر، سالم به پایگاههای خود بازگشتند. بدینا ل آن، رادیو کرمانشا به کشته شدن ۳ تن از مزدوران رژیم اعتراف کرد.

مصادره برخی بدست پيشمرگان و تبلیغات ضد انقلابی جنب خائن توده و جمهوری اسلامی

۵۹/۲۸

در این تاریخ پیشمرگان پیکار در جاده کامیون - سنج موفق به مصادره انقلابی یک تریلر حامل بیش از ۲۰ تن برنج گردیدند. این محموله برای اداره بازگشتی سنج و از آنجا برای بخش بین جاساها و پاسداران حمل میگردد. پیشمرگان با کمک وسیع زحمتکشان برنجه را به روستاهای اطراف برده و در آنجا با همکاری رفقای کومله آنرا بین زحمتکشان چند آبادی به نسبت هر خانواده نیم کیسه تقسیم نمودند. این عمل پیشمرگان با استقبال وسیع بقیه در صفحه ۲۹.



پیشمرگان انقلابی پیکار ۴ مزدور ضد خلق را به هلاکت رساندند

بود که ماشین مذکور بعد از گذشتن از هیچ بدره سقوط میکند و تمام سرنشینان به غیر از یک نفر مجروح (که موفق به فرار شده بود) به هلاکت می رسند. یک ساعت بعد دسته ای از پیشمرگان کومله بهنگام عبور از آن مسیر متوجه ماشین واژگون شده میشوند و تمام تجهیزات آن مشتمل بر چند قبضه ۳۰، یک قبضه کالیبر ۵۵ چند صدق فشنگ کالیبر ۵۵ و ۳- یک بیسیم و مقداری نارنجک را تخلیه کرده و به پایگاههای خود منتقل می کنند. ضربات پیشمرگان جنبش مقاومت نیروهای ضد خلق نشان میدهد که علیرغم کشتار وسیع زحمتکشان و تشدید فشار مصادره اقتصادی توسط ارتجاع، جنبش مقاومت همچنان به پیش میرود و در هر قدم خود به پیروزیها و دستاوردهای مهمی دست مییابد.

کامیون ۵۹/۸/۳۰ - عصر این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید امیر) در مسیر جاده کامیون - سنج بین دو پایگاه دشمن (هلتوان و گاوشان) به کمین نیروهای دشمن نشستند. ساعت ۵/۵ بعد از ظهر یک ماشین سیمرغ حامل ۵ تن از مسئولین سپاه پاسداران، مجهز به کالیبر ۵۵، به کمین پیشمرگان افتادند. پیشمرگان انقلابی طوری دشمنان خلق کرد را زیر آتش گرفتند که آنها حتی فرصت شلیک یک تیر نیز پیدا نکردند. ماشین که با سرعت زیادی در حرکت بود در پیچ جاده از دید پیشمرگان ناپدید شد. پیشمرگان انقلابی بعد از نیم ساعت جستجوی بی نتیجه برای یافتن ماشین سالم به پایگاههای خود برگشتند، اما واقعیت امر این

پرتاب نارنجک به میان هاداران دانش آموزان زندانی

سفر ۵۹/۹/۱۳

بدینا ل مبارزات انقلابی دانش آموزان مدارس سقز برای بازگشایی مدارس و دستگیری و زخمی شدن عده کثیری از آنها توسط پاسداران ماردان دانش آموزان در جلو مقر سپاه پاسداران اجتماع کرده و خواستار آزادی فرزندان زندانی خود شدند. اما مزدوران رژیم در مقابل خواسته های آنها، نارنجکی بسوی آنان پرتاب کردند که در نتیجه آن یک زن خانه دار و یک کودک خردسال بشهادت رسیده و سه نفر نیز بشدت مجروح شدند. خانواده های زندانیان بشدت به این اقدام جنایتکارانه اعتراض نمودند. پاسداران در جواب گفتند که پرتاب نارنجک کار خدا انقلاب بوده است. مردمی که خود، پاسداری را بهنگام پرتاب نارنجک دیده بودند، این اقدام جنایتکارانه را افشا نمودند. چند روز بعد بدینا ل مقاومت انقلابی خانواده های دانش آموزان مبارز، رژیم مجبور شد تمام دانش آموزان زندانی را آزاد کند.

حوزه سقز سازمان در این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است. قسمتهای از اعلامیه مذکور

را در زیر میخوانید:

خلق مبارز کرد

هنوز خون شهدای قتل عام روستا شیان زحمتکش روستاهای "پندرقاش" و "یوسف کند" خشک نشده بود که جلادان رژیم و عوامل معبودی و ملاحسنی در موفیان "دست به قتل عام مجدد زدند و هنوز چیزی از این وقایع سپری نشده که رژیم به بازداشت دسته جمعی دانش آموزان سقز به شیوه آریا مهربی دست میزند و در ادامه آن خانواده های آنها را به نارنجک میندازد، رژیم گرچه امروزه با مفریبا نه تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم و بعث عراق دست به سرکوب انقلابیون و توده های حق طلب میزند اما مسلمان نمیتوانند با این عوامفریبیها چهره کریه و جنایت بارش را بپوشانند. زیرا این جنایتها را فقط درنده خوترین نیروهای سرکوبگر و قماش فاشیستهای آلمانی و صهیونیستهای اسرائیل گرفتارند. مرتکب شده اند و رژیم جمهوری اسلامی به حق تجاربت آنها را خوب فرا گرفته است. جالب آنکه مزدوران رژیم در کمال وقاحت پیشمرمی کومله بقیه در صفحه ۲۶

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

سؤال مطرح میشود که چرا بطلای بین جنگ، ارتجاعی کنونی و تشدید سرکوب و خفقان و ترور و کشتار در برابر ایران و بخصوص در کردستان وجود دارد؟! بله نه خواهد بود که اگر ما پاسخ این سؤال را در تحلیل از ماهیت جنگ کنونی در پیامدهای ناشی از آن جستجو نکنیم، میکوشیم جنگ را ادامه سیاست است، و روشهای دیگری، سیاست رژیم طی حدود دو سال حاکمیت تنگیمن خود، همواره دو وظیفه اساسی را دنبال نموده است: افزایش بهره‌کشی و تشدید استثمار زحمتکشان از یک سو و ایجاد محیط خفقان و ترور و در مجموع سرکوب انقلاب بویژه سرکوب خلق قهرمان کرد از سوی دیگر، از زمان روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی یک هدف اساسی یعنی بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته را تعقیب نموده و برای تحقق این امر دو وظیفه فوق را همچنان به پیش برده است. ارتجاع حاکم پیوسته جنبش و انقلاب را سرکوب کرده تا ستم و استثمار طبقاتی خود را تداوم بخشد و امروز جنگ ایران و عراق نیز بی‌شک مدتهاست سیاست سرکوب و استثمار می‌باشد.

جنگ ایران و عراق فرصتی پیش آورده تا ارتجاع پیش از هر زمان دیگر به سرکوب جنبش توده‌ها و تشدید خفقان و ستم و ترور بپردازد. ارتجاع ایران با ارتجاع عراق در جنگ است، اما ارتجاع ایران از انقلاب توده‌ها بیشتر وحشت دارد، زیرا آن را برای خود خطرناکتر بشمار می‌آورد، امید آنکه رشد و تکامل جنبش و گسترش انقلاب مترادف با سقوط است، امید آنکه رژیم مرتجع صدام حسین نه در پی سرکوبی رژیم ایران است و نه میتواند آن را با قتل کند، اما جنبش او و جنبش توده‌ها و مقاومت و مبارزه خلقها و از جمله خلق دلیور کرد، عامل خطرناکی است که مستقیماً حاکمیت ارتجاع را نشانه گرفته است. این جنبش سقوط رژیم حاکم را تعقیب میکند.

به همین خاطر ارتجاع حاکم به گسترش سرکوب و انقلاب روی می‌آورد و میکوشد در دوره جنگ این سرکوب را با ابعاد بسیار بزرگتر، در حال حاضر این سرکوب وحشیانه را بر ایران را دربر گرفته است، دستگیری وسیع کمونیست‌ها و انقلابیون بجرم پخش نشریات انقلابی و آگاه کردن توده‌ها، شکنجه و تیرباران کمونیست‌ها و انقلابیون، سرکوب وحشیانه و خونین مبارزات توده‌ای در ممسنی، مل، لاهیجان و... سرکوب جنبش دانش‌آموزی در مدارس و دهها نمونه دیگر بسیار تشدید ترور و خفقان در زمان جنگ است علاوه بر این با هجوم به کردستان قهرمان و کشتار توده‌ها در آنجا نشانیه‌ای از دیگری است. ارتجاع در قبال انقلاب است، در این رابطه با بد مطرح کرد که بعد از گسترش جنگ

ایران و عراق به نحوی بسیار بزرگ و بوقلمانی تبلیغاتی رژیم روز و شب بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال در آنجا لحن پراکنی می‌کند. در کنار این تبلیغات فدا انقلابی، رژیم به تمرکز قوای خود در کردستان پرداخته و تنها جم خود را با ابعاد گسترده‌ای بخشیده است.

یورش وحشیانه به مها با دوقتل عام بیش از ۲۰۰ نفر و مجروح کردن ۵۰۰ نفر از اهالی مها با در روزهای اول جنگ اولین قدمهای رژیم در تشدید سرکوب خلق کرد بود. با گسترش ابعاد جنگ، رژیم بزرگترین لشکرها را در کردستان را با استفاده از مزدوران عراق، اسرائیل، منقعی خدمت ۶۰ تقویت نمود. قتل عامهای پی در پی اهالی روستاها از جمله ایندرفاش، یوسف کند، سر و کانی و صوفیان حربه جدیدی است که اکنون رژیم آن را با یکا ر گرفته است رژیم با قتل عام روستاها و زحمتکش و استثمار روستاها و غارت و آتش زدن آنها، حمله‌ای همه جانبه و گسترده به روستاها و شهرهای کردستان پیشمرکان باقی مانده است را تدارک می‌بیند. امروز کردستان آماج حملات ارتجاع حاکم قرار گرفته است. جنبش مقاومت خلق کورد می‌آرزوهای است طبقاتی - ملی که در عا لیت‌ترین شکل خود یعنی شکل مسلحانه به پیش می‌رود. این جنبش بطور مستقیم ارکان رژیم ارتجاعی حاکم را نشانه گرفته و از پایه گسترده توده‌ای برخوردار است. این جنبش مشعل فروزانی است که مبارزات توده‌ها در سایر نقاط ایران را گرمی می‌بخشد. و عا ملی است که تا نیرس مهمی در ارتفاع سطح جنبش‌های توده‌ای در سایر کشور میگذارد. جنبش مقاومت خلق کرد تا به اکنون ضربات بس مهلکی بر نیروهای سرکوبگر دشمن وکل رژیم وارد آورده و هر چند از جانب دشمن متحمل ضرباتی نیز گردیده است اما بطور روزافزون دامنه اش وسیعتر شده است. بنا بر این خاموش کردن آتش مبارزه و مقاومت انقلابی خلق کرد برای حیات سراسر تنگیمن جمهوری اسلامی امری اساسی می‌باشد و رژیم میکوشد تا در ادامه سیاست گذشته خود، امروز بیش از هر زمان دیگر، مقاومت کردستان را مورد هجوم قرار دهد. جنگ ارتجاعی ایران و عراق به باری ارتجاع شافته تا او بتواند به خیال خام خود تسلط و مقاومت و مبارزه در کردستان را خاموش سازد و بی سبب نیست که لنین میگوید بورژوازی در موقع جنگ دشمن داخلی را به مراتب بیش از دشمن خارجی تعقیب می‌نماید.

سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد و تسخیر کامل کردستان در سایه جنگ ارتجاعی خواسته تمام جناح‌های هیات حاکمه می‌باشد. خام خیالی خواهد بود هر آینه فکر کنیم که اختلاف در "بالا" و عمیق تر شدن شکاف بین لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی مانع از تشدید سرکوب انقلاب و

بویژه کشتار خلق کردخواهد گردید. چرا که سیاست افزایش کشتار خلق کرد و تشدید خفقان و تعرض ارتجاعی به انقلاب در پرتو جنگ، سیاستی است که هر دو جناح ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر بر روی آن وحدت نظری عملی و کامل دارند. به علاوه هر دو جناح رژیم بخوبی میدانند که او جگیری، گسترش و تقویت جنبش مقاومت خلق کرد، خطری جدی است که حیات کل هیات حاکمه را تهدید میکند.

تشدید خفقان و سرکوب مبارزات توده‌ها بطور اعم و جنبش مقاومت خلق کرد بطور اخص توسط رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر افشا گردیده و به خیانت‌های روبرو نیست. - های سوسیال شوینست و فدا انقلابی همچون حزب توده و سازمان چریک‌های (اکثریت) است. چه توده‌های آگاه، دیگر فریب شوینسم بورژوازی این خائنین را نخورده و بعینه می‌بینند که چگونه جمهوری اسلامی، با تبلیغات حول جنگ و "دفاع از میهن" به تنها جمی همه جا نیبه انقلاب خلق قهرمان کرد دست زده است، از طرفی دیگر با تشدید سرکوب و کشتار در کردستان، توسط رژیم جمهوری اسلامی بوج و ابلیه نه بودن نفسمه "ملح در کردستان" سوسیال شوینست‌های خجولی همچون راه‌اکا رگرو دفاع طلبانی همچون رزمندگان آشکارا میگردند. دفاع طلبان و سوسیال شوینست‌های خجول دیگر نمیتوانند واقعیت آنچه را که در کردستان میگذرد، کتمان کنند. زیرا روشن است که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی خود نمیتواند به هیچ "ملح عادلانه‌ای" تن بدهد، مگر ملحق که قدرت مسلح خلق کرد و مقاومت انقلابی توده‌های زحمتکش کردستان به او تحمیل کند.

افشای ماهیت ارتجاعی جنگ و اهداف رژیم از ادامه آن در جهت سرکوب انقلاب و بویژه جنبش مقاومت خلق کرد در شرایط کنونی یکی از مهمترین وظایف کمونیست‌هاست. پیوند دادن جنبشهای اعتراضی او جگیرنده با جنبش مقاومت خلق کرد در پست‌رشناسان و خواست‌ها و هیئت انقلابی مبارزه خلق کرد و افشای اهداف و توطئه‌های رژیم در کردستان، از جمله وظایفی است که شرایط کنونی جامعه ما را بر دوش کمونیست‌ها و سایر انقلابیون گذاشته است. و پرواضح است که انجام این وظایف هرگز نمی‌تواند جدا از افشای نیروهای مانده حیزب دمکرات کردستان باشد. که میکوشد جنبش خلق کرد را به انحراف و شکست بکشانند.

تصحیح

در پیکار ۸۵ در اخبار کردستان به لاکت رسیدن ۱۴ مزدور خلق اشتباه بوده و صحیح آن کشته شدن ۱۰ تن از مزدوران و زخمی شدن ۴ تن از آنان می‌باشد.

پرو زباد جنبش مقاومت خلق کرد

مدارس، شریانهای تپنده جنبش جوانان انقلابی

گزارشاتی از
مبارزات دانش آموزان انقلابی

مدارس میهن ما، به مرکزیت مبارزات جوانان انقلابی تبدیل شده است. بسته شدن دانشگاهها مدارس را به شریان تپنده مبارزات گسترده و اجبار جوانان انقلابی و کمونیست مبدل کرده است. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تشبیهات فراوانی که برای سد کردن و انحراف جنبش دانش آموزان انقلابی بعمل آورد و با وجود اخراجهای وسیع معلمان و دانش آموزان انقلابی و مبارز و گسیل معلمان ارتجاعی و فحشی به مدارس و تبدیل انجمنهای اسلامی به ارگان جاسوسی دانش آموزان نتوانست مدارس پر جوش و خروش را به گورستان سکوت و آرامش بدل سازد. در هفته های اخیر مبارزات دانش آموزان انقلابی ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. آنها بر علیه قوانین ارتجاعی آموزشی رژیم، بر علیه اخراج معلمان و محصلین مبارز و انقلابی، بر علیه تفتیش عقاید در مدارس، بر علیه سرکوب و خفقان موجود در مدارس، برای بدست آوردن آزادی فعالیت سیاسی - اجتماعی در مدارس، برای افشای نقش انجمنهای اسلامی و... دست به مبارزه زده اند. و این مبارزه با وجود دستگیریهای دامنه دار، اخراجهای روز - افزون و تعطیل مدارس همچنان گسترده تر و پر خروش تر از پیش جریان دارد.

دبیرستان عاصمی (تهران)

در پی اخراج سه تن از دانش آموزان انقلابی در روز پنجشنبه ۲۹ آبانماه، تظاهراتی در مدرسه برپا شد. و ریشبه مسئولین مدرسه از ورود دانش آموزان به مدرسه جلوگیری کردند که منجر به تحصن و تظاهرات در مقابل مدرسه (خیابان آزادی) گردید. در ادامه این وضع روز بعد پاسداران به صف دانش آموزان حمله کرده و چند نفر را مجروح و زخمی می نمایند. فالانژهای انجمن اسلامی نیز بیاری پاسداران شتافته و در اثر درگیری، عده ای از دانش آموزان زخمی میشوند. مردم محله در در و در مدرسه جمع میشوند. آنچه که در این جریان اهمیت دارد گفتگویی سازشکارانه طرفداران "مجاهدین" یا "دفتر هماهنگی رهبری جمهوری" بود که بوسیله کمیته هماهنگی نیروهای انقلابی کمونیست افشا شد. مبارزات دانش آموزان این دبیرستان همچنان ادامه دارد.

این دبیرستان از طرف وزارت آموزش و پرورش منحل اعلام شده است.



"اگر آموزش و پرورش و تحصیل فقط محدود به مدرسه بود و از زندگی پر شور جدا میبود، ما بدان ایمان نداشتیم" - لنین

دبیرستان متحدین (شاهروود)

۵۹/۹/۱: در پی یورش پاسداران سرما به خانه چند دانش آموز انقلابی و اشغال آن، گروهی از دانش آموزان علیرغم مانع مدیر مدرسه با بالا رفتن از دیوارها به کمک دوستانشان می - شتابند. مدیر مرتجع ورقه اخراج ۱۵ دانش آموز را بدیوار مدرسه نصب میکند ولی روز بعد آنها بی توجه بدستور "مدیر مدرسه سرکلان میروند که با مقاومت ارتجاعی هواداران "انجمن اسلامی" مواجه میشوند. مدیر دبیرستان از یکی از دبیران میخواهد که تا "اخراجیها" بیرون نرفته اند، به سرکلان نروند که وارد میناما بدومی - گوید وظیفه اش دادن درس است. در برخی از کلاسها دانش آموزان "اخراجی" را راه نمیدهند. مادران و دیگر اولیای دانش آموزان به اخراج فرزندان اعتراض کرده و حاضریه امضا نمیدهند. نامه نشده و از کار فرزندانشان پشتیبانی می - کنند. و نسبت به رفتار وحشیانه پاسداران اعتراض می نمایند. در شهرها هر دو حدوده دانش آموز دختر اخراج شده اند. جاسوسان پاسداران از دانش آموزان انقلابی که اطراف ساختمان اشغال شده تجمع کرده بودند عکس می گرفتند. پاسداران چندین دختر و پسر را خونین دستگیر کردند. مبارزه دانش آموزان علیه دستگیری دانش آموزان مبارز و انقلابی و اخراج های دانش آموزان مبارز ادامه دارد.

دبیرستان ۱۷ شهریور (تهران)

برگزاری بزرگداشت ۱۶ آذر، از طرف دانش آموزان انقلابی مراسمی به پاس تجلیل از شهدای روز دانشجو، ۱۶ آذر در صحن مدرسه برگزار گردید و ضمن افشای جنایات رژیم شاه در سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان به برقراری خفقان و ارباب و زندان و... در رژیم جمهوری اسلامی اشاره کرده و سیاستهای

ارتجاعی آموزشی رژیم را افشا کردند. دانش آموزان مبارز ضمن اعلام همبستگی با محصلین مدارس خوارزمی، مرجان، هدف، عاصمی، نگار و غیره که منحل و یا دانش آموزانش اخراج شده اند با فریادهای "محمل اخراجی حمایتت میکنیم" "سکوت هر معلم، سکوت هر محمل لطمه به انقلاب است" و... اتحاد و همبستگی خود را با کلیه دانش آموزان و معلمان اخراجی اعلام کردند.

تظاهرات گسترده دانش آموزان انقلابی در سنجند

روزی که شنبه ۵۹/۹/۸ - "ارسطو" نما پنده تام الاختیار آموزش و پرورش کردستان با استناد به گزارش مدیر مدرسه و برای سرکوب مبارزات انقلابی دانش آموزان در دبیرستان را همنامی خسروی سنجند حاضر شده و به دانش آموزان می - گوید: "قرار بود که ما چند روز دیگر از شما امتحان بعمل آوریم و شما دوسال در یک کلاس بنشینید، اما عده ای ضد انقلاب مانع از اینکار شده و هر روز امتحانات شما را به خردا دامامو کول کردیم در نتیجه شما یکسال عقب افتادید" سخنان این مزدور با اعتراض شدید دانش آموزان مبارز و بیرومی شود. دانش آموزان انقلابی در حالی که شعار میدادند "مرگ بزار ارسطو"، "ارتجاع بماند، ارسطو بماند"، مدرسه سنگر ما است، "او را از مدرسه بیرون میکنند، ارسطو مزدور نیز به تلافی حرکت دانش آموزان دستور انحلال دو کلاس مدرسه را میدهد. دانش آموزان مدرسه بمحض اطلاع از این تصمیم به حیاط مدرسه آمده و بطور گسترده ای به تظاهرات میپردازند. در همین حین پاسداران و جاسوها به مدرسه ریخته و برای متفرق کردن دانش آموزان، به تیراندازی هوایی اقدام میکنند. اما دانش آموزان به شهر آمده و با پیوستن دانش آموزان دیگر مدارس به آنها به انجمن تظاهرات گسترده ای دست میزنند که کلیه مزدوران رژیم (استاندار، ارسطو، شهردار و نما پندگان خمینی) برای سرکوب آن جلسه تشکیل میدهند. دانش آموزان انقلابی پس از طی خیابانهای شیخان ۲۵ شهریور، محله جورابا از مردم می خواهند که از دانش آموزان پشتیبانی کنند. مردم مبارز سنجند با دادن شعارهایی از قبیل "پیشمرگه نیاوت به رزه، دوزمن شه خا تلرز" (پیشمرگه نیاوت بلند است دشمن را به لیزه می اندازد) و "سری بتران و عیراق، شهری، کهنه پرستان شه ری سرما به داران، دژ به زه زمتکشا نه" (جنبش ایران و عراق، جنگ کهنه پرستان جنگ سرما به - بقیه در صفحه ۲۶)

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

نوجوانان آواره، بجای
تحصیل، باید در جبهه بمیرند!



من الفوائد العظيمة
فيها

من لسان الله عز وجل : **وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا يَشَاءُ** : ﴿١٠٠﴾

ن لھذا ۛ ا عا لھا :

٧٦\٢\١٥٧-٨\٨٠٧\٤٨٠٧

والله اعلم بالصواب

ن لہذا اس مسئلہ پر
اس کے بارے میں

اکر رژیم جمہوری اسلامی

- برای فرزندان زحمکشان مدرسه نمیزاد
- دانش‌آموزان افلاقی رازمدراس اخراج می‌نماید
- دانش‌آموزان مناطی جنگی رادروزیـمبهارا نه‌یه مدرسه می‌کشانند
- وسایل تحصیل رایگان فرزندان زحمکشان را فراهم نمیزاد
- کوچکترین امکانات تحصیلی برای کارگران محصل بوجودنمیزاد و دودو . . .

آری اگر رژیم این اقدامات را انجام
نمیدهد، ما در مقابل، پخشنامه‌های عریض و طویل می‌دهد که:

- فرزندان آوارگان جنگ حق تحصیل ندارند
- جوانان مناطق جنگ زده باید «به جبهه بروند» تا «گوشت دم توپ سرما به داران» شوند
- جوانان آواره‌ای که به هزار درد و رنج از مناطق جنگی دور شده اند باید دوباره زیر گلوله توپها و بمبهای ارتش ارجاعی عراق برگردند، مرد می‌راز! توده‌های زخمکش!

روژیم‌مپوری اسلامی همان‌طور که در این
سند می‌بینید کوچکترین ارزشی برای جان
و زحماتشان و فرزندان‌شان قائل نیست، روژیم‌در
رادیو-تلویزیون و روزنامه‌هایش فریادها را
برای "آوارگان بی‌سقف" می‌شنید، اما
روژیم‌دروغ می‌گوید و نه تنها دروغ می‌گوید بلکه
به جنايتكارانه‌ترین سیاست‌ها اقدام می‌کند
روژیم‌و قیام‌نه‌جوانان مردم‌آرا به‌زور از تدریس
باز می‌دارد و آنها را به‌زور به‌جبهه‌جنگ می‌فرستد
تا آنان قربانی اهداف ضد‌مردمی جمهوری
اسلامی بشوند، شک برچین روژیم که —
فلکت، سراسر و کشتار برآی شده‌های زحماتشان
و فرزندان‌چند دیگری را برانداخته است.



بت اگر من
باشم
بت پرستی
خوب است!

میگوید جوانی بیش از ده وقت و گفت: "ماهی و قناریه جاق حله دیگران را میدزدیم. آبغسی ندارد." ملا جواب داد: "نه، حرام است" جوان گفت "اگر هر که از کو به ده میام یکی از آنها را برای شما ورم جطوز" ملا گفت: "حالا بیسیم، غیبی ندارد!"

آبایر یادشده‌های استمدیده‌ودجا روشم‌را
که‌درخ‌د۴۴۵۱ فریاد‌م‌د‌رند "خمینی بیست
سکن ... یادش‌هست ؟ آن توم‌ه‌ها و نا آکا‌هی -
های توده‌از یک‌طرف و ضعف‌های جنبش انقلابی
از طرف دیگر کسان‌ی را به‌قدرت رسان‌ده‌که جنبش
انقلابی توده‌ها را به‌ناکام‌ی (هرچند موقت) دجا ر
ناخستند و امروز ،
- درحالی‌که ما ن خالی را هم از حلقوم‌کا و رگان و
زحم‌کنان میک‌سند ،
- درحالی‌که حداقل یک میلیون نفر آواره‌جنگ
سرب‌های درای ریمان ن‌دارند ،
- درحالی‌که ما بین نفت ، لیس‌کرم ، کفش و
بالاخره یک غذای کرم‌برای کار رگان و زحم‌کنان

سالروز ترور مفتوح و بهانه‌ای دیگر

که گرم شود و حرکت درآید به حرکت درآورد، از مومنی لیبرالی به فعالیت افتاد و در تمام عید فطر قطر به سال ۵۷ و تظاهرات پس از آن به فعالیت آشکار پرداخت، او دارای روابط مخفی با سران رژیم گذشته بود، بعضی از عمال رژیم شاه مانند نصیری دربار او باطنان با مفتوح در دادگاهها حرفهائی زدند که ما از جزئیاتش خبر دقیقی نداریم و مانند هزاران برگ اوراق افشا - کرانه دیگر در اختیار رنده ها قرار نگرفت.

او عضو شورای انقلاب هم شد ولی چگونگی ارتباطش با برخی از سران معدوم رژیم گذشته تابع ادعاها و مصلحت کناره‌گذاشته شد. ضرور او سبیل کرده تروریستی - مذهبی فرقان در آذرماه ۵۸ سوزهای داد بدست ضد انقلابیون حاکم که از او تهدیدها زنده می‌توانست (هر چند کوتاه) بوده‌هاش، ناآگاه را بخود مشغول دارند.

احتیاجی به تأکید ندارد که رژیم آرسو -
مداهانی که حول "مفتح" هارامیانند از دظرفی
برخواهدیست .

رؤم‌جمهوری اسلامی درجند تا ریخ و تراشد
افتخارات دروغین برای خودست بسیاری از
دروغگویان را ازین بسته است. هر روزها نه‌ای
پیدا میکند و در هفته گذشته هم بنام سیت‌ما لکرد
تر و ریخ محمد مفتاح جنال زیاد ییپا کرد.
تبلیغات رؤم‌برای اوچه "فما ثلثی" که ساخت
اوچه با ملاح "تا شیرکرف افغلاسی" که برای او
نشانید. مفتاح شیخی بود اهل همدان که در رزم
زندگی میکرد و در دوران اخلاق و حاکمیت
فاشیستی رژیم شاه، سردر لاک خود داشت. بی‌ش
مبارزه کاری نداشت، لیسانش معقول و منقول
گرفت و دبیر منطق و فلسفه دبیرسانهای قم بود
و سپس در همین رشته با ملاح دکتر گرفت تا از
قافله متحدان عقب نماند و بنوا نذرکنار
مطهری استا دادا نشاء الهیات بشود، او هیچ
ما بقه مبارزاتی (حتی در حد بسیار محدود) و
پیگیر برخی رواجیون در سالهای گذشته ()
نداشت، او و کجری جنش انقلابی و گرم شدن
محیط مبارزات اجتماعی، او را نیز مانند کلیه
فرمت طلبان موقع نشان "چون ماری افسرده

صدویکمین سالگرد تولد استالین رهبر پرولتاریای جهان گرامی باد!

"افرادی که به زبانهای مختلف محبت می - نما بند مقصود یکدیگر را بدرک نمی کنند ، زیرا کلماتی وجود دارد که در تمام زبانها یکنواخت تلفظ میشود ، این کلمات عبارت اند از : لندن ، استالین ، شوراها " (ماکسیم گورکی)

مبارزات استالین : فولاد آبدیده

رفیق ژوزف ویسا رینوچ استالین در ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در شهر گورکی در یک خانواده کارگری متولد گردید . از همان جوانی به فعالیت انقلابی و آموزش مارکسیسم پرداخت . او برای بیدار کردن طبقه کارگر و هدایت مبارزات طبقه کارگی و نیز در جهت ایجاد سازمانهای کارگری نقش بارزی داشت . در مبارزه علیه تزارسم و برای تدارک ثبات ۱۹۰۵ در متشکل ساختن و تسلیح کارگران نواحی قفقاز نقش مهمی ایفا کرد . رفیق استالین در جریان مبارزه سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۰۲ هشت مرتبه توسط مأمورین تزاری دستگیر شد که از آن میان شش دفعه از تبعیدگاه فرار نمود .

رفیق استالین به موازات این فعالیت های انقلابی ، مورخینی را پیگیرانه دنبال می نمود و با دشمنان مارکسیسم - لنینیسم سرسختانه مبارزه میکرد . در این زمینه استالین که خود را شاگرد لنین می دانست همدوش او از خط مشی بلشویکها بدفاع پرداخته و از جمله رساله "مختصری درباره اختلافات درون حزب" و رساله "اتارشیسم یا سوسیالیسم" را در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷ نوشته در کنفرانس پراگ (ژانویه ۱۹۱۲) بنا بر پیشنهاد لنین ، رفیق استالین غیا به عضو ان یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب و در راس ارگانی که رهبری تمام مورخینی سازمانهای بلشویکی را بعهده داشت انتخاب گردید . روزنامه "پراوا" که نقش پراهمیتی در تربیت و شکل داده های بازی نموده ، به ابتکار رفیق استالین انتشار پیدا نمود . او در سال ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳ رساله ارزنده "مسئله ملی و مارکسیسم" را به رشته تحریر آورد .

استالین ، ادامه دهنده راه لنین

رفیق استالین در رهبری انقلاب اکثریت ، نقش بسزائی داشت . وی از تره های آذربایجان لنین مبنی بر تبدیل انقلاب دموکراتیک به سوسیالیستی و از پیشنهاد لنین برای برپا نمودن قیام با جدیت تمام پشتیبانی کرده و در مقابل مواضع تسلیم طلبانه زینوف و کامنف



که آغاز نمودن غیا مراردمی نمودند و تبدیل به مخالفت نمود . با اواخر انقلاب اکثریت هدایت داهیا نه حزب بلشویک به رهبری لنین به پیروزی رسید و با غرض توبیهای اکثریت که مدای رسا و همگی پرولتاریای جهانی بود ، عنصر جدیدی در تاریخ آغاز شد . با پیروزی انقلاب اکثریت در جهان سرمایه داری شکاف افتاد و

معنی بر پذیرش سوسیالیسم توسط کولاکها (بورژوازی ده) و در حقیقت تئوری آشتی پذیری و هم سرنوشته مالکیت خصوصی و سوسیالیسم را حرام نمود .

رفیق استالین به موازات پیشرفت و تشدید مبارزات درون حزبی بر علیه نمایندگان بورژوازی که انگاسی از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه شوروی بود ، بر نامه های پنج ساله اقتصادی را در دستور قرار داد . بر اساس این برنامه های سوسیالیستی ، کشورشوراها به کشوری صنعتی و مدرن تبدیل گشته ، کشاورزی اشتراکی گردیده و کولاکها به یک طبقه نابود گردیدند . حزب بلشویک تحت رهبری رفیق استالین توانست با برنامه ریزی داهیا به سوسیالیستی ، کشور عقب مانده روسیه تزاری را به یکی از صنعتی ترین و پیشرفته ترین کشورهای جهان تبدیل نماید که در پناه سیستم سوسیالیستی ، رفاه و آسایش عمومی پرولتاریا و زحمتکشان تا مین گردیده و مضرات و بلایای جوامع سرمایه داری در آن نابود شده بود .

حماسه جنگ کبیر مبنی بر علیه فاشیسم

در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ آلمان امپریالیستی هیتلری غافلگیرانه به شوروی سوسیالیستی حمله مسلحانه میکند . امپریالیستها در پی آن بودند تا سوسیالیسم را برای همیشه دفن کنند ، ولی

■ شکست فاشیسم هیتلری توسط کشور سوسیالیستی شوراها ، اگرچه میلیونها کشته از زحمتکشان شوروی برجای گذاشت ، اما آزمايشی بزرگ برای طبقه کارگر و خلقهای شوروی و جهانیان بود و توده های زحمتکش شوروی نشان دادند که به سوسیالیسم ، راه لنین ، حزب بلشویک و رفیق استالین عشق میورزند و حاضر نیستند بهیچ قیمتی یوغ بندگی فاشیسم را بپذیرند .

■ تنها رویزونیستهای خروشچنی دشمنان استالین نیستند ، بلکه آنها در دشمنی با استالین از یاری امپریالیستها ، و مترجمین و تروتسکیستهای ضد انقلابی نیز برخوردارند . کینه عمیق آنان به استالین ، در حقیقت کینه ورزی نسبت به کمونیسم است . پس ، آری هر کس که نسبت به استالین دشمنی ورزد ، بهست و فرومایه است ، زیرا استالین عامل ساختمان سوسیالیسم و دستاوردهای پرولتاریای جهانی است .

حکمت تاریخ چیز دیگری بود . رفیق استالین در رأس حزب بلشویک و نیروهای مسلح ارتش سرخ جنگ انقلابی خلقهای شوروی را علیه ارتش نجا و کرآلمان هدایت کرد و با لایحه در مقابل شهرمانیهای طبقه کارگر و سرتوده های کشور شوراها و فدائیکارهای ارتش پرافتخار سرخ ، اشغالگران نازی را در اسلنگرا در در هم شکست دادند . شکست فاشیسم هیتلری توسط کشور سوسیالیستی شوراها ، اگرچه میلیونها کشته از زحمتکشان شوروی برجای گذاشت ، اما آزمایشی بزرگ برای طبقه کارگر و خلقهای شوروی و جهانیان بود و توده های زحمتکش شوروی نشان دادند که به سوسیالیسم ، راه لنین ، حزب بلشویک و رفیق استالین عشق میورزند و حاضر نیستند بهیچ قیمتی یوغ بندگی فاشیسم را بپذیرند . رفیق استالین با شکست فاشیسم هیتلری ، خلاصت رهبری مبارزه مدافعتی کشورشوراها را به

برچرخ شوراها سوسیالیستی برافراشته گشت و جهان به دوار دوگاه قطعی تقسیم گردید . رفیق استالین در سال ۱۹۲۴ جانشین رفیق لنین گشت و به دبیرکلی حزب بلشویک انتخاب گردید . رفیق استالین در مبارزه ایدئولوژیک علیه انحرافات "چپ" روانه و راستروانه هم بسزائی داشت ، سوره مبارزات وی علیه تروتسکی و تروتسکیسم و بخارین و

زبانزد جنس جهانی کمونیستی است . وی با نوشتن رساله اصول لنینیسم "در سال ۱۹۲۴" بر سر محکمی بر تروتسکیسم وارد آورد و با انکاسه تئوری لنینی رشدنا موزون اقتصادی - سیاسی کشورهای سرمایه داری در عصر امپریالیسم و امکان سرشاری سوسیالیسم در یک کشور ، نظرات تسلیم طلبانه تروتسکی را مبنی بر عدم امکان پیروزی سوسیالیسم در یک کشور افشا نمود .

وی همچنین در مبارزه علیه اپورتونیسم راست بخارین ، تره های انحرافی بخارین

مبارزات توده‌ها و نقش رویزیونیست‌ها

آمل: در جریان درگیری‌های اخیر و گسترش جنبش مقاومت توده‌ای هنگامیکه رفقای ما و دیگر نیروهای کمونیست متحداً با همدین به مقابله با ارتجاع برمیخیزند، هواداران رویزیونیست‌های "اکثریت" در آمل به سبب در یوزگی شان در استان ارتجاع حاکم، هیچگاه از سنگ اندازی در مبارزه مردم‌و جاپلوسی رژیم دست‌برنداشتند. برای مثال هنگامیکه یکی از هواداران مجاهدین در اثر کلوله اسلحه با سداران چهل و سرما به مجروح شد، توسط یکی از رفقای "اقلیت" از صحنه درگیری خارج شد. هواداران "اکثریت" یوزخندزان به تسمخ میگردانند. البته آنها با برخورد قاطع و انقلابی رفقین اقلیتی مواجه شدند. یکی از ما در آن مبارز نیز خبا نتهای چریکهای اکثریت و حمایت آنها از سداران را افشا نمود. در این مبارزات توده‌ای هواداران "راه‌اکارگر" نیز نقش بی‌نشانند و از صحنه مبارزات مردم‌غایب بودند و رویزیونیست‌ها نه در کنار مردم مبارز، بلکه با روهمدم ارتجاع و پاسدارانش بودند.

بقیه از صفحه ۱۹ تقویت...

مشترک خود با آمریکا و استراتژی جدیدشان بفرکاره‌ریافتند. و ناگزیر بر فعالیت و حضور نظامی خود در عمان افزودند. آنها تعداد مستشاران نظامی خود در نیروهای مسلح عمان را افزایش دادند. این مستشاران فرماندهی ارتش قابوس را در دست دارند.

اخیراً قراردادی بین قیس الزوای وزیر خارجه عمان با اربابان انگلیسی اش در این باره به امضاء رسیده است.

از حدود یک سال پیش که ملکه انگلیس از عمان دیدار کرد و دیدارهای متعددی که پس از آن مقامات انگلیسی از مسقط و مسوولین عمانی از لندن کرده اند با رها صحبت از این شده است که انگلیس‌ها میخواهند بر حضور نیروهای نظامی خود در عمان بیاورند. ما نور مشترک هواشی و دریایی نیروهای انگلیسی و آمریکا شی اخیراً در آبهای این منطقه صورت گرفت و طی ماههای گذشته بر تعداد ناوگانهای جنگی انگلیس در منطقه ما افزوده شده است.

امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی دست اندرکار ساختن پایگاههای نظامی در منطقه مستدم (رئوس الجبال) هستند و بین خلیج عمان و خلیج فارس کانالی به طول ۶ کیلومتر قرار است حفر کنند تا در صورت بسته شدن تنگه هرمز عبور و مرور کشتی‌ها را بتوانند تأمین نمایند. امپریالیستهای فرتوت انگلیسی "فیلشان" با دهنده‌وسان کرده است "وخواستار بازگشت به عهد قدیم هستند. اما خلقهای بیچاره منطقه دیگر قربانان و دست‌نشانندگان نخواهند خورد و پاسخ آنان را با قهر انقلابی خواهند داد.

از بیاری امپریالیست‌ها و مرتجعین و ترسکینست‌های ضد انقلابی نیز برخوردارند. کینه عمیق آنان به استالین، در حقیقت کینه ورزی نسبت به کمونیسم است و پس از آن هر کس که نسبت به استالین دشمنی ورزد، بیست و فروما به استالین زیر استالین سمبول ساختمان سوسیالیسم و دستاوردهای پرولتاریای جهانی است. رفیق استالین اگرچه رهبری شایسته و چهره‌ای برجسته در دنیا کمونیسم بوده و هست و تا ما همیشه در قلب زحمتکشان جهان زنده خواهد ماند، اما در دوران رهبری حزب بلشویک دچار انحرافات چند نیز گردیده که لطفاً تنجی به ساختمان سوسیالیسم وارد آورده. از جمله وی به نقش مبارزه ایدئولوژیک درون حزبی بخصوص از سالهای ۳۰ به بعد بهای کافی نداده و این خود مانع از آن گردیده که یوزونیست‌های یک مبارزه ایدئولوژیک عمیق و بی‌امان و توده‌ای به انداز کافی افشا شوند. این انحراف علیرغم آنکه رفیق استالین در اوایل عمر بدرستی و تبا حدودی به انتقاد از آن دست‌یافت، در رشت رویزیونیسم در حزب بلشویک بی‌تأثیر نبود و رویزیونیست‌ها که از حزب طرد و افشا نشده بودند، بعد از مرگ رفیق استالین بتدریج توانستند قدرت را در حزب و دولت بدست گیرند و ساختمان سوسیالیسم در شوروی را به شکست بکشانند. البته اگرچه این انحراف، جدا از انحراف حزب بلشویک در آن زمان نبود، ولی بهر حال بدلیل نقش رهبری، رفیق استالین مقام و جایگاه ویژه‌ای در انحراف حزب دارا می‌باشد.

در همین رابطه باید از تکیه یک جانبه رفیق استالین به عامل زیربناشی و کم به دادن به عامل ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی و نقش آن در تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیسم یاد کرد. این کم بها دادن به عنصر ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی بویژه پس از جنگ جهانی دوم و در شرایطی که آسیب‌های جدی به اقتصاد سوسیالیستی و صنعت وارد شده بود و نیاز به تکنوکرات‌ها و متخصصین شدیداً احساس می‌شد عواقب زیانباری را فراهم آورد و موجب قدرت گیری تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها به تکیه گاه طبقاتی رویزیونیسم و بعنوان نمایندگانشان بورژوازی در حزب گردید.

بهر جهت برخورد دقیق با نقش و جایگاه رفیق استالین در امر هدایت کشور شوراهای پرولتاریای بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید برای بهره‌یاز هرگونه انحراف راست و "چپ" در این مورد جنبش کمونیستی ما این مسأله را مورد بررسی دقیق - تروهمه‌جانبه تر قرار دهند.

صدویکمین سالگرد تولد رفیق استالین را گرامی بداریم و بکوشیم تا به راه سرخ پرافتخار وی وفادار باشیم و پرچم پرولتاریای بین - المللی را همچنان برافراشته نگه‌داریم!

ثبوت رسائید و تحسین خلقها و پرولتاریای جهانی را برانگیخت، شوروی سوسیالیستی تحت رهبری رفیق استالین و حزب بلشویک از مبارزات خلقهای تحت ستم چین، آلبانی، ویتنام و زحمتکشان سراسر جهان حمایت نمود و در پیروزی انقلابات چین، آلبانی، ویتنام و دموکراسی‌های توده‌ای در اروپای شرقی... نقش موثری داشت. علاوه بر آن باید از نقش ارزنده رفیق استالین در هدایت کمیتز و کمیتز ما دکرده. کمیتز به رهبری رفیق دیمتریف با رهنمودهای رفیق استالین نقش مهمی در هدایت احزاب و سازمانهای کمونیستی سراسر جهان ایفا نمود و آنها را در مبارزه مسلح و طبقاتی مورد حمایت همه جانبه خود قرار داد. در ضمن باید از مبارزات رفیق استالین و کمیتز علیه تیتوئیسم نیز یاد کرد. پس از آنکه دارودسته رویزیونیستی تیتو به قدرت رسید و به طبقه کارگر خیانت آشکار نمود، رفیق استالین و حزب کمونیست شوروی به مبارزه انقلابی با آن پرداخته و چهره گریه رویزیونیسم تیتوئی را به احزاب کمونیست سراسر جهان نشان داد. این مبارزه نشان داد که تیتوئیسم بنده بورژوازی بوده و بیولوژیک به یک کشور را به اداری تبدیل شده است. بدینال این مبارزه بود که تیتوئیسم به مثابه یک جریان ضد انقلابی و خدمتگزار امپریالیسم افشا و طرد گردید.

بدینال یک عمر مبارزه فداکارانه در راه سوسیالیسم در شرایطی که بیش از ۳۰ سال رهبری کشور شوروی سوسیالیستی را به عهده داشت رفیق استالین در مارس ۱۹۵۳ درگذشت. پرولتاریای جهان با مرگ رفیق استالین یکی از بزرگترین و برجسته ترین فرزندان مارکسیسم - لنینیسم را از دست داد. دنیای کار و زحمت در سوگ مرکش در غم و اندوهی عظیم فرو رفت.

دشمنی با استالین، دشمنی با کمونیسم است

بعد از مرگ استالین بدلیل برخی انحرافات وی و حزب بلشویک و رشت رویزیونیسم در حزب کمونیست، رویزیونیستهای خروشچی بقدرت رسیدند و بتدریج کلیه پیروان استالین و در حقیقت کلیه رهروان کمونیسم را از حزب تصفیه کردند.

آنان که نمیتوانستند کمونیسم، محبوب کارگران و زحمتکشان شوروی را مستقیماً مورد حمله قرار دهند، کوشیدند در پی حمله به استالین به کمونیسم حمله کنند. خود را زیر نقاب مارکسیسم پنهان نمایند. تا از ماج حملات توده‌ها در مان بمانند. اما تا ریخ ثابت نمود که استالین دوست خلقهای جهان و پرچمدار راه کمونیسم بوده است و رویزیونیستهای مرتد خروشچفی دشمنان خلقهای شوروی و جهان و از مزه رهروان راه سرمایه‌داری بوده و هستند.

اما تنها رویزیونیستهای خروشچی دشمنان استالین نیستند، بلکه آنها در دشمنی با استالین

رزمندگان و راهکارگر: از حرف تا عمل (۳)

این مقاله در ادامه مطالب قبلی به اتکای نظرات رفقای رزمندگان درباره جنگ و سایر موارد تا شماره های اخیر رزمندگان* (قبل از ۴۱) میباشد. ما در اولین فرصت نظرات خود را درباره مواضع جدید رفقای رزمندگان (مندرج در شماره ۴۱) اعلام خواهیم کرد.

ج - راه کارگر: مخالفت تلویحی با جنبش خلق کرد.

رزمندگان: آتش بس مبارزه طبقاتی در جنبش خلق کرد!

راهکارگر در چندین مقاله اش در مورد کردستان، آشکارا مدافع صلح اجتماعی و سازش طبقاتی گردیده است. برای نمونه میگوید: "در این شرایط اوج گیری نوبله های امپریا - لبسم بر علیه زحمتکشان ایران، برقراری آتش بس در کردستان و آغاز مذاکره به جهت یافتن راه حلی که تضمین کننده یک صلح پایدار (!؟) در این قسمت از خاک میهن ما باشد، بیش از هر هنگام دیگر ضرورت خود را نشان میدهد." (راه - کارگر ۴۵ تا کیدا خود را هکارگر است.) راهکارگر تا آنجا می رود که تلویحا از خلق کرد می خواهد دست از مبارزه مسلحانه بردارد، (راهکارگر ۵۱) صلح پایدار یعنی چه؟ مگر امکان دارد بین خلق کرد و رژیم فدا انقلابی، "راه حلی که تضمین کننده یک صلح پایدار باشد" یافت؟ مگر برقراری صلح پایدار راجعاً به بود کردن رژیم فدا انقلابی با سرکوب جنبش خلق کرد، دست یافتنی است؟ آری راهکارگر زما نیکه از "صلح پایدار" سخن میگوید، خواهان آن نیست که خلق کرد از مبارزه مسلحانه دست بکشد، آری خلق کرد با دست کشیدن از مبارزه مسلحانه میتواند در جهت تداوم انقلاب دموکراتیک خلقی گام بردارد؟ دعوت برای تنفاهم و برقراری صلح پایدار و دست کشیدن خلق کرد از مبارزه مسلحانه، در حقیقت دعوت از خلق کرد برای دست کشیدن از مبارزه قهرآمیز و تبلیغ رفرمسم و رویزیونیسم است.

و اما رزمندگان: رزمندگان شاعر می دهند "آتش بس در کردستان بسود خلق ما - است" (رزمندگان ۳۴) و بی توجه به ماهیت ارتجاعی رژیم، به رژیم رهنمود میدهد که سربازانش را از کردستان به خوزستان منتقل کند. (رزمندگان ۳۱) رزمندگان نمیگویند که کدام آتش بس، تحت چه شرایطی و به چه دلیلی بسود خلق ما است. آری صلح مسلح و تحمیل آتش بس به ارتجاع، برای تقویت صفوف خویش و آماده شدن برای جنگی عظیم تر بسود توده ها با بدردستور باشد یا آتش بس جهت تثبیت رژیم مرتجع حاکم؟ یا در جنبش شرایطی کمک به جنبش مسلحانه خلق کرد، شعله ور ساختن آن برای بیرون راندن ارتش و پاداران

و در حقیقت برای برهم زدن نظم تثبیت شده بسفغ توده ها است یا آتش بس؟ یا فرمان چنین آتش بسی، جز فرمان ایست دادن به مبارزه ملی - طبقاتی خلق کرد و جلوگیری از آن است؟ رزمندگان زما نیکه از رژیم ملتسمانه

تنفای آتش بس و انتقال ارتش به خوزستان را میکند، نشان میدهد که در تعمیق اپورتونیسم خود حرکت میکند. مگر یک رژیم فدا انقلابی حاضر است دست از سرکوب انقلاب بردارد؟ مگر ممکن است تا وقتی نیروهای انقلابی صلح را بر او تحمیل نکرده اند، به صلح موقت با انقلاب تن در دهد و مگر ممکن است "دلش به رحم آید" و از سر کوب خلق کرد دست بردارد، که ارتش را از کردستان به خوزستان ببرد و با عراق بجنگد؟ چه پنداره ای باطلی! اما اگر الفبای م - ل که می آموزدند - انقلاب ممکن است با فدا انقلاب سازش کند و لسی با انقلاب هرگز! آری اگر این درک الفبای م - ل برای رزمندگان آموختنی نبود، واقعیت شوخی - نا پذیر، سیلی محکمی بر صورت رزمندگان نواخت. چه رژیم بنا به ماهیت خود نه تنها حاضر نشد دست از سرکوب خلق کرد بردارد، نه تنها ارتش را از کردستان به خوزستان نبرد، بلکه به تشدید سرکوب خلق کرد پرداخت و بخشی از نیروهای دا و طلب جبهه جنگ را هم به کردستان فرستاد تا سرکوب را شدت بخشد!

چنین است که رزمندگان و راهکارگر، هر یک به فراخور میزبان گرایشات رویزیونیستی گشتان در برخورد به جنبش خلق کرد، نغمه های فداشیا ن اکثریت را ساز می کنند، اکثریت نیز از شعار صلح در کردستان شروع نمود و سرا نجام به دشمنی آشکار با جنبش خلق کرد پرداخت و کمربند خدمت بورژوازی حاکم بست، اگر انحرافات این رفقا تعمیق یا بدیهه سرنوشت فداشی اکثریت منجر خواهد شد، باز هم هشدار که خطر عمیقاً نزدیک است!

د - راه کارگر رزمندگان: در فکر اصلاح ارتش ارتجاعی!

یکی از معیارهای اساسی برای شناخت میزان وفاداری به ما رگسیم، چگونگی برخورد به نهادهای سرکوبگر ارتجاع این یا به ها او ستونهای اصلی برقراری سلطه بورژوازی است برخورد به ارتش و سایر بدسته های صلح دیک کلام به معنی برخورد به ماشین دولتی است. از نظر گاه م - ل ارتش و دسته های صلح رژیم های بورژوازی ابزار سرکوب پرولتاریا توسط

بورژوازی است و به قول لنین "در دموکراتیک ترین جمهوریها نیز با ز" تسلیم بورژوازی، برضد - پرولتاریاست " (انقلاب پرولتری کا توتسکی مرتد)

بدین ترتیب هیچ جای شکی باقی نیست که ارتش درجوامعی نظیر ما ابزار سرکوب توده ها است و هرگز نمیتواند انقلابی عمل کند. چرا که اگر یک دولت ارتجاعی است، ابزار سرکوب آن نیز ارتجاعی خواهد بود. اما رویزیونیستها همواره میکوشند به این اعتبار که توده های تشکیل دهنده ارتش، کارگران و زحمتکشان هستند بر ماهیت آن برده ساز فاکتور و حتی آنرا انقلابی بخوانند، آنها آگاهانه یا نه فراموش میکنند که ارتش، مانند هر نهاد دیگری، دستگاهی است که توسط سیاست حاکم بر آن عمل میکند و توده های ارتش هر چه باشند، بدلیل آنکه نظم، سیاست و سلسله مراتب حاکم بر آنها می باشد، مرتب بر آن توسط حکومت تعیین میگردد، این افراد نقشی در سیاست ارتش ندارند، همانطور که در جامعه سرمایه داری، از آنجا که مناسبات تولیدی سرمایه داری در آن حاکم است، از آنجا که مالکیت در دست طبقه سرمایه دار است، از آنجا که قدرت سیاسی در دست اوست و در یک کلام نظم سرمایه داری بر آن حاکم است، بنا بر این یک نظام ضد انقلابی است، هر چند که اکثریت قاطع افراد تشکیل دهنده آن جامعه، کارگران و زحمتکشان باشند، رویزیونیستها میکوشند به اعتبار توده تشکیل دهنده ارتش، به آن جنبه مترقیانه بدهند و بر نقش فرماندهان و سیاست و نظم حاکم بر آن پورده افکنند. فی المثل کیا نوری در محاصره ای در دیماه ۵۷ ارتش شاهان را خلقی خواند، چرا که ۹۰ درصد آنرا فرزندان زحمتکشان تشکیل میدادند، فداشیا ن خلق نیز آن هنگام که هنوز رویزیونیست نشده بودند، از آنجایی که سرکوب توده ها توسط پاداران را میدیدند، جناحی از آنرا ارتجاعی میخواندند و از آنجا که دچار ریزلزل در مقابل بورژوازی بودند جناحی انقلابی برای آن میتراشیدند، بدین بها نه که توده ها این نهاد (پاداران) را تشکیل داده بودند، البته زما نیکه اتفاقاً طشان پایا ن یافت و بس - رویزیونیسم در غلطیدند، آنگاه این نهاد سرکوب "انقلابی شد، تا آنجا که" در آن میخن خسو - پادار و فداشی "نهایت آرزویشان گشت!

اما اگر رویزیونیستها آشکارا رگانه های سرکوب بورژوازی را ستایش میکنند، رفقای رزمندگان و راهکارگر، هر یک بنویس خود با تعریف ما رگسیم، به جدا کردن توده های ارتشی از نظام حاکم بر آن می پردازد و دموکراتیست رویزیونیستی خود را عیان مینماید.

رزمندگان میگویند:

"غافل از آنکه نیرومند بودن روحیه

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

به انقلاب و تهران است، به همین ترتیب میتوان به مقصود رسید!

بدین ترتیب راه کارگر و رزمندگان نه تنها میگوشتند با جدا کردن توده ارتش از سیاست حاکم بر آن و مستقل نمودن عملکرد آنان از عملکرد دستگاه "ارتش، جنگ ارتش یا رژیم ارتش را هم مترقی جلوه دهند بلکه حتی میگوشتند با ارتش رهنمودها و پیشنهادها و نظم فدا انقلابی ارتش را به نظم انقلابی و فدا میربا لیبستی درجه را چوب رژیم جمهوری اسلامی بدل گردانند! واقعا این انحرافات نزد راه کارگر و رزمندگان حکایت از چه میکند؟ در یک کلام این انحرافات حاکی از تعمیق گرایش ریزونیستی این دو جریان است. رفقا بخود بیا شد که ریزونیسم در راه فتح سنگراست

راه کارگر : اپوزیسیون گرائی

با دیدگاهی که راه کارگر نسبت به اساسی ترین مقولات مارکسیسم دارد: اعتقاد به استقلال سیاسی رژیم، رنگ آمیزی ارگان سرکوب مانند ارتش، مخالفت تلویحی با جنبش خلق کرد، تاکید بر افزایش تولید کارگران، شورویزه کردن:

■ ما به همه هواداران و اعضای صادق راه کارگر اعلام خطر میکنیم، این ره که راه کارگر میروید به منجلا ب اکثریت فدائیان خواهد رسید. هشدار که ریزونیسم جشن دیگری برپا ندارد!

فرمولی اپورتونیستی برای افشاگری که معنای جز دست کشیدن از افشای برا و مستقیم ارتجاع ندارد و رهنمودخواهی را بجای افشای گری مستقیم پیشنهاد نموده. ۲۰۰۰ آری با چنین دیدگاهی و با تعمیق هر چه بیشتر ترز ه های ریزونیستی، راه کارگر را دیدگری بجز دست کشیدن از اقدامات انقلابی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ندارد. اپوزیسیون گرائی، بعنوان ادامه طبیعی این انحرافات ظاهر میشود.

هنگامیکه رفقا معتقد میشوند: "هر نوع عمده کردن مبارزه با ارتجاع داخلی در لحظه کنونی، انحراف از الزامات مبارزه انقلابی است که در عمل به تضعیف مردم ما در برابر امپریالیسم منتهی میشود." (راه کارگر شماره ۴۲) بایستی نیز در انتظار توقف اقدامات انقلابی از سوی آنان بود. راه کارگر ناراحت است که: "هیچ اپوزیسیون انقلابی و حتی مترقی در چارچوب قانونی امکان عرض وجود ندارد." (راه کارگر ۵۳) متأسفانه خود میگوشتند با "اپوزیسیون" رژیم بدل شود، حتی اگر قانونا به رسمیت شناخته نشود! بدین ترتیب راه کارگر به نصیحت ارتجاع می پردا زد و به او میگوید که پذیرش رهنمودها بش بود خود ارتجاع نیز نخواهد بود.

راه کارگر میگوید: رژیم باید آزادی بدهد تا ماسیج سیاسی راه بیاندا نیم و بسیج نیز میبایستی در خدمت بقیه در صفحه ۱۴

میآید." (راه کارگر ۴۲) رفقای راه کارگر و رزمندگان که توده ارتش یعنی اکثریت قاطع ارتش را جدا از سیاست حاکم بر آن فدا میربا لیبست میدانند، یک اشکال در تبدیل این ارتش به ارتش خلق دیده و آن تشکیل شورا در ارتش جمهوری اسلامی است، رزمندگان میگوید: "ما فکر (!؟) میکنیم که فرماندهان ارتش قایل اعتبار نیستند و به همین دلیل با بدبا تشکیل شورا های ارتشی و تفویض اختیارات به آنها خطر قدرت گیری فرماندهان معلوم الحال را خنثی کرد." (رزمندگان ۲۲) و با بقول راه کارگر: "نظام کهنه ارتش که نظامی است جدا از مردم و بر اساس سلسله مراتب و اطاعت کورکورانه بنیادین گذاشته شده (محبت از اساس ما هیت طبقه های جمهوری اسلامی این چماق سرکوب سرمایه داری نیست - پیکار) باعث گردیده است که ارتش علیه غم تمام امکانات و تجهیزات مدرن و حمایت بیدریغ توده ها نشو و ندنجا و زنا پیکارانه رژیم عراق را درهم بکوبد، تنها با نظام شورائی است که میتوان بر این عدم هماهنگی و هرج و مرج و بی انضباطی غلبه نمود." (راه کارگر ۴۲)

فعلا با این شیوه برخورد نامحانه و غمخوارانه با آنها در کوب رژیم کاری ندایم، اما رفقای رزمندگان و راه کارگر! پس ما هیت ارتجاعی رژیم چه می شود؟ پس ما هیت ارتجاعی ارتش دست پرورد آمریکا چه میشود؟ رفقا چه میگویند؟ شما پیشنهاداتی مبنی بر تنظیم فعالیت ارتش میدید. که چگونه هرج و مرج را از زمین ببرند و نظم را ایجاد کنند. کدام نظم؟ مگر ممکن است ارتش جمهوری اسلامی نظامی بجز نظم فدا انقلابی داشته باشد؟ مگر "ارتش متحجرترین آلت پشتیبانی از نظام کهنه و سخت ترین تکیه گاه بورژواشی و پشتیبان سلطه سرمایه و وسیله حفظ و تربیت روح انقیاد برده و اردر زخم کشان و تابع نمودن آنان به این سلطه نیست؟ (لنین - انقلاب پرولتری و کواشونسکی مرتد) (تاکید از ما ست)

بنا بر این رفقا چگونه میخواهید با سپردن اختیارات در درون چنین ارتشی بدست شوراها (در جمهوری اسلامی) نقش و عملکرد آنرا اصلاح کنید. مگر هدف کمونیستها اصلاح ماشین دولتی (ارتش) از طریق سپردن قدرت بدست شوراها در چهارچوب جمهوری اسلامی است؟ مگر برای تعیین نقش ارتش نباید این نظم را درهم شکست و نظم نوینی ایجاد کرد؟ چرا سخنی از ضرورت درهم شکستن آن در میان نیست؟! اگر بتوان طبق رهنمود شما توسط چنین "شورا های سربازان" کار کرد و ارتش را دگرگون نمود، دیگر چه نیازی

استقلال طلبانه فدا میربا لیبستی در میان توده های ارتشی و سایر توده ها ۲۰۰۰ آب سردی بر آتش نقشه های "امپریالیسم ریخت ویا" در این میان توده های ارتشی پیش قدم گشتند، آنها در موارد بسیاری فرماندهان خود را به زور و سلطه وادار به شرکت در جنگ میکردند و خود نیز با رشادت و از جان گذشتگی توده های که از انقلاب خود دفاع میکنند، پا به میدان نهادند. (رزمندگان ۳۵ تاکید از ما ست)

بدین ترتیب رزمندگان مدعی میشوند که: ۱ - توده های ارتشی علیه غم فرماندهان نشان در نبرد با امپریالیسم شرکت میکنند.

۲ - فرماندهان نشان مخالف این شرکتند، اما به زور و سلطه در جنگ شرکت میکنند. چه داستان جالبی! اپورتونیستها زمانیکه قافیه شان تنگ آید به هر شیوه ای میگویند که لازم باشد دست میزنند.

بدین ترتیب اولاً، ارتش در رژیم سدار سرمایه داری وابسته میتواند به نبرد علیه امپریالیسم بپردازد. ثانیاً این سیاست ضد امپریالیستی را توده ها تعیین میکنند، بدین معنی که سیاست حاکم بر چماق سرکوب طبقه های ارتش طبقات حاکم نیست! یعنی این فدا انقلاب نیست که ارتش خویش را بعنوان چماق برای سرکوب انقلاب بخدمت میگیرد، بلکه این توده های ارتش هستند که ارتش را بصورت چماق برای علیه امپریالیسم بکار میگیرند و ارتش "فدا امپریالیست" میشود، ثالثاً، در این ارتش تنها فرماندهان بدستند که آنها را هم به زور می توان تحت کنترل درآورد و در جنگ با امپریالیسم شرکتشان داد. بدین ترتیب رزمندگان با جدا کردن توده های ارتشی از سیاست حاکم بر آنها و فدا میربا لیبست قلمداد کردن آنها در اساسی ترین مقولات مارکسیسم یعنی دولت (و ارگانهای سرکوبش) تجدید نظر میکنند. ارتشی که رزمندگان تصویر میکنند علیه غم وجود فرماندهان نشان، توده ها بر آن حکم میراندند و به عبارت دیگر سیاستش که "فدا میربا لیبستی" است از پاشین تعیین میشود نه از بالا. علاوه بر این در اینجا یک سؤال برای ما مطرح میشود: آن اینکه چرا این توده های پست، انقلابی و فدا میربا لیبستی ارتش در جنگ کوردستان، فرماندهان خود را به زور وادار نکردند، بدفاع از خلق کوردستان؟ اگر پرسش انقلابی ارتش میتواند خود سیاست طبقه های را به این چماق سرکوب دیکته کند، چرا کوردستان این کار را نکردند؟ نگند حزب توده و فدائیان اکثریت، راست میگویند و این "ارتش ضد امپریالیست" در کوردستان هم بر علیه امپریالیسم می جنگد؟

راه کارگر نیز که برای تحریف مارکسیسم با رزمندگان کورس گذاشته است میگوید: "اینگونه اقدامات (منظور کار شکنی های فرماندهان پیکار)، فدا کارها و از خود گذشتگی سربازان و درجه داران میهن پرست را که با تمام وجود از سرزمین خویش دفاع مینمایند، با شکست روبرو

پاسخ به رفتار، فن، ف

رفتار، فن، ف، تا مه شما از میان دو آب رسید، ما از اینک شما رفتار به همراه سرفیق دیگر که هوادار سازمان چریکهای فدائی بودید، هم - زمان با انشعاب در این سازمان، با رویزیو - نیم و سوسال امپریالیسم مرزبندی نموده و به صفوف هواداران سازمان ما پیوستید خوشحالیم. شما با این مرزبندی انقلابی خود نشان دادید که خواهان ادامه انقلاب و پیروزی طبقه کارگر هستید، چرا که راستی عدم مرزبندی قاطع با رویزیو نیم و سوسال امپریالیسم سر - انجایی جز در غلطیدن به آشوب بورژوازی نتیجه دیگری ندارد. انحطاط کامل سازمان چریکهای (اکثریت) و تبدیل آن به یک نیروی ضد انقلابی و خائن به طبقه کارگر نتیجه جبری عدم مرزبندی آن با رویزیو نیم و سوسال امپریالیسم است. این مسئله تجربه درس آموزی میباشد، هرچنان که با رویزیو - نیم با معنای دیگر ایدئولوژی بورژوازی در لباس مارکسیسم، مرزبندی نداشته و با در قبال آن دارای تزلزل باشد، چنانچه به تصحیح خود نپردازد، جز سقوط به دام بورژوازی و امپریالیسم راه دیگری ندارد. و پرواضح است که رفتار شما نتواند که به مرزبندی و مبارزه علیه رویزیو - نیم برخاسته اند، خود را در برابر بورژوازی و نوکران آن مسلح نموده اند.

رفتار، شما مطرح کرده اید که در رابطه با وحدت، چرا ما شعار "افشای، مقامت، سازمان - دهی" را نمی دهیم. آنچه در اینجا با یک گفت - ایست که این شعار در رابطه با وحدت جنبش کمونیستی، بلکه در رابطه با جنبش توده ای مطرح است. کمونیستها در رابطه با ارتقا و هدف است جنبش توده ها با پدیدبر حمانه ارتقا و افشا کنند، مقامت و مبارزه توده ها را گسترش دهند و مبارزات آن را در راه پیروزی برداشتن سازماندهی نموده و هدایت کنند. حال آنکه در رابطه با از وحدت جنبش کمونیستی میباشد بطور همه جانبه علیه انحرافات غیر پرولتری بویژه علیه رویزیو نیم مبارزه کرده و با پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک در متن مبارزه طبقه - وسی وحدت راستین جنبش کمونیستی را تأمین کرد. رفتار در مورد اعتلای انقلابی، ما در آینده نزدیکی نظرات خود را توضیح خواهیم داد. در مورد اعتلا شما می توانید نوشته های لنین مانند "اعتلای انقلابی" و "موقعیت انقلابی" رجوع کنید. پرواضح است که اگر به سوالات دیگر شما جواب نداد، به بخاطر آنست که در شما ره های قبلی پیکار و جواب آنها آمده است.

موفق باشید!

رفیق الف - سارا

رفیق نامه ای برایمان نوشته و تا کیست کرده است که با پدیدبرالها را بیش از پیش افشا



نمود و بیجور یکجانبه تنها به افشای حزب بسنده نکرد، ما ضمن تأکید مسئله مورد نظر رفیق با پدیدگوشیم که افشای لیبرالها از جهت آنکه نظرات ضد انقلابی ایشان در نزد توده ها، "منطقی - تر" اندیشمندانه تر و "آزادخواهانه" بنظر میرسد، بسیار ضروری است. چه - حزب جمهوری تنها به انگای سیاست سرکوب، حتی دوستان نزدیک خویش را از خود می راند چه برسد به خلق ستم دیده ما! اما لیبرالها به انگای سیاست فریب و نا شیرینی (و جدی گری سیاست سرکوب) بسیار سریع می توانند بیا بیا توده ای کسب کنند، کما این که در این چند ماه اخیر بیا - ایشان گسترده شده است. از اینرو افشای منظم سیستماتیک و کوبنده لیبرالها و تبلیغ برنامه کمونیستها از اهمیت بسیار برخوردار است. توده ها می گویند که از حزب جمهوری اسلامی بریده اند به سوی لیبرالها روان شوند. ما خود کوشیده ایم در مقالاتی چون "لیبرالیسم ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار"، "و... به افشای لیبرالها بپردازیم. در این راه نشریه تنها کافی نیست کلیه رفتار در هر کوی و برزن، صف نفت و بنزین و صف نان و خاوبار، در مسافرت، در نا کسبی و اتوبوس، در خانه و محل کار و بطور مداوم ضمن افشای حزب جمهوری اسلامی به افشای عوامفریبی لیبرالها دست یزید و برنا می کمونیستها را تبلیغ نمایند. کلیه نشریات محلی و سازمان نیز در همان محدوده نیز بایده افشای لیبرالها (در کنار افشای حزب) بپردازند. رفتار، اگر در انجام این وظیفه تعلل ورزیم در سپردن توده ها به مسلخ گاه بورژوازی، عملاً همدستی کرده ایم

خ - ق کارگر از ماهشهر

نامه ای را که در زیر می خوانید یکی از رفقای کارگر هم از رفقای شهید منوچهر نیک - اندام و محمد شرفی است که بمناسبت اعدام و شهادت آنها برایمان فرستاده است. ما قسمت - هائی از این نامه را (با کمی اصلاح انشائی) در زیر می آوریم:

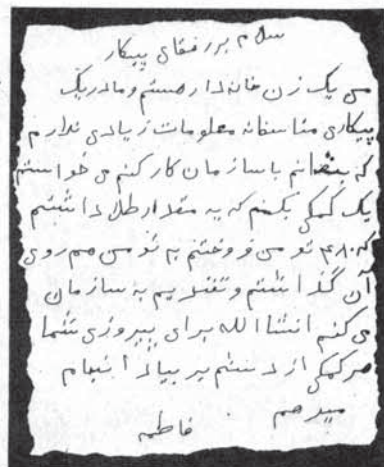
با درود فراوان به سازمان پیکار و توده ای پیکارگران شهید خلق قهرمان ایران! درود به رفقای شهیدی که برای آزادی طبقه کارگر خون ریختند. بیاد شهیدانی باشیم که تنها هدف آنها آزادی زحمتکشان بود. یاد آن شهیدان آعاجازی که برای سبیل زدگان، برای آوارگان جانشان را

فدا کردند و در داکا بهی عدالتی خلغالی جلا د اعدام شدند. یکی از سبیل زدگان کوره ها (م) بودم و محمد و منوچهر را دیدم که در حال کمک کردن به مردم بودند. من در سبیل از رفقای دیگر فتم که کمونیستها چه کسانی هستند. به ما یاد دادند که کمونیستها تنها هدفشان آزادی زحمتکشان است. رفیق منوچهر مسافت دوری از امید به کوره ها و مناطق دیگر را با موتور طی میکرد که با کمک کند. به ما زحمتکشان، به ما سبیل زدگان. هدف رفیق منوچهر این بود. هدف هم رفقای ما این است. هدف هم رفقای ما که در داکا بهی عدالتی جمهوری اسلامی اعدام شدند.

من زمانیکه میشنوم که یکی از رفقای ما را اعدام کرده اند بیشتر مبارزه را دوست دارم. به هشتاد که از رجا می بگوئید که رفقای ما از مرگ نمی ترسند. ما با اعدام رفقا از راهمان دست نمی کشیم بلکه بیشتر مبارزه را دوست میداریم. یعنی اگر با یک قدم پیش میرویم با اعدام رفقا بیشتر از یک قدم جلو میرویم. خلغالی خیال نکنید اعدام رفقای ما نیروی ما را کم میکند، بلکه برعکس نیروی ما بیشتر میشود و رفقا بیشتر آگاه میشوند. به سرمایه داران بگوئید ما مثل ستاره ها می در آسمان هستیم یعنی یک شب می بینی خیلی کم ستاره در آسمان پیدا میشود و فردای آن شب ستاره ها آسمان را پر میکنند. ما هم مثل ستاره ها هستیم با اعدام کردن، بیشتر می شویم و مبارزه ما هم محکمتر میشود.

مرگ برای امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران گرامی باد! شهیدانی که برای آزادی طبقه کارگر خون دادند

نامه ای از یک مادر مبارز



این نامه را از زمین نامه های متعهد

(م) - کوره ها جایی است که رفقای شهید در موقع سبیل در آنجا فعالیت میکردند و در پیکار ۸۰ به اسم "سرکوره ها" نوشته شده است.

مشابه، بدون شرح چاپ میکنیم، مسلما بهترین پاسخ ما به این همه محبت و فداکاری ادا می مبارزه بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر است.

نامه‌ای از یک کارگر مبارز

یکی از رفقای کارگر نامه‌ای همراه با یک طرح برای ما فرستاده است که در قسمتی از نامه چنین آورده است:

"... من این طرح را به نشریه پیکار که حقیقتا در باره کارگران و دهقانان کامپیاری برداشته و در جنوب شهر در منطقه‌هایی که ظلم و ستم بیشتر بوده فعالیت بسزائی دارد تقدیم میکنم. در حالیکه ۲ سال را انقلاب میگذرد تمام زحمتکشان میدانند که کاخ نشینان در کاخانشان وحشی نشینان در آلونکشان، پس آن انقلابی که ما کارگران میخواستیم، نیست. و به امید روزی که رهبریت کارگری و انقلاب کارگری این سرمایه‌داران را از کاخشان بیزرگشیده و ارتجاعی که سرافرازین سرمایه‌داران احسان خوردند و شعار حمایت از مستضعفین دادند زیر کشیده شوند.

به امید پیروزی استثمارشدگان و مظلومان و تحریر پیوستن کارگران و نوابی این ارتجاع و سرمایه‌داری، که در آن زمان است که کارگران پیروز خواهند شد.

پیروز با دیکار در راه آزادی طبقه کارگر! رفیق کارگر! طرحی را که فرستاده بودی مناسبانه، بعلت اشکالات فنی نتوانستیم آنرا چاپ کنیم، اما می‌دانیم با هم طرح‌های جدیدی و با نوشته‌های دیگری برایمان بفرست و ارتباط خود را با نشریه همچنان حفظ کنیم.

رفیق کارگر صفحه‌بند

این رفیق کارگر قطعی نامه‌ای که برایمان نوشته است، بصورت مشروح و دقیق ایستاد است. صفحه‌بندی‌های پیکار را مورد بررسی قرار داده است و بطور مشخص در پی بررسی هر صفحه، پیشنهاداتی خویش را در رابطه با صفحه‌بندی ارائه داده است. ما ضمن تشکر فراوان از این سرخورد دقیق و فعال رفیق، پیشنهادش را مورد توجه قرار میدهم.

نامه‌های سایر رفقا

رفضا از جوادیه - اکبر، با زیمان شهری - ف از زاهدان - بابک، از انزلی - مریم، الف از انزلی - ی، ی، از زشت - غ، - ا، - توک از مسجد سلیمان - ش، ق از مسجد سلیمان - د، گ از بوشهر - اراک -

۳ - عده‌ای از رفقا سوال کرده اند که درک ما از اعتدالی انقلابی چیست و آیا بردرگ لنینی از اعتدالی منطبق است یا خیر؟

ما در جواب به این دست از رفقا باید بگوئیم ما هم اکنون سرگرم تدقیق درکمان از اعتدالی انقلابی و توضیح آن هستیم. بدین ترتیب در اولین فرصت پس از تدقیق و تشریح آن، مقاله - ای در این باره منتشر خواهیم نمود.

۴ - رفیقی سوال کرده است که آیا با محکوم نمودن نجات و زوینتا به کار مباح، در حقیقت از رژیم پول بوت حمایت میکنیم و آنرا سوسیالیستی می دانیم؟

در پاسخ به این سوال باید بگوئیم اولاً محکوم کردن عمل شخصی یک رژیم به معنی حمایت از رژیم مقابل نیست فی المثال ما حمله چپین به وینتا را نیز محکوم میکنیم، بی آنکه از رژیم وینتا حمایت کنیم. بنا بر این محکوم کردن نجات و زوینتا به کار مباح، در چهار چوب بررسی عملکردها و سیاست‌های وینتا مورد ارزیابی قرار گرفته است و ربط مستقیمی به حمایت و یا عدم حمایت از رژیم مباح ندارد. در نانی در مورد اینکه آیا ما رژیم سابق کا مپوچ را سوسیالیستی و یا قابل دفاع می دانیم اکنون در برابر آن موضعی نداریم و در حال بررسی می-باشیم.

طرح‌های رسیده

طرح‌ها و کارها تورها طی توسط رفقا و هواداران بدست ما رسیده که بعضی از آنها قابل استفاده است چه بصورت چاپ در نشریه و چه جهت ایده گرفتن از آنها. ما ضمن تشکر از این رفقا، انتظار داریم طرح‌ها و پیشنهادهای بیشتری برای نشریه بفرستند، از این رفقا طرح‌هایی بدست ما رسیده است:

رفیق ملیحه - رفیق حمید از افغان - م - خرم آباد - هسته تلاش افغان - غ - م - طرح پیشنهادی نالاش د. د. غ - رفیق "ح" طرح‌های پیشنهادی کمپنه شمال، قروین و...



بقیه از صفحه ۱۱ روزندگان...

جذب نموده‌ها بسوی جنگ باشد:

"سج سیاسی یعنی مبارزه بیگربایی - تفاوتی بختی از مردم که به دلیل سرخوردگی از سیاستهای ضد مردمی حکومت جمهوری اسلامی بایی میلی، بی تفاوتی و حتی در مواردی انقلابی با جنگ عا دلانه نموده‌ها برخورد میکنند با یسند نموده‌ها را نسبت به منافع حیاتی شان آگاه کنیم." (راه کارگر ۴۵، ضرورت سبج سیاسی نموده‌ها) پس راه کارگر آزادی را در جهت سبج نموده‌ها، حول دفاع از جنگ غیر عا دلانه کنونی میخواند، ترا لازم دارد، تا نموده‌هایی که بایی میلی از این جنگ استقبال میکنند، میل و

علاقه به خرد و طبیعی است که چنین آزادی که جز در خدمت جمهوری اسلامی نیست را نیز با سستی با ذکر ترمات آن برای رژیم، از رژیم گداشی کرد و بدین ترتیب تا سر حد یک اپوزیسیون ناصح و غمخوار بورژوازی سقوط کرد. راه کارگر به "آزادی" از آزادی انقلاب نمی نگرد، بلکه با صحنه‌ها را برای نصیحت بورژوازی سود مجبور را کارگر به سبج سیاسی نموده‌ها از راه به پیش بردن انقلاب نمی نگرد، بلکه قول می - دهد که از آن در جهت مبارزه با تنفر نموده‌ها از جنگ (چیزی که راه کارگر بی میلی اش میخواند) یعنی در جهت خاک پا شدن به چشم نموده‌ها بسود بورژوازی استفاده میکند.

آری، راه کارگر به رژیم جمهوری اسلامی از دید - گاه یک اپوزیسیون میگردد، اما آیا راه کارگر میدانند که اپوزیسیون کراشی، طبقه و شرعیت رژیونیست است؟ آیا برخورد لنین به سه کاوشکی مترددا در مورد اپوزیسیون کراشی در مقابل رژیمهای ارتجاعی بخاطر دارد که چگونه قاطعانه میگفت:

"ای مورخ و سیاستمدار دانشمند! چه خوب بود، اگر شما میدانستید که "اپوزیسیون" مفهوم مبارزه صلح آمیز و فقط پارلمانی یعنی مفهوم نیست مربوط به وضع غیر انقلابی مربوط به دورانیکه انقلاب وجود ندارد (تا کید از لنین است.) در انقلاب سرکار ما با دشمن بیرحم در جنگ داخلی است و هیچگونه فحشه و زاری مرتجعانه خورده - بورژواشی که همانند کاوشکی از چنین جنگی هراس دارد، این واقعیت را تعبیر نخواهد داد. به مسائل جنگ داخلی بی - آمانی که در آن بورژوازی به هر گونه جنایتی دست میزند ۱۰۰۰ نظر گرگاه - "اپوزیسیون" نگریستن، مضحک است." (انقلاب پرولتری و کاوشکی مرتعد، منتخب آثار ریگلدی، صفحه ۶۴۵)

آیا رفقای راه کارگر نمی دانند که "اپوزیسیون" از راه‌های انقلابی دست میبندد و به نصیحت و پند و اندرز به بورژوازی میگرداند. چگونه است که از یک سو به تخفیف مبارزه طبقاتی پرولتاریا می پردازند، با افکاری مستقیم راه حداقل رساننده، تلویحا خلق کرد را به تسلیم و روی گرداندن از مبارزه مسلحانه فرا میخوانند و از طرف دیگر از رژیم میخوانند، که آزادی بدهد که اخبار را درست بخشد، که شورا‌های کارگری و نموده‌ای در ارتش ترتیب دهد، چرا که به نفع اوست، آیا این همه روی آوردن به رفرمیسم بورژواشی و چشم بستن بر ماهیت رژیم ارتجاعی نیست، باید گفت که انحرافات راه کارگر بسیار تعمیق یافته است و از اینرو ما به همه هواداران و اعضا، مایه‌ای راه کارگر را علامت میکنیم، این راه کارگر را که رگرمیرو به منجلاپ اکثریت فدائیان خواهد رسید. هندا رگرمیرو به سبجش دیگری برپا ندارد!

پایان

۲۲ میلیون تومان هم برای روحانیون سنی!

نامه آیت الله العظمی منتظری به سرپرست اوقاف در مورد رسیدگی به امور مادی روحانیت اهل سنت

از سوی جناب آیت الله العظمی منتظری نامه‌ای خطاب به سرپرست سازمان اوقاف در رابطه با امور روحانیت اهل سنت صادر شده که متن آن را اینطور است:

بسمه تعالی. سرپرست محترم سازمان اوقاف، جناب آقای سکرالادی دانیوویه. پس از سلام، همانگونه که اطلاع دارید موضوع توجه به امور روحانیت برادران اهل سنت ایران رسیدگی بوسیله‌ی ما، از جهت روزهایی که از سوی انقلاب مورد توجه خاص رهبر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی قرار گرفت و دستوراتی بوسیله‌ی اینجانب و دیگران به مسئولین و متداندان و اولی ساند به جهت گسترش و زیاده خود است مظهر نورانی علی‌شده، تا با بهره‌اش از این مسئولین مستقیم به اینجانب گذاشتند و نقاد خود ایشان مبلغ ۸ میلیون تومان جهت فرموده‌ی پس از مذاکره با اوقاف و دولت بنیاد هزینه آن از ناحیه آنها تعیین کرده و شنیده شد در این رابطه مبلغی از طرف هیأت دولت تصویب شده که در اینجانب از معارفان بی‌اطلاع فقط تا این مبلغ ۱۰ میلیون تومان از آن ناحیه اوقاف به اینجانب تحویل شده که با تلاش و همکاری افراد متعهد و متداندان در منطقه‌ای مختلف کشور بین وضع رسیدگی و ترتیب تقسیم شهریاری بارعامت ضوابط دینی و علمی برادران روحانی اهل سنت داده شد. اینک ضمن تاکید بر لزوم ادامه کار یادآور بشود که مسئولیت اینجانب تمام شده و با موافقت رهبر انقلاب مقرر گردید سازمان اوقاف مستقیماً با کمک افرادی که در طول این چند ماه دارای تجربه و تخصصی شده‌اند ادامه کار را بر عهده گیرد.



برای روحانیت شیعه یک قلم

برای روحانیت سنی تاکنون ۲۲ میلیون تومان اطلاعات ۱۷ آذر ۱۳۵۹

زیرا دستگاه روحانیت هم برای مشروع و قانونی جلوه دادن استثمای روحانیت در شاپوروز در حال تلاش است، آیا روحانیت نباید بطور این خدمتی که به سرمایه‌داران می‌کند و توده‌های ناآگاه را همچنان در جهل بی حساب نگه می‌دارد "حقاقل" دستمزدی دریافت دارد؟ آنچه در زیر می‌خوانید جز، کوچکی از این دستمزد "ناچیز" است!

آری، آیت الله خمینی بعنوان ولایت فقیه مبلغ ۸ میلیون تومان "مرحمت فرموده‌اند" که همان حاکم بخشی‌های خلفا را بیا می‌آورد و آیت الله منتظری هم معترف است که "تا این ساعت ۱۴ میلیون تومان" به روحانیون سنی یعنی کسانی که امانتال مردوخ، مفتی زاده، نقشبندی و مولوی عبدالعزیز... داده شده است. این مبلغ جز، کوچکی است از آنچه جیب‌گشاد سرمایه‌داران و حاکمان آنها می‌برود.

دشمنان کا رگران و زحمتکشان را افشا کنیم آگاهی را هر چه وسیع‌تر بین توده‌ها ببریم! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۹/۱۷
سری ب - ت. ش. ۱۰۰

خبر را مورد تأکید قرار می‌دهیم و در افشای آنها که از پشت به جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی دمکراتیک خلقهای ما خنجر زده اند لحظه‌ای تردید روا نخواهیم داشت.

اگر کارگران و زحمتکشان کا رپیدا نمی‌کنند، اگر گران و کمبانی ما به نیاز اولیه زندگی در همه جا پیدا می‌کنند، اگر شکم‌بچه‌های کارگران و زحمتکشان با نان خالی هم سیر نمی‌شود، اگر در این زمستان نفت و زغال در خانه‌های زحمتکشان نیست، اگر کودکان مردم زحمتکش از شب تا صبح از سرما بخود می‌لرزند، اگر بیش از یک میلیون نفر در نتیجه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و آواره شهرها و بیابان‌ها شده‌اند، اگر کردستان شاهد قتل عام روستاهایی پس از دیگری بدست نیروهای جمهوری اسلامی است، و اگر مدها ساله در دناک دیگر مردم ما را احاطه کرده است.....

چه بک؟!

زیرا سرمایه‌داران به جای پیدن ته‌مانده بساط زحمتکشان مشغول اند، و یک نمونه آن بازاریان محتکری هستند که در همین یکی دو سال گذشته به آلاش و الواف رسیده‌اند، زیرا رژیم‌نما بنده منافع سرمایه‌داران به "حل و فصل" امور علیه کارگران و زحمتکشان مشغول است،

را نیز "امری بدی" و در جهت استقلال و آزادی میهن "شان" توجیه می‌کنند و انتظاری جز تکیه بر خبرت‌نمایان و پند و نود و نود را در اینجا ما یکبار دیگر مطالب مندرج در آن

نمونه‌ای دیگر از مبارزات طلاب آگاه در قم

رفیقانی از تجمک‌گزارش داده‌اند که تظاهرات ده هفته پیش در آن شهر که تا راحتی شدید طرف داران آیت الله خمینی و عکس العمل خود آیت الله را بدینال داشت (نگاه کنید به سخن - رانی مندرج در روزنامه‌های اول آذرماه) و منجر به تظاهراتی با مصالح در حمایت از روحانیت گردید اما با جنبه‌ای توده‌ای داشته است و هیچ وجه آنطور که روزنامه‌ها و نمودگرند - سدر حمایت از لیبرال‌ها نبوده است.

درواقع فشار روی طلاب مبارز و تجمک‌گزارش شهریه طلاب جهت بررسی و تفتیش عقاید و با مصالح با کسای "حوزه علمیه" از طلب طرفدار نیروهای انقلابی (پیکار ۸۲) عامل اصلی آن راهیما می‌اعتراضی بوده است و به همین دلیل بسیاری از مردم تم از این حرکت اعتراضی حمایت می‌کنند. فعلاً لیست دانش آموزان هوادار پیکار در مدارس تبریه و جوانان انقلابی موجود است.

وجود جنبش اعتراضی در شهر قم نشانگر ریزش هر چه بیشتر توهمات توده‌هاست و نشان پشتیبانی هر چه بیشتر از طرف نیروهای کمونیستی و انقلابی. بر اساس گزارش واصله نشریات انقلابی و جنبش‌های نیروهای آگاه هم و مخصوصاً طلبات مبارز و جوانان بطور نسبتاً گسترده‌ای بخش می‌شود و یک نمونه آن انتشار مجله "پیکار" و رفیق - شراب حق شناس پیرامون با و ه‌های شیخ - محمد منتظری است که بقول روزنامه "آزادگان" بصورت پلی کیبی بین طلاب دست بدست می‌گردد.

تکذیبی بر توضیح "کار" روزیونیستی

بدینال خبر افشاگرانه‌ای که در پیکار ۸۲ نسبت به تماس نماینده سازمان فدائیان (اکثریت) با یونان ماریوف در بیروت داشتیم، نشریه "کار" روزیونیستی شماره ۸۷ بیان کننده‌ای که مجتبی پیش خلائق با زشود، راه‌ها را بهیشت کرده، به ما فحاشی نموده و با مصالح "خبر را کذب محض" اعلام کرده است!

ما از کسانی که با سقوط خویش بدامان روزیونیست‌ها چشم‌اندازی را پیش روی ما می‌گذارند و ما را بهیشت کرده‌اند که در فکر استفاده از آنها بعنوان "اسب نروا" علیه جنبش کمونیستی ایران باشد، از کسانی که از گفتن حقایق به توده‌ها - که هیچ - حتی به افکار و یاران خویش بیم دارند، از کسانی که ساخت و پخت با بهیشتی

تظاهرات آوارگان در بروجرد

کراسی و فلاکت ناشی از جنگ ارتجاعی فعلی، توده‌های زحمتکشان و بیوزنه آوارگان جنگ - زده را، بطرف مبارزات خودبخودی سوق داده و جنبش اعتراضی توده‌ها هر روز اوج تازه‌تری بخود میگیرد. برای نمونه در تاریخ ۹/۹/۵۹ عده‌ای از آوارگان که در مدرسه ما بنا سکونت دارند، بطور خودبخودی گردآمده و یکی از مردان زحمتکش آواره شروع به دادن شعار میکند و بقیه نیز با دادن شعارهایی چون: "نوطه حکومت افشا باید گردد - رفسنجانی نامرد اعدام باید گردد" و... وی را همراهی میکنند. در همین حین یک نفر با حالت تمسخر رویه مرد زحمتکش کرده و میگوید: "شعار نشده میگیرنت!" که وی از شنیدن این حرف خشمگین شده و میگوید: "هری پدر ما دری میخواد همرا بگیرد، بیا بدبگیرد، خانه ما رفت، زندگیم رفت مرا بگیرند و مثل بقیه اعدام کنند، آره آنها مگر چه میگفتند، آنها هم حرف مرا میزدند، آنها هم درددل من را داشتند اما مثل ما زیر بار زور نمیرفتند."

آری که صبر توده‌ها لبریز شده منتها با یستی حرکتی از خود بخودی توده‌ها با سازمان - دهی آگاهانه کمونیستها درهم آمیزد.

فلاکت و سرکوب
آوارگان در کرمانشاه

در حدود ۵ هزار نفر از آوارگان جنگ در سراب نیلوفر ۵۵ کیلومتری کرمانشاه بکنی گزیده اند. تعداد محدودی از آنان در خانه‌های پیش ساخته (ب) و بقیه در خانه‌های اسکان داده شده اند. سرمایه‌های انسانی و زمستان و نیم و رطوبت ناشی از آن آوارگانی را که در خانه‌ها زندگی میکنند بدت عذاب میدهد. به هر نفر دو پتو میدهد که گاهی اوقات تمام پتوها برای گرفتن کناره‌های چادر و جلوگیری از نفوذ سرما بکار گرفته میشود. چراغ آوارگان هر دو روز یکبار نفت میشود و از مدرسه و حمام خبری نیست. گاهی اوقات حتی فقط یک دکتر به بهداشتی اردوگاه سرکشی میکند. که به علت زیاد بودن مریضی به خیلی از آنها نمی‌رسد و دواها را معمولاً همان قرصهای "گچی" تشکیل میدهد.

تلنبار شدن زباله در اطراف اردوگاه و نبودن آنها، احتمال شیوع و بروز انواع بیماریها را هر روز بیشتر میکند. اردوگاه را با ساران سرما به بدت تحت کنترل دارند و بقیه در صفحه ۱۷

اخبار جنگ

تشدید نارضایتی در ارتش

بوشهر: با ادا محکم دادمند در کمرهای درونی ارتش کمترین ممانعت و ناکاروان درباری بایکاه بوشهر به نارضایتی‌های مختلف ارتش در جنگ سر باز میزند. علاوه بر آن ناکاروان انقلابی خواستار افسان و محاکمه فوری فرماندهان مزدور تشکیل شوراها و نظامی پرستل جز، دخالت مستقیم در تصمیم‌گیریها، رسیدگی به وضع تمغیه - شدگان و بازگشتی‌ها و... میباشد.

در ادا مدایس موج اعتراضی ناکاروان اخیرا عوامل رژیم بدبجانه کوشش می نمایند تا با گرفتن تعهدنامه ای از ناکاروان (سندزیر) هرگونه راه فرار از جنگ را برای آنان ببندد. اما ارتشیان آگاه و متعهد دریا فتاه اندکاه این جنگ بر علیه خلقهای دو کشور ایران و عراق است و از شرکت در آن خودداری میکنند. آنها به ماهیت فرماندهان مرتجع و مزدوری برده و خواستار محاکمه آنانند و رژیم پاشخ آنان را با چماق سرکوب میدهد و آنها را از "خارج" و "بیکرد قانونی" می ترساند.

تعهد کتبی

من ناکاروان با آگاهی به شرایط سخت خدمتی ناکاروان و اینکه با یستی پرستل ناکاروان در هنگام مرز در خط مقدم جبهه حاضر باشند بدون هیچگونه قید و شرطی مقررات جاری ارتش را بپذیرفته و متعهد میگردم ضمن اینکه مسئول اجرای وظایف فردی خود باشم، بعنا وین مختلف از قبیل (بیماری، گرفتاری خانوادگی، بیماری کسان و غیره...) تا نه از سر باز مسئولیت محوله خالی ننموده و در هنگام مرز و در زمان عادی مطیع دستورات مادره بر محور اصول و امور نظامی باشم.

چنانچه برخلاف تعهدی که میدهم عمل نمائیم، ضمن اخراج از ارتش در دادگاه نظامی تحت بیکرد قانونی قرار گیریم.

امضا:



توضیح

با شروع جنگ ایران و عراق، برای مطلع ساختن توده‌ها نسبت به مسائل و اخبار جنگ و برای خنثی نمودن سازش ارتجاعی مبارزات به انتشار خبرنامه جنگ نمودیم. در شرایط حاضر با توجه به مسائل جدید جنبش و ضرورت انعکاس آنها در نشریه مرکزی سازمان و با توجه به این امر که در باره مسائل جنگ "خبرنامه جنگ" و "فرا آوارگان" از سوی کمیته خوزستان و "ندای آواره" از سوی کمیته اصفهان چاپ و پخش میگردید پس از انتشار ۱۱ شماره "خبرنامه جنگ" دیگر این خبرنامه به طور مستقل چاپ نخواهد شد. بدین ترتیب ما با توجه به نیاز توده‌ها، به تنهایی - تکثیر و پخش ۳ نشریه فوق در برابر ایران اقدام می‌نمائیم، بلکه همچنین دو صفحه از پیکار را به اخبار جنگ و مبارزات آوارگان اختتامی می‌دهیم:

امپریالیسم امریکابه
رژیم جمهوری اسلامی
اسلحه میدهد

هواپیماهای ۷۰۷ به شماره پرواز ۱۷۱۴ که در تاریخ ۵۹/۹/۹ به مقصد ما درید (با بخت اسبانا) پرواز نموده بود در تاریخ ۵۹/۹/۱۰ ساعت چهار - وسی و پنج دقیقه به تهران مراجعت می‌نماید. این هواپیما، جعبه‌های راکه‌ها مل موتور - جت‌های جنگنده فانتوم و لوازم دیگری هواپیما - های آمریکا ۴۵ و ۴۴ بودند به تهرانیان آورده بود. روی جعبه‌ها فقط کلمات "مقداد ایران" به چشم میخورد. خریدگر کاکی است که اوایل آذرماه یک هواپیما ۷۰۷ هما از فرانکفورت مقداری برای لوازم دیگری برای هواپیماهای فانتوم، و مهمات از قبیل توپ و خرج آن، به ایران آورده است.

این مهمات بدینال توافقیهای اخیر رژیم ایران و آمریکا از طریق بایکاهای امپریا - لیسم تیهکار آمریکا به ایران ارسال میگردد. رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه میلیونها تومان از غارت و استثمار زحمتکشان را صرف خرید اسلحه از امپریا لیستها میکند در تبلیغات کرکننده اش ادعا میکند که نه از امپریا لیستهای آمریکا و نه روس و یا اروپائی اسلحه نمیخرد، در حالیکه اخبار فوق نه تنها بیا نگرینشی کوچک از خرید سلاح از امپریا لیستهاست بلکه همچنین روشنگر ماهیت فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی نیز میباشد. آیا هنوز بیاورندارید که رژیم ایران "ندا امپریا لیست" است؟! *

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

خشم‌توده‌های آواره شیراز اوج میگیرد

نیست که عزیزان ما جان خودشان را برای این جنگی که شما برای انداختن اید از دست بدهند و شما اینجا در پشت میزها سکمتان را روز بروز بزرگ کنید. اصلا به ما چه ربطی دارد که جنگیم خودتان این آتش را بیا کرده اید و خودتان هم‌ها موش کنید. زبان دیگر با سداران رافحش داده و میگفتند: "خدا کند که این رژیم سرنگون شود، جریبختی هیچ چیز برای ما نیاورده‌اید زن زحمتکش دیگری که خوش به جوش آمده بود میگفت: "هرکس که کوچکترین اعتراضی میکند به او ستون پنجم میگویند. حالا ببینید اگر ما نظراتی را نه‌با ندا ختم، حالا که شما هـ گفته اید همه با دانینها و خوزستانینها کمونیست هستند، اگر روزی به شهرهایمان بازگشتیم همه ما در نظرات کمونیست‌ها شرکت خواهیم کرد نه در راهپیمایی‌های شما"

توده‌های زحمتکش بندرخ درمی یابند که تنها کمونیست‌های انقلابی هستند که با بی‌گیری و دفاع از منافع آنان قابل اعتماد میباشند.

۵۹/۹/۴: در خوابگاه ۲۱ شیراز پیش از ۳۰ خانوار ساکن داده شده‌اند. وضع بهداشت و غذا مانند سایر مناطق می‌کونی آوارگان بسیار بدو پاشین است. دستشویی و توالت‌ها ناکافی بوده و آوارگان از این نظرسبب ردمضیق‌ه هستند. پتوهای کهنه آنها داده میشود و پراخاک و شیش است. آوارگانی که برای سکونت به خوابگاه مراجعه میکنند توسط پاسداران به باشگاه شرکت نفت فرستاده میشوند. تا بعد از شناسایی کامل اگر جاشی بوده به آنها واگذار کنند. هر روز تعداد زیادی از زحمتکش‌ان آواره برای گرفتن سرپناهی پشت درهای بسته باشگاه اجتماع کرده و دست به افشاکری رژیم و مسئولین آن میزنند. از طرف دیگر پاسداران مستقر در خوابگاه هم همراه با دیگر ارگانهای رژیم از آزار و اذیت و فحاشی نسبت به زنان زحمتکش دست برنداشته و با بی‌اعتنائی خود نسبت به خواستهای زحمتکش خشم‌شان را چند برابر میکنند. زن زحمتکشی در اتاق پاسداران با اشاره به وضعیت آنان میگفت: "آخرفیف

بقیه در صفحه ۱۶ فلاکت...

همین چندی پیش بود که پاسداران زیر پوشش "جمع آوری اسلحه" تنگ‌خانه‌ها و جاده‌های آوارگان را با زوری کرده که در بسیاری موارد این با زوری‌ها با ضرب و شتم و توهین به آوارگان همراه بوده است.

توده‌های زحمتکش آواره در رویا روئی با ارگانهای سرکوب رژیم، هر روز و هر لحظه بیشتر پی به ماهیت ضد خلقی رژیم‌ها کم می‌برند! آنها بیش از پیش در میابند رژیم‌های که فلاکت را به آنها داده تا چاراست سرکوب را هم در قبال آنها بکار گیرند. فلاکت و سرکوب توده‌ها نتیجه مستقیم سیاست رژیم ارتجاعی حاکم است.

(۲) - منظور از خانه‌های پیش ساخته، خانه‌هایی است که رژیم مزدور شاه‌ها، برای به انحراف کشاندن مبارزات توده‌های کرد عراق و بعد از سازش با رهبران حزب دمکرات کردستان (بارزانی و...) برای اقامت هواداران بارزانی ساخته بود.

وضعیت آوارگان در اصفهان

۱- آوارگان در خوابگاه دانشگاه صنعتی را در دوسا ختمان جداگانه (بلوکهای ۴ و ۵) اسکان داده‌اند و افراد و بلوک به هیچ وجه حق وارد شدن به بلوک دیگر ندارند. ارتجاع با اینکار میخواهد از اتحاد و همبستگی آوارگان جلوگیری کند چون از اتحاد آنان وحشت دارد.

۲ - روز ۵۹/۹/۱۷ از طرف مداخله و سی‌ای ارتجاعی جمهوری اسلامی برای مصالحه با آوارگان، چند خبرنگار و یک فیلمبردار به دانشگاه آمده و آوارگان میخواهند تا چگونه وضع خود را بازگو نمایند. زحمتکش آواره هم در مقابل خبرنگاران دست به افشاکری میزنند یکی از این زحمتکش‌ان میگفت: "چند روز پیش در آشی که به ما داده بودند گرم پیدا شد و وقتی ما به ما مورب داشت نشان دادیم بی‌تفاوت از کنار آن رد شد." دیگری میگفت: "خرمائی که به بریش به ما دادند کرم زده بود و وقتی به آقایی نیا بی (عامل و مزدور رژیم در دانشگاه) گفتیم که این چه وضعی است جواب داد که: "خرما نرزی - را است! "فقوی است! "و املا برایش نیاورد که کرم زده است." زحمتکش آواره از اینک که غذایشان نان و پنیر شده، از مریضی و بی‌دکتری از شیرندان به چه‌ها، از اینکه سرویس مجانی رفت و آمد به شهر نیست و مجبورند که به بدهند از اینکه در دانشگاه تفتیش عقاید و اختناق حاکم است و پاسداران نقش ساواک را بازی میکنند و... سخن گفته و کینه‌های با این طبقاتی خود را نسبت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشان میدادند. اما رژیم نه تنها فیرادهای اعتراضی زحمتکش را پخش نکرد، بلکه همانطور که شاهد

آوارگان کرمانشاه: مصادره انقلابی - جمهوری اسلامی: بازهم سرکوب

آنها هتا را در نزدیکی کرمانشاه مصادره کردند. اما چون شهرک فاقد دروینچه و وسایل رفاهی بود، "هتل شروش" را در خود شهر به تصرف درآورده و در آن مستقر شدند. عصرها تروزر و کله سرکوبگران رژیم پیدا شد. سرهنگ "سمعی" رئیس شهرانی چندین بار از آوارگان خواست تا هتل را خالی کنند و شهرک بروند و "قول!" بقیه در صفحه ۱۸

آوارگانی که در کرمانشاه سر می‌برند اکثر از قشرترین و اطراف آن آمده‌اند. آنها که بیش از دوماه ونیم است که آواره شده‌اند از همان روزهای اول بارها برای گرفتن سرپناهی به ارگانهای رژیم مراجعه کرده و ما نتیجه‌ای نگرفته و در عمل میدیدند که با خواهش و تمنا نمیتوانند خواسته‌های خود را بدست آورند. به همین خاطر خود دست به کار شده و ابتدا شهرک

چطور است و... هم‌جاشی اش کرده بودند تا هدفهای ارتجاعی رژیم را زیر کردن این بریش - نامه، لاپوشانی کنند. این تفتیش عقاید به شیوه ساواک نشان و وحشت ارتجاع از خشم توده‌های فلاکت زده است.

۴ - ارتجاع برای آنکه تا شریک‌لیفات و افشاکریهای کمونیست‌های واقعی و بیگیرا در بین آوارگان با مطلاع خشتی کند به حیل جدیدی متوسل شده و در دویوار خوابگاه دانشگاه صنعتی (محل سکونت آوارگان) را با اعلامیه‌های ارتجاعی خود پر کرده است، و توهین‌های آیت‌الله خمینی به نیروهای انقلابی را بزرگ کرده و در قوالم نزدیک به دیوارها چسبانده‌اند، غافل از اینکه حمایت توده‌ها از کمونیست‌ها روز بروز قوونی می‌گیرد.

بوده ایم، رژیم بارها مبارزات آوارگان زحمتکش را توسط آمریکا و عوامل مدام و غیره نامیده و با سرکوب مبارزات آنان ما هیت خود را بخوبی نشان داد.

۳ - در دانشگاه صنعتی تفتیش عقاید جنبه رسمی بخود گرفته است. چندی پیش پاسداران ارتجاع بر شش ماهی را به میان آوارگان (و بخصوص آنها بی که مبارز ترند) برده و سؤالات زیر را از آنان می پرسیدند:

نظرتان راجع به دولت در مورد جنگ چیست؟ از نظر شما مردم اینجا از نظرات افکار و عقاید چگونه هستند؟ این جنگ بخاطر چه چیزی شروع شد؟ نظرتان راجع به سپاه پاسداران، ارتش بسیج، زاندار می‌ود... چیست؟ نظرتان راجع به مسئولین اینجا چیست؟... البته سؤالاتی نظیر اینک شهید داده اید یا نه، یا وضع غذا

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۲)

قسمت اول این گزارش را که سوبیله حزب کمونیست عراق (رهبری مرکزی) در سال ۱۹۷۷ تهیه شده در ستاره فصل خواندید

ویژگیهای اوضاع فعلی رژیم تحلیل موارد انسانی زیربناهای درک هستند:

- سیاست جدید آمریکا در منطقه عربی و عراق
- رنایسهای درونی منطقه
- سمکریهای سیاسی رژیم ما بعد سرکوب طبقه کارگر، آزادگداری و فعالیت شوروی ایتالی
- ماوراهای رژیم سوامون مبارکدها و سیاست آن در قبال مسائل عربی و حزب روبرو نیست

سیاست جدید آمریکا: بازتوانی بجای انهدام

سیاست آمریکا با رنایسهای جنبه‌های کارگر و سابل جدیدی را جهت تحقق اهداف خودیکار برده است. این سیاست عبارت است از تقویت نفوذ آمریکا روی دولتهای عربی، ایجاد منطقه اقتصادی برای کشورهای واریس کردن نفوذ شوروی در منطقه بطور عام و در عراق بطور خاص، تجدید سیاست آمریکا را در عراق و آزاد کردن هائی فرا رنده که در آنجا امپریالیسم آمریکا با نفوذ خود را با طاقه بعد از حوب عربی آسیا گسترش دهد. کارگر، در دهم روش ۷۷ در برابر روزنامه کاران آمریکا بی اعلام نمود که:

"کراسی خود من برای این است که طبقه شوروی و دیگران، با سیاست ولی از راه مصلحت - آمر میانه کرده و بعد از نفوذ آمریکا را در تعدادی از کشورهای آمریکا بداند - سیاست رسانی می دهد (از حالا تا ۲۵ سال آینده) کمترین داد. این مناطق، کشورهای جون وینا و عراق، سومالی و الجزایر - مناطقی ما بعد جنب و حتی کوبا را در بر - میگیرد. زمانی که این ماله در دستور باشد من هیچ تردیدی به خود راه نمیدهم. (هرالد تریبون ۱۳ ژوئن ۷۷).

کارتر عملاً نیز سیاست جهانی آمریکا را در یک سخنرانی در تاریخ ۲۵ مه ۷۷ شرح کرده بود و از "مهاورهاتن سوبیله آب نهای، آب آتش علیه آبش می کنند" بسمان اساس سیاست خود صحبت کرده بود. کارتر همچنان سیاست قدیم آمریکا را که حمایت از بر سلطه در آوردن مناطق نظامی متزلزل بود را رد کرد. کارتر به شئون دکان خود با آوری نمود که سیاست جدید آمریکا موافقت هائی داشته و گفت: "پیروزیهای بزرگی که

از طریق دیکراسی در هندوستان، برنرال، سوان و آسیا سیاست ما بدهند تا من می دهد که اطمینان مایه ای است نبود ایم."

با حرکت از این سیاست امپریالیستی، مخالف رهبری آمریکا، کوشش در تحکیم روابط خود با عراق، سوریه، سومالی و کشورهای دیگر منطقه عربی و چین دارند. امپریالیسم آمریکا در عین حال، این کشورها را تحت فشار قرار میدهد با آنها درهای خود را بر روی نفوذ سرمایه های امپریالیستی و سرمایه آمریکا باز کند.

همه میدانند که سیاست آمریکا، غلبه اصلی حدائی در او یک می باشد. آمریکا ارتجاع عربستان سعودی را مجبور نموده که قیمت نفت خود را ثابت نگذارد و این در زمانی بود که قیمت تولیدات صنعتی، بدون وقفه بالا میرفت این موضع بطوری که همه میدانند، باعث بایس آمدن درآمدهای نفتی کشورهای ما در گذشته از جمله عراق شد. بدلیل همین سیاست آمریکا بود که بعضی از رهبران مرتجع و سنا خنده شده گردیده آمریکا دعوت شدند و این بخاطر افزایش فشار روی رژیم عراق بود که بیشتر به آمریکا نزدیک شود و جلوی نفوذ شوروی را در عراق بگیرد.

میدانیم که امپریالیسم آمریکا موفقیت هائی در بعضی کشورهای ما ندارد و سوریه از طریق عمل خود در عربستان سعودی و ایران وارد - هائی بدست آورده است. امروز آمریکا می - خواهد که کار ملا رسانی روس خود را با سوق دادن عراق به قطع روابط خود با متحدین در مسکو محاصره کرده و عراق را مجبور به قبول نفوذ

خود کند. در همین چارچوب، تمایزاتی رسمی بین نمایندگان آمریکا و دولت عراق ایجاد شد. بدینال این تمایز اعلام شد که روابط سیاسی بین عراق و آمریکا برودی محدود برقرار خواهد شد.

همچنین رژیم عراق در مقابل ما نورهای که برای بیمان (امینیتی) خلیج و قبول آن انجام می گرفت سکوت کرد. در حالی که قبلاً در دست فدرای تمام مدت مرزی خود با کویت و اشغال لبنان سوبیله سوریه در تابستان ۷۶ آنها را شدیداً مورد حمله قرار میداد. واقعیت دیگری که بدون شک نمیتواند موجب اشتباه شود مهمی نباشد - ای است که برای اعضای خانواده سلطنتی ایران در بغداد ترتیب داده شده، سیاست نویسن، "درهای باز" عراق در چنین جوی قابل درک است.

امروزه امپریالیسم آمریکا سعی دارد سلطه خود را بر ایران را از راهی کشوره قاره و بر اقامت دادن کشورهای نفوذ کند. اینخا دین سیاست، بدینال شکست سیاست تسخیر جهان سزوا را حمله می باشد. امروزه، این امپریالیسم است که سیاست "درهای باز" اقتصادی و سیاسی را مطرح کرده و از مساله "حقوق بشر" سوء استفاده می نماید. این مسائل زمانی رخ میدهد که ورشکستگی شوروی روبرو - نیستیهای روس در مورد "راه رشد غیر سرمایه دار" و "همکاری با اردوگاه سوبیلستی" کاملاً آشکار شده است.

این در طبیعت سیاست جدید امپریالیسم آمریکا است که ما بقیه تسلیحاتی را شدت بخشیده و مبارزه بین امپریالیستهای جهت سلطه بر روی کشورهای و شرورهای جهان سوم جدت بخشد و در این کارزار، عراق در صف اول این کشورها قرار دارد.

(ادامه دارد).

سفره از صفحه ۱۷ آوارگان...

داده طرف ۴۸ ساعت تمام و سائل رفاهی را در شهرک آبا هیا میباشند اما توده های آواره زیر بار حرفیهای "حباب سرهنگ" برفته و با افتش کوی خودیج بودن وعده های رژیم را نشان میدادند یکی از زحمتکشان آواره میگفت: "خوب، ما تا ۴۸ ساعت همینجا می مانیم، در این فاصله شما نیروی دنا را از سروسا مان بدهید، شیشه بپندارید، سروسا بگذارید و ما محتاج اولیسه مردم را میباشید، بعداً ما هم اینجا را ترک میکنیم، سال که ده آواره ما هست همیشه سرمایه داران نوی این هتل بسر برده اند بگذارید ۴۸ ساعت هم زندگی کنیم."

"سرهنگ مزدور که دید آوارگان به هیچ وجه حاضر نیستند دروغهای او را بگویند، وعده و وعید را کنار گذاشته و به شیوه های سرمایه

داران یعنی "سرکوب" توده ها متوسل شده بیش از ۴۰ تن از با سادها بدستور او به مردم حمله کردند. اما زحمتکشان آواره به مقابل انقلابی دست زده و دشمن را وادار به عقب نشینی کردند و جناب سرهنگ پس از کتک جانی نه ای که از مردم خورد و را برقرار ترجیح داده و از پشت بام هتل فرار میکند. آوارگان تمامی شیشه ها و وسایل هتل را درهم کوبیده و در حالیکه خشم فرو - خورده ما هیا، اینک به فریادی تبدیل شده بود به خیابان ریخته و به راهی میانی و شعار دادن پرداختند. در این تظاهرات ۴۰۰ تن از آوارگان شرکت داشتند. با ساداران مزدور که در روز از صحنه فرار کرده بودند شبانه به قدرت به دستگیری نمابنده آوارگان میکنند.

مبارزه انقلابی آوارگان در کرمانشاه بیش از پیش ماهیت ارتجاعی رژیم را برایشان آشکار ساخت.

جنگ غیر عادلانه کتونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

طرح امپریالیستی برزنف، توطئه ای دیگر علیه خلقهای منطقه

برزنف در سفر اخیر خود به هند طرحی ۵ ماده ای تحت عنوان "دکترین برای صلح و امنیت منطقه خلیج فارس" ارائه نمود. رثوس اساسی این طرح عبارت است از: ۱- عدم استعمال با تهدید به استعمال زور علیه کشورهای خلیج فارس و عدم دخالت در امور داخلی آنها. ۲- احترام به مواضع غیر متعهد کشورهای خلیج و نکشیدن آنها به دسته بندیهای نظامی. ۳- احترام به حاکمیت کشورهای در مورد منابع طبیعی شان. ۴- اجتناب از تحریم تجاری و ایجاد موانع در راههای دریائی منطقه. ۵- خودداری از ایجاد پایگاههای نظامی خارجی در منطقه خلیج و جزایر مجاور و عدم آرایش سلاح هسته ای.

طرح برزنف به چه خاطر ارائه گردیده و چه اهدافی را تعقیب می نماید؟ در دوره اخیر، امپریالیسم چنانکه آمریکا، بخصوص پس از روی کار آمدن ریگان، بیش از گذشته در پیسی تشدید مسابقه تسلیحاتی برآمده است. منطقه خلیج فارس واقعا نوس هندیک از مراکز است که آمریکا بطور گسترده ای میکوشد تا آن حضور نظامی خود را تحکیم نموده و به تدارکات جنگی بیما بقاء دست زند. رشد مبرزه خلقها، عدم ثبات برخی از رژیمهای ارتجاعی منطقه و فعالیتهای نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی آمریکا را بر آن داشته تا برای حفظ منافع استراتژیک خود در این نقطه از جهان، فعالیت های نظامی خود را تشدید کرده و بدین ترتیب ظرفیت جنگی خود را افزایش دهد. بنا براین امپریالیسم روس از گسترده شدن اقدامات نظامی و شدت یابی رقابت طلبی آمریکا سخت دچار نگرانی میباشد. بعلاوه مسئله اشغال افغانستان توسط ارتش مهاجم شوروی و بدینال آن تمرکز نیروهای نظامی روس در مرزهای لهستان و احتمال دخالت نظامی شوروی در این کشور، مورد بهره برداری سیاسی - تبلیغاتی وسیع امپریالیستهای آمریکا و اروپائی قرار گرفته است. این جنگ سیاسی تبلیغاتی شوروی را در عرصه بین المللی در موضع دفاعی قرار داده و او را در میان کشورهای منطقه دچار محظورات مشخصی نموده است.

حال ببینیم با توجه به اوضاع فوق ارائه این طرح چه اهدافی را تعقیب می نماید؟ ۱- شوروی با ارائه این طرح میکوشد تا چنین وانمود سازد که یک دولت "صلح طلب" است و بدین ترتیب تبلیغات امپریالیسم غرب را خنثی نموده و افکار عمومی جهانی را از مسئله تمرکز قوا در مرزهای لهستان و احتمال دخالت در آن منحرف سازد.



۲- طرح برزنف در پی آن است تا حضور نظامی و تشدید رقابت امپریالیستهای غرب بخصوص آمریکا در منطقه تخفیف یابد. منظور برزنف از "عدم استعمال زور" یا "خودداری از ایجاد پایگاههای نظامی خارجی" و "دقیقا آن است تا آمریکا با هم پیمانان او از گسترش پایگاههای نظامی و رقابت تسلیحاتی در منطقه دست بکشند تا شوروی خود، قدرت مانور بیشتری در منطقه پیدا کند.

۳- شوروی برای تحقق هدف فوق میکوشد تا کشورهای متمایل و یا نزدیک بخود در منطقه را هر چه بیشتر متحد ساخته و امکان مقابله با آمریکا را بیشتر سازد. برزنف از اوارد نشدن کشورهای منطقه به "دسته بندیهای نظامی" محبت می نماید، اما پرواضح است که منظور او دسته بندیهای نظامی است که تحت سیاست ورهبری آمریکا قرار دارند.

۴- سوسیال امپریالیسم شوروی در پی آن است تا زیر پوشش "دکترین برای صلح" نفوذ خود را بعنوان "دولت حامی صلح" در منطقه گسترش دهد و به توسعه طلبی بیشتری بپردازد. شوروی با طرح برزنف میکوشد دست و پای امپریالیستهای غربی را ببندد تا خود به فعالیتهای نظامی و تسلیحاتی گسترده تری روی آورده و پایگاههای نظامی جدیدتری کسب نماید.

بدین ترتیب روشن است که طرح جدید امپریالیستی شوروی در پی عقب راندن رقیبان غربی اش در منطقه میباشد. حال آنکه خلقهای منطقه "آقا بالاسر" نمیخواهند، آنها آزادی و استقلال میخواهند و این امر تنها با نابودی همه امپریالیستها از جمله شوروی میسر است.

"هنگ" جنایتکار وزیر امور خارجه امپریالیسم آمریکا

تا یک ماه دیگر دولت ریگان فعالیت خود را عملا آغاز خواهد کرد. اما برای این آغاز، در حال حاضر ریگان چنانکه در پی انتخاب افراد مناسب دولت خود میباشد، آنچه در این انتخاب

جلب نظر میکند این است که ریگان برجسته ترین جناح سکان و تنبکایان امپریالیسم آمریکا را برای دولت خود بر میگزیند. یکی از این افراد برجسته "ژنرال" الکساندر هیک" میباشد که اخیرا به سمت وزیر امور خارجه آمریکا انتخاب گردیده است.

الکساندر هیک کیست؟ ژنرال جنایتکار فرمانده نیروهای تجاوزکاران ریگان نا سو بوده و سابقان درازی نقش بسیار مهمی در سرکوب خلقهای جهان داشته است. هیک در زمانی که امپریالیستهای خونخوار آمریکا کشتی در ویتنام کشتف ترین جنایات دوران را مرتکب میشدند، در اجرای سیاست تجاوزکارانه آمریکا نقش مهمی داشته است. در سال ۱۹۶۴ هیک رئیس دفتر کاخ سفید بود و در اجرای "وا ترگیت" و ایجاد سیستم ستراق سمع در اداره مرکزی دولت آمریکا و مقامات نظامی و غیر نظامی یا نکی ها بسیار فعال بود. هیک یکی از نمایندگان برجسته امپریالیسم آمریکا که بطور وسیع مورد حمایت گروه بندیهای تسلیحاتی قرار گرفته و به همین خاطر سیاست و مبتنی بر گسترش وسیع هزینه نظامی و تقویت ظرفیت تسلیحاتی آمریکا میباشد.

اخیرا هیک دولت کارتر چنانکه را مورد انتقاد قرار داده که سیاست او موجب شده شوروی جرات کند تا در رقابت با آمریکا در پی ریسکهای بیشتری باشد. و نمونه این امر لشکرکشی شوروی به آنکولا و افغانستان میباشد. به همین خاطر هیک معتقد است که سیاست "تشنج زدن" یا شوروی اشتباه است و می بایست به تقویت نیروهای هسته ای و استراتژی اقدام نمود. بعلاوه هیک بر آن است که با بدیهه مقابله با رشد قدرت نظامی شوروی پرداخت و آمریکا میبایست از خلیج فارس "حمایت بیشتری نماید و از اسراشیل شدت دفاع کند.

سیاست فوق بروشنی سیاست جنگ طلبانه هیک در قبال سوسیال امپریالیسم شوروی را نشان داده و بعلاوه این سیاست بیانگر آن است که وزیر دفاع دولت ریگان چه اهداف توطئه گرانه و چنانکه را نه ای در مورد خلقها و انقلابات سراسر جهان تعقیب مینماید.

تقویت نیروهای انگلیسی در خلیج

رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان - شنبه ۵۹/۹/۲۲. وقتی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و ازکون شاد ارتش ایران که امپریالیستها فقط منافع خود و حمایت از رژیمهای نظیر فابوس را بعهده آن واگذار کرده بودند از عمان عقب نشینی کرد. بنا براین امپریالیستهای کهنه کار انگلیسی تا کمر شدند در جوار چوب منافع

بقیه در صفحه ۱۰

اشغال مجدد اداره کاربایی کرج: اقدام انقلابی کارگران بیکار

این خواستها برسرردار اداره کاربایی نصب می-شوند. دولت سرما به داری که از اقدام انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود، نمایندگان خوش را مرتب به میان کارگران میفرستاد تا با ایجاد تفرقه و دادن وعده وعید، مبارزه شان را منحرف نمایند. در این میان نمایندگان سازشکار، مقامات رژیم را در پیشبرد اهداف ضد کارگریشان، عملاً یاری میکردند. تا اینکه حتی بیکار مقامات رژیم موفق میشوند برای مدتی در میان کارگران تفرقه انداخته و تعدادی را (۳۵ نفر) جهت بردن سرکار، از بقیه جدا کنند. اما زمانی که این عده را بعد از زور آرا توپوس کردن، در نیمه راه پیاپی میکنند، آنها به جمع کارگران باز میگردند. و دوباره تشکل کارگران حفظ میشود. سرانجام سازشکاری چندما پنبه موجب آن میشود که نمایندگان بدون قبول خواستهای کارگران از جانب دولت، برای چندمین بار از کارگران جهت رفتن سرکار نام نویسی میکنند (همانطور که بارها و بارها این عمل تکرار شده و نتیجه ای برای کارگران نداشته است).

در این میان با سداران سرمایه که با لباس شخصی به شائلی کارگران مبارز می پرداختند همواره از موضع "نمایندگان دفاع" میکردند و آنچنان جوی بوجود آورده بودند که اگر کسی مخالفت میکرد او را بعنوان "اخلالگر" می - شناساندند! این نمایندگان سازشکار علیرغم "حسن نیت" شان عملاً به نفع رژیم و برخلاف منافع کارگران حرکت کردند. بنا بر این کارگران می بایست مبارزات خود را آگاهانه تر پیش برده و نه تنها فربس توطئه های رژیم را نخورند، بلکه با پدرا قی با شدت و مواجدا دنیا له و سازشکاران کردند!

روزی آذرسرای دومین بار اداره کاربایی کرج به اشغال کارگران بیکار درآمد. کارگران برخلاف دفعه پیش، هر دو طبقه اداره را اشغال کرده و حتی چند روز اول اجازه کار کردن به کارمندان کاربایی ندادند. کارگران که از طرفی تحت فشار کاربایی و بیکاری، زمستان سختی را پیش روی خود خوانده شان می دیدند، و از طرف دیگر هیچ امیدی به دولت سرما به داری جهت ایجاد کار، نداشتند، اقدام به اشغال مجدد "کاربایی" نمودند. تا شاید از طریق تحت فشار قرار دادن دولت، بتوانند خود را از این فلاکت نجات دهند.

چند روز پس از اشغال اداره کاربایی، کارگران نمایندگان خود را انتخاب میکنند. اما به علت عدم شناخت کافی اغلب نمایندگان بجای برخورداری از موضعی انقلابی که بتوانند خواستهای کارگران را به پیش برد، موضعی سازشکارانه داشته اند (کارگران نمایندگان انقلابی نیز انتخاب کردند که در اقلیت بودند) این نمایندگان خواستار آن بودند که کارگران به وعده های تکراری مقامات دولت اعتماد کنند و در اجتماعات به نمایندگان دولت اجازه میدادند تا برای کارگران صحبت کرده مقاصد خویش را جهت به انحراف کشاندن مبارزه کارگران دنبال نمایند. اما از آنجائی که کارگران دارای روحیه قوی مبارزاتی بودند، مبارزه شان ادامه یافت. کارگران خواستهای خود را در سه خواست زیر طرح نمودند:

- ۱- شرکت نمایندگان کارگران در تصمیم گیریهای مقامات دولتی
- ۲- فرستادن تمام کارگران در یک روز به سرکار
- ۳- پرداخت حق بیکاری تا زمان اشغال بیکار

این کارگران جهت کار می دهد!

همچنین در جریان آتش سوزی سه تن از کارگران را دستگیر و زندانی میکنند که برای دو نفرشان مبلغ ۵۰۰ هزار تومان قرار صادر میکند. این اعمال موجب خشم و نفرت کارگران میگردد.

تهران: اخبار رژیم به منظور جلوگیری از مراجعات و اعتراضات دسته جمعی کارگران بیکار به ادارات کاربایی، سه اداره کاربایی و از جمله کاربایی شماره یک را تعطیل میکند. این اقدام ضد کارگری موجب میشود که سرگردانی کارگران بیکار بیشتر شده و کارگری که مثلاً در غرب تهران زندگی میکند مجبور باشد در شرق (یعنی در جایی که اداره کاربایی باز است) به دنبال کار بگردد.

بقیه از صفحه ۳ اخبار...

شود! لابد میخواهند در این "سختیهای" برای کارگران از "خیرات" جنک محبت کنند؟!!

تهران: روز پنجشنبه ۶ آذر نخست وزیر اطلاعاتی منتشر کرد مبنی بر اینکه "۵۰ درصد حقوق کارکنان کارگاههای تعطیل شده پرداخت میشود". یعنی شیمی از حقوق کارکنان پرداخت نمیشود! و اینهم یکی دیگر از "خیرات" حکاست!

کیلان: هیات باصلاح پاکسازی رژیم جمهوری اسلامی، پس از سرکشی در کارخانجات کیلان و اخراج کارگران مبارز، حالا به سراغ کارگران بیکار رفته است! در نامه ای که استانداریه اداره نیروی انسانی داده است صحبت شده که با بیکار کارگران بیکار را اول به هیات پاکسازی رفته و پس از اینکه مکتبی بودن (!؟) آنها روشن شد به کارخانه برورند. اما کارگران بیکار میگویند: ما کار میخواهیم و شکم گرسنه دین و ایمان سرش نمیشود. از این گذشته مگر برای کارگران حتما لازم است که مثلاً بهشتی و حزب جمهوری اسلامی را شناخته و قبول داشته باشند؟ کارگران میگویند ما حاضر نیستیم یک چنین قانون ضد کارگری اجرا شود.

(بمنقل از "تپیک بوش" شماره ۱۲)

اصفهان: حدود سه ماه است که از هر کارگری ذوب آهن به بهانه جنک، دوروز حقوق در ماه کسر میکنند. کارگران که به بهانه هیت سرما به دارانه جنک و دروغ بودن تبلیغات رژیم در باره آن پی برده اند، دست به اعتراض میزنند و تصمیم می - گیرند که دیگر هیچگونه کمکی به رژیم برای پیش بردن اهداف ضد مردمیش نکنند. دولت که اعتراض گسترده کارگران را مشاهده میکند، مجبوره عقب نشینی شده و مقامات ذوب آهن قول می - دهند که از این به بعد هیچ مبلغی از حقوق کارگران کسر نکنند. و این در حالی است که رفسنجانی ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید سلاح به سپاه پاسداران میپردازد، آیت الله منتظری هر ماه ۵ میلیون تومان برای روحانیون دریافت میکند و ۲۲ میلیون تومان به روحانیون سنی پرداخت میشود!

پالایشگاه اصفهان: در جریان حادثه آتش - سوزی قسمتی از پالایشگاه، دارودسته حیزب جمهوری اسلامی سعی کردند تا از این حادثه اتفاقی، برای کوبیدن رقبا و خود همچنین نفی کردن مبارزات ستاف ده کنند. هنگامی که رهایی برای بررسی علل آتش سوزی در اطاق در بسته با مدیران پالایشگاه صحبت میکرد، کارگری با اصرار از او میخواست که با کارکنان نیز صحبت کند ولی بعد از برخورد تند با وی، حکم اخراج

مبارزه در شرکت منجنیق (کیلان)

شرکت ساختمانی منجنیق ۴۵ کارگر دارد و مدیر عامل آن که فردی مفتخور و مصاداتی است ۲۰ نفر از کارگران را اخراج میکند. کارگران هم برای اعتراض به این عمل ضد کارگری، مانع خاکریزی میشوند. مادتی ضد کارگری را سرکوب کارگران از پالایشگاه جمع و از کمک میگیرند. هنگامیکه از پالایشگاه به محل کار میروند، کارگران زحمتکش میگویند: "ما روزی ۱۴ الی ۱۵ ساعت در این شرکت کار میکنیم و الا که زمستان است میخواهند ما را اخراج کنند". در این مبارزه کارگران تدبیری از کارگران جدید (اخراجی) حمایت میکنند. مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اتحاد کارگران شرکت "ببا" نوطه اخراجشان را درهم میکوبد

سیستم! صدا نخلت کار فرماست که حق ما را میخورد و میخواهد در این سرمای رستان ما را بیرون بیاورد. ما کارگران بودیم قیام کردیم، شاخه‌ها را برافراشتیم و دادیم و ما را با سلاح دست دادیم! ولی حالا چگونه است که تو با این سلاح از ما میترسید؟ سرمایه داران دفاع میکنی؟ کارگر دیگری خطا به ما ندارد! ما را زخمی میکنی؟ کارگر راست میگویند، ما باید فقط یک ساعت در این سرما زیر بوسل کار نکنیم تا بفهمید کارگر چه ستمی میکند. ما برای سرگردن شکم زن و بچه‌ها مجبوریم روزی ۸ ساعت زیر این توتل کار کنیم. حالا کار فرما میخواهد ما را بیرون کند و تو هم با سلاح از او دفاع میکنی! ولی اگر کار فرما بخواد چنین کاری بکند، همگی دست از کار میکشیم! کارگران همه یکدست میگویند با همه ما را بیرون کنید و با همه ما بدکار بکنیم. کار فرما با ما را در سرمای بهشتی که قدرت پولادین و اتحاد و استوار کارگران را می بینند مجبور به عقب نشینی کشته و میکوبند فعلا تا زمانی که برف بیاورد، همگی کار نکنیم.

این نمونه، بخوبی بیانگر آن است که کارگران در مقابل توطئه‌های سرمایه داران و رژیم، هیچ نقطه اتکالی جز اتحادشان ندارند. خصوص در شرایط فعلی که از طرفی بیکاری و کرائی پیدا میکند، و از طرف دیگر سرمایه داران برای اخراج کارگران به انواع توطئه‌ها، دست میزنند، کارگران میبایست هشیاری خود را حفظ کرده و همچون رفقای کارگران در کارخانه "ببا" با یکدیگر یکی و اتحاد خویش منتهی گردانند. سرمایه داران بزنند، علاوه بر این با بدبختان گردانند که سرمایه داران مزدور و محض میانه‌جاده کوچکترین خلی در یکبارگی کارگران از فرصت استفاده کرده و اهداف فدکا رگری خویش را پیش خواهند برد، بنابراین حفظ اتحاد، تدابیر و ارتقاء مبارزات کارگران، همواره ضروری است.

۴ - برای پیشبرد امر مبارزه و هر چه مستحکمتر کردن صفوف طبقه کارگر، کارگران میبایست کوشش نمایند مبارزات خود را با مبارزه هم - فطران خود در دیگر شهرها نظیر تهران و شیراز، هماهنگ سازند.

با مبارزات متحد و یکپارچه خود توطئه‌های رژیم را خنثی کنیم! بهره‌برداران غوا مفرقا به رژیم جمهوری اسلامی از جنگ تا غافلگونی را افشا کنیم! (نقل و تلخیص از اعلامیه سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته افغان

روزن آذر در شرکت ببا (قائم شهر) شایع میشود که کار فرما میخواهد ۱۲ تن از کارگران را اخراج کند، به همین علت شورای کارگری کارخانه کارگران دعوت میکنند روز ۹/۱۰ گرد هم آیند، در این روز یکی از نمایندگان کارگران به افشای توطئه پرداخته و میگوید: "دوستان کارگران! کار فرما حالا کارکننده و جیب خود را پر کرده است، ولی حالا میخواهد در این موقعیت حساس که کرائی و بیکاری در سراسر ایران پیدا میکند ۱۲ تن از ما را اخراج نماید، سرمایه داران فقط بدنیال سود میگردند، آنها هر وقت استفاده‌شان را از وجود ما بردند و دیگر احتیاجی به ما نداشتند، ما را بیرون میاندازند و دولتی دیگر آقای خرسند (کار فرمای شرکت) و او مثال او کوخوانده اند! کارگران دیگر آگاه شده اند و به این سادگی زیر بار ظلم نمی‌روند، کارگران با قدرت خود پی برده اند آنها فهمیده اند که اگر با هم متحد باشند میتوانند سرمایه داران را نابود کنند. حال اگر ما کارگران در این شرکت دست اتحاد بدهیم و متحد و یکپارچه در مقابل کار فرما بایستیم، او را به زانو در خواهیم آورد." بعد از سخن این نماینده مبارز و جندش ارکان کارگران آگاه، درباره اهمیت نتیجه اتحاد کارگران صحبت کردند.

روز ۹/۱۲ نیز شورا مجدداً کارگران را به کردهایی دعوت کرد تا با هم به افشای توطئه کار فرما بپردازند، اما کار فرما که شورا را مانع پیشبرد مقاصد فکری خویش میدید، مانند تمامی سرمایه داران به رژیم که حامی آنهاست متوسل گردید و با سرمایه داری طلبید، او بیشتر ما را دعوت کرد که از دست نماینده - گان شورا تا مین جانی نداریم! یکی از سسه با ساری که از بیل به کارخانه آمده بودند، به کارگران گفت: "ما شنیده ایم که در این کارخانه ضد انقلاب رخنه کرده است و کارگران را به شورش وامیدارد، اما یکی از کارگران بلافاصله جواب دندان شکنی به وی داد و گفت: "ما ضد انقلاب

مهمی بازی نخواهد کرد.

۲ - کارگران مبارزین از بررسی خواستههای خود میبایست با اعتراض دستجمعی و راهپیمایی در سطح شهر، خواستههای حق طلبانه خود را به گوش توده‌های زمینکش برسانند و پشتیبانی آنان را جلب نمایند در همین رابطه به افشای حناست رژیم بپردازند.

۳ - در صورتیکه رژیم برای کارگران مسکن مناسب با حق مسکن تا مین نگذرد، لازم است که ما کن عمومی (هتلای سرمایه داران و اماکن دولتی و...) بوسیله کارگران ماده انقلابی بشوند.

بقیه از صفحه ۳ انجمن...

جنابانکار! شما را اتحاد می دهند و فقط اسم خود را عوض کرده اند، درحالیکه هدفها و وظایفشان همان است که ما واک برای اداره حفاظت تعیین کرده بود.

کارگران آگاه و مبارز!

سرمایه داران برای به انحراف کشاندن و سرکوب مبارزات کارگران از شیوه‌های بسیار پیچیده و تشکیلات ظاهری فریبی چون اداره حفاظت گذشته و انجمن اسلامی کنونی، همیشه سودجسته و هم اکنون نیز استفاده میکنند این برعهده کارگران آگاه و مبارزان است که با روشن کردن ماهیت این مراکز فکری و افشای هدفهای آنها، برای توده کارگران، مانع از فریب کارگران و به انحراف کشاندن شدن مبارزانشان گردند.

انجمن های اسلامی ضد کارگری،

در کارخانه جات، منحل باید گردند!

هر چه رسوا تر باد، ماهیت ضد کارگری

انجمن های اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ پیام...

بیکار و رده و متحد شما میباید کمالات را خرد کند، مبارزات شما در پیوند مبارزات دیگر زمینکنان و خلقهای قهرمان کشور، کامیاب بزرگی است در راههای از یوغ ستم و استثمار سرمایه داران و رژیم‌ها میباید، خواستههای فعلی شما با مبارزه یکپارچه و متحدان قابل حصول است. پس مبارزات خود را حول خواستههای ذیل متشکل کنید:

- ۱ - پرداخت کامل حقوق
- ۲ - تا مین مسکن مناسب با پرداخت حق مسکن
- ۳ - لغو بازنشستگی کارگران ۵۰ سال به بالا
- ۴ - جلوگیری از اخراج کارکنان مبارز که تحت لوای دروغین "پاکسازی" انجام میشود.
- ۵ - لغو فشار و تمیقات ارتجاع حاکم بر کارگران بخاطر طریقه زنگنه به منطبق حنک زده.
- ۶ - قطع تسلیقات ارتجاع (امثال طاهری اما جمعه امفان و استانداری) بر علیه آوارگان و آگاهده حیثیت از آنان در رسانه‌های گروهی و...

کارگران قهرمان!

برای تحقق خواستههای فوق با بدر مبارزه، شیوه‌ها و تاکتیکهای مناسب اتخاذ کرد تا امکان پیروزی قطعی شود. در این رابطه لازم است که:

- ۱ - کلیه کارکنان مبارز صنعت نفت مستقر در امفان روزها در باشگاه کارگران نفت اجتماع کرده و مسائل و مشکلات خود را بررسی نمایند و تبادل نظر، مبارزات خود را هماهنگ سازند! این اجتماعات در همبستگی و یکپارچگی کارگران نقش

نمان، مسکن، آزادی

قیام قهرمانان کارگران مسکو، جلوه‌ای از قهر انقلابی طبقه کارگر

عملیات مسلحانه، بلکه برعکس عدم آماج دگی کافی برای به انجام رساندن تمام و کمال قیام و ایجاد هماهنگی لازم با تمامی مناطق، بوده است. لنین کبیر در مقابل ادعای اپورتونیست‌ها که مدعی بودند: "نباید کارگران دست به سلاح میبردند"، میگوید:

"برعکس، از اینهم قطعی تروجی تروبا قدم تعرضی میبایستی دست به سلاح زد، لازم بود که به توده‌ها فهمانده شود که تنها اعتصاب آرام غیر ممکن است و مبارزه‌ی با کارخانه ویرجانه مسلحانه ضروری است". واقعیت این گفتار با انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ اثبات گردید.

اعتصابات سال ۱۹۰۵ روسیه ۳ میلیون کارگر (و حدود یک میلیون کارمند) را دربرگرفت که تا آن زمان در تاریخ جنبش کارگری جهان بیسابقه بود. طبقه کارگر قهرمان روسیه نشان داد که زمانی که متحد شود و اراده کند، همه چیزها از حرکت باز خواهد ایستاد و زندگی سرمایه‌داران و انگلهای جامعه فلج خواهد گردید. قیام دسامبر کارگران نیز نشان داد که تنها در صورتی که مبارزات کارگران تا حد مبارزات قهرآمیز و بمنظور کسب قدرت سیاسی ارتقاء یابد، می‌توانند ضربات کاری برپیکر رژیمهای مدافع سرمایه‌داری وارد سازد. این قیام با شکوه عظیمی قهرمانیهای کارگران است که بمنظور نا بودی ستم و استثمار سرمایه‌داری و سرقراری جامعه سوسیالیستی، صورت گرفته است. برخلاف رویزیونیستهای خائن که سازش طبقه‌ای را تبلیغ میکنند و از دیدن حرکت یکپارچه و قهرآمیز طبقه کارگر، وحشت میکنند، کارگران روسیه در قیام ۱۹۰۵ نشان دادند که "انقلاب مجلس میهنی نیست"، و برای رسیدن به دنیای عاری از استثمار و سرخ کمونیسم، راه پرپیچ و خم و دشواری در مقابل طبقه کارگر جهان وجود دارد که تنها به آنکه، مبارزه آشتی ناپذیر و یکپارچه کارگران میتوان در آن گامهایی به پیش برداشت. بررسی این قیام، درسهای بزرگی برای کارگران جهان به همراه دارد. قیام قدرت لایزال طبقه کارگر را بوضوح نمایان ساخت و از جمله به کارگران ایران میا موزد که با اتحاد، آگاهی و یکپارچگی خود میتوانند مبارزات خود را بسایر دسیملیونی به پیش برند و سرانجام با توسل به قهر، قدرت سیاسی را کسب نمایند.

اخراج شهردار تحمیلی و تشکیل شورا‌های محلی از جانب مردم مبارز و دخیل دختر راه افتاد که بگفته‌شان بدان معنی بیش از سه هزار نفر از مردم شهردار آن شرکت داشتند. در شهر پیل دختر چنین تظاهراتی کم نظیر بوده است. پیروز با دجنش و جگر پرنده توده‌ها!

هجدهم آذرماه برابر با ۹ دسامبر، سالروز قیام کارگران مسکو در سال ۱۹۰۵ میباشد. ۷۵ سال پیش در چنین روزی طبقه کارگر قهرمان روسیه در مسکو با برسرهای مهم کشور بر علیه رژیم تزار، دست به قیامی مسلحانه زدند. اعتصابات کارگری، مبارزات دهقانان و سربازان و نوابان نقاط مختلف روسیه در این سال آتجان اوج گرفته بود، که انقلابی عظیم را بوجود آورد. انقلابی که گرچه شکست خورد، اما آنچنان دست آوردهای گرانبهای برای توده‌های تحت ستم حکومت تزاری و بخصوص طبقه کارگر این کشور، به همراه داشت که ۱۲ سال بعد (۱۹۱۷) سرآوردن دوبا رده‌ها، نه تنها مستبدترین حکومت آن زمان اروپا را سرنگون ساخت، بلکه در تداوم خویش با انقلاب کبیرا کثیر، نخستین حکومت کارگری و سوسیالیستی را در چارچوه زمین برقرار نمود. در ماه دسامبر ۱۹۰۵، گسترش اعتصابات کارگری بدانجا رسید که سرانجام ۹ دسامبر نخستین سبک‌راندیها در مسکو توسط کارگران پدید آمد و مدوری شکست که کوچه‌ها و خیابانهای مسکو را زنگریندی پوشیده شد. حکومت تزاری به کمک توپخانه و نیروهای مسلح به مقابله با کارگران مسلح که تعدادشان به چندین هزار نفر میرسد، شتافت. کارگران طی ۹ روز مبارزه قهرمانانه، سرگهای سرخی را بر دقتر مبارزات طبقه کارگر جهان افزودند. بلشویکها نقش فعالی در رهبری کارگران رزمنده، به عهده داشتند. نمایانگر همه مسکودند و نمایانگر همه مبارکزمین معنی کشور نیز برپا گردید، ولی به علت وجود انکالاتی مانند پراکندگی در رهبری و عدم هماهنگی با مبارزات دهقانان، بوسیله نیروهای تزاری سرکوب گردید. این نقطه آغازی بود برای افول انقلاب ۱۹۰۵ روسیه.

با گذشت درسی که این قیام پرشکوه برای کارگران جهان داشت، لزوم یکا بریدن قهر انقلابی بر علیه استثمار کارگران و مرتجعین می‌باشد. این اصل تعیین کننده توسط بلشویکها و آموزگار کبیر علیه کارگر، رفیق لنین، طرح گردیده و در میان کارگران تبلیغ میشد. جریان قیام بوضوح نشان داد که برخلاف ادعای اپورتونیستهای آن زمان روسیه (منشویکها)، در مقابل قهر ضد انقلابی استثمار کارگران، تنها و تنها میبایست به قهر انقلابی کارگران و زحمت کشان تکیه نمود و علل شکست قیام‌ها قدامه

حمایت توده‌ها از معلمین اخراجی

پیل دختر - چهارشنبه ۵۹/۹/۵ تظاهرات عظیمی به حمایت از معلمین مبارز اخراجی و همچنین

بقیه از صفحه ۳ اعتصاب...

حیثیت از یکی از کارگران مبارز که مورد فحاشی یکی از سردمداران مرتجع شرکت قرار گرفته بود. زمانی که کارگران خواست تشکیل شورا را طرح کردند، رویزیونیست توده‌ای مذکور مجدداً به کمک سرمایه‌داران شافته و میگوید: "برادران، خواهش شورا خواهسته درستی نیست و بایست سدی که تشکیل دهیم؟" ولی کارگران که خاطره بدی از سدیهای سرمایه‌داری و رزم‌های داند و دوماهیت عدداً رگری فردمدور را می‌شناختند میگویند: "نه، ما شورا می‌خواهیم سندیکا بدرمانی خورد". و بدین ترتیب بار دیگر کارگران بطور عریزی مرز طبقه‌ای بین خود و رویزیونیستها (این دشمنان طبقه کارگر) را مشخص میکنند (منظور از شورا که کارگران می‌گفتند موردنا شیدماست، در واقع سندیکای سرخ است و سندیکای مورد نظر رویزیونیستها سندیکای زرد میباشد - پیکار). کارگران مبارز شرکت گسترش ممکن اگر چه با حرکت یکپارچه خود لریه براندام سرمایه‌داران و خادمان رویزیونیست آنها انداختند، اما بغلت عدم شناخت کافی از چگونگی ادا به مبارزه‌شان، نتوانستند به تمامی خواسته‌های خود برسند و تنها قسمتی از حقوق عقب افتاده خویش را دریافت کردند. ولی از آنجایی که طبقه کارگر برای رسیدن به پیروزی نهایی و کسب قدرت سیاسی راه پرپیچ و خمی را باید پیمایند، اینگونه مبارزات کامی است به پیش در این راه که تجربه مبارزاتی کارگران را افزایش میدهد و در صورتی که با آگاهی طبقه‌ای (آگاه) می‌سویا لیستی) نشان درآمیزد، راه انقلاب هموار میگردد.

باز هم لجن پراکنی علیه پیکار، باز هم شکست برای ارتجاع

بروجرد: در روز سوم آذرماه در تشریح جنازه چند نفر از مبارزان کشته شده در جنگ، در کورستان "جهان آباد" یک آخوند مرتجع بنام "آقا شیخ علی" اعلامیه‌ای از سازمان "پیکار..." را از جنبش درآورده و با خواندن آن که جنگ کنونی را ارتجاعی ارزیابی کرده بود شروع به لجن پراکنی علیه کمونیستها و پیرویه سازمان ما میکند. مردم زحمتکش که از "خبرات جنگ" (کرانی کشتار، فقر و فلاکت، درماندگی، محطی و...) نصیب فراوان برده‌اند، قریباً دا اعتراض برآورده و شیخ مرتجع را هوم میکنند.

توده‌ها در عمل در میابند آنچه کمونیستها میگویند حقیقت است و توده‌ها با آگاهی و افتاکری خود تبلیغات مسموم ارتجاع را با شکست مواجه می‌سازند.

سالگرد شهادت رفیق کارگر علیرضا کرکوندی گرامی باد

۲۷ آذرماه سال ۱۰، اولین سالگرد شهادت رفیق کارگر علیرضا کرکوندی کارگر کاخ سیمان سپاهان اصفهان میباشد. رفیق زحمتکش که از هواداران سازمان ما بود در حادثه سقوط از کوه به شهادت رسید. رفیق علیرضا از کارگرانی بود که با آگاهی به آرمان انقلابی طبقه اش و با عشق فراوان به زحمتکشان به بردن آگاهی به میان آنها پرداخت. و با کینه به دشمنان طبقه اش زحمتکشان، زندگی را بدرود گفت. یادش گرامی و راهش جاودان باد!

یاد دو رفیق شهید رزمنده را گرامی میداریم

یاد دو کوشش دگر بخاطر عشق به آرمان رهاشی بخش طبقه کارگر و پیروزی زحمتکشان شهادت ترسیدند. دو رفیق از "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" در نوا باده تهران به انبوه شهیدان انقلابی و کوشش میهن بیوستند. رفیق معلم حمزه قربانی در روز ۸ آذرماه در تظاهرات زحمتکشان نوا باده (ممسنی) به پشتیبانی از مبارزات معلمین با کلوله های پاسداران سرمایه، خون سرخشان را آزادای زحمتکشان از قید ستم و استعمار کرد. رفیق دختر رزمنده ای در اوایل آبانماه در حادثه انفجار با روت به شهادت رسید. ارتجاع حاکم و پیروزه جناح "حزب" مدبوحانه تلاش نمودار واقع شهادت این رفیق برای نیات پلید طبقاتی اش سوء استفاده کند و با داستان سازی به تبلیغ علیه کمونیست ها برخاست. بی خبر از اینکه خلق های زحمتکش ما با حد کافی در زمان رژیم شاه با چنین شیوه های کثیف تبلیغاتی آشنا شده و بکرات آنرا را خود را از چنین سیاست های نشان داده اند و یاد این درون قیام کوشش را گرامی داشته و اطمینان داریم که راهشان تابیر و زنهائی بوسیله خیل بیروان شفته رهاشی طبقه کارگری خواهد شد.

برای بزرگداشت شهیدان اجتماع کرده بودند هواداران مجاهدین نیز جداگانه را هیماشی جلوتر از صف ما ترتیب داده بودند. مردم در مسیر را هیماشی از شعارها حمایت میکردند. تذکر این نکته ضروری است که رفقای "اقابست" فدائیان بجای شرکت در صف کمونیست ها، در صفوف "مجاهدین" قرار داشتند. مرا در تکیه آمل برقرار شد و ما همدین به این دلیل که "بلندگو و مرا سم" مال آنهاست با انحصار طلبی مانع قرار داشتیم تا به تهنیه شده از طرف رفقای ما و رزمندگان شدند.



علوم "متخصص شدند. رژیم مغرور پهلوی و جمعه - یوشان مزدور ش به عیث تلاش میکردند که با بری سرنیزه ها و شلیک گلوله ها عزم را سر فرزند ان انقلابی و مبارز خلق ما را در مبارزه برای سر - نگونی آن رژیم بشکنند رژیم بجای با زکشی سنگر آزادی، نظامیان مسلح را به مصاف داشتند. همان مبارز فرستاده که در نتیجه تیراندازی آنها استاد کامران نجات الهی روز پنجم دیماه ۵۷ به شهادت رسید. خون سرخ رفیق نجات الهی و شقیه با زکشی داشتند. توده های انقلابی از شهادت این فرزند انقلابی خلق نیرو گرفتند و با آدا مه و گسترش مبارزه رژیم شاه را مجبور به باز کردن دانشگاهها نمودند. اما دانشگاهها پس از مدتی نه چندان طولانی، توسط رژیم جمهوری اسلامی، زنجیرهای تعطیلی برگرداند و آویخته شد. ولی مرتجعین ارتجاع درس نمی - گیرند. توده های مبارز میهن ما، یکبار دیگر بدستان بیروشان درهای دانشگاهها این سنگر همیشه خروشان آزادی را دوباره باز خواهند کرد. در آرزوی پیروزی خلفای بمان در مبارزات در حال اعتلاش علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریا لیسم جهانی یاد رفیق شهید کامران نجات - الهی را گرامی میداریم.

دومین سالگرد شهادت رفیق استاد کامران نجات الهی شهید بازگشایی دانشگاه

تولد: ۱۳۳۳ در بهار،
فرزند مبارز خلق کرد،
ایدئولوژی: مارکسیسم لنینیسم
شرکت فعال در مبارزات توده ای
سالهای ۵۶ - ۵۷
ملاخره شهادت در
تحصن دانشگاهیان، ۵ دیماه ۱۳۵۷

رفیق شهید کامران نجات الهی، استاد دانشکده پلی تکنیک تهران، در جریان تحصن دانشگاهیان مبارز وزارت علوم "بخاطر همبستگی با مبارزات شکوهمند توده ها و برای بازگشایی دانشگاهها که توسط مزدوران امپریا - لیسم بسته شده بود، بدست دژخیمان رژیم - مزدور محمد رضا شاه جلاد به شهادت رسید. رفیق ار جوانان پر شور خلق کرد بود که در اثر روحیه جستجوگرو انقلابی به مارکسیسم گرایش پیدا کرد و بطور فعال در مبارزات انقلابی توده ها شرکت نمود (وی سرعمره رفیق شهید حسن توسلی از رهبران مئی انقلابی توده ای بود. رفیق توسلی در بهمن سال ۵۴ به شهادت رسیده است). رفیق با تکتیک و پیش اعلامیه های انقلابی در مبارزات فدا امپریا لیستی - دموکراتیک خلق بر علیه رژیم شاه و امپریا لیسم شرکت مینمود و در انتشار نشریه "همبستگی" و در کارهای سازمان ملی دانشگاهیان نقش ارزنده ای داشت.

هنگامیکه حکومت نظامی از هاری جلاد با زدن قفل بر دهان دانشگاه کمان میکرد که میتواند دانشگاه، این سنگر آزادی و جنبش انقلابی دانشجو - یان ایران را به سکوت بکشاند اسنادان متعدد و دانشگاهیان مبارز و انقلابی در همبستگی با خلق بیباک سته برای بازگشایی دانشگاهها بمبارزه بر - خاستند و پس از تحن در دانشگاه تهران، در اولین روزهای زمستان ۵۷ در با ختم شدن "وزارت

بزرگداشت هفتمین روز شهادت کارگر شهید حسین سالار محمدی در آمل

بدست پاسداران محکوم است... جنايات رژیم جمهوری اسلامی را افشا کردند. با وجود ریزش باران شدید هاران نگران مردم آمل

گرامی داشت هفتمین روز شهادت کارگر شهید حسین سالار محمدی که با کلوله پاسداران سرمایه در خون خود غلطیده بود. در شهر آمل برگزار کردند. هواداران سازمان ما و رفقای "رزمندگان" با راهیماشی بطرف خانه شهید و از آنجا بطرف محل برگزاری مراسم... و با شعارهای "مرک بر آمریکا، مرک بر ارتجاع"، "سالار، سالار کارگر شهیدم، قسم به خون باکت از ارتجاع حاکم کبریم، انتقامت"، "زندانی سیاسی آزاد باشد کرد"، "این جنگ ارتجاعی برای مردم ماحصلی جز کرائی، سیکاری ندارد"، "کشتار زحمتکشان

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

گرافروشی، پاسداران و اعتراض مردم

روشنیه ۵۹/۹/۱ پاسداران کمیته رباط کرم یک وانت با حامل سایدرا برای فروش میدان مقدم واقع در خانه قلعه مرغی بوده و قیمت یک تا به متوسط را نه تومان اعلام میکنند. بدنبال اعتراض مردم به گران بودن قیمت، پاسداری با صدای بلند داد میزند که: "هرکس میخواهد بخرد و هرکس هم که میخواهد نخرد، ما را بسین که داریم برای این خوب میگیریم". مردم با شنیدن این حرف از پاسداران شعبار "مرک برگرا نفروشی" را سر میدهند. در مقابل یکی از پاسداران با کمربند به جان مردم افتاده و پاسدار دیگر کلت کمری خود را درآورده و مردم را تهدید میکند. اما مردم همچنان به شعار دادن ادامه داده و پاسداران را هومیکند. و پاسداران ارتجاع را از صحنه فراری میدهند. مردم می گفتند: "این اجناس متعلق به گرافروشان است که پاسداران بعنوان جریمه ضبط کرده اند و حالا به قیمت گرانتر به مردم میفروشند". این اقدامات یکبار دیگر ماهیت ضد مردمی و تبهکارانه رژیم حاکم و عواملسازی به مردم میشناساند.

فقط مجاهدین، دیگر هیچکس!

واقعیتی تلخ، جدش آو و در آه و زاریا ر - هاروی دیوارهای شهر دیده ام: "زندانی مجاهد آزاد را بد کرد"، "۸۰۰ زندانی جوادا ر مجاهدین خلق سایداز دشود" و شعارها و موضعگیری های مشابهی دیگر در روزنامه مجاهد.

این واقعیت، تلخ و چندش آورانه را نیروی انقلابی و دموکرات را که قاعدتا باید در مبارزه فدا میرا لیستی کنونی نقش با بری بعهده داشته باشد، دچار چسب خودمحروریت و تنگ نظری میبینی، گوئی در این کشور زندانی سیاسی غیر وابسته به مجاهدین خلق وجود ندارد، گوئی این کمونیستها نیستند که بیش از مجاهدین فعالیت ها شان ممنوع شده (و در واقع هرگز قانونی نبوده) و خونشان "خلال" اعلام گشته است، گوئی در صحنه وسیع و عظیم مبارزه انقلابی دموکراتیک و فدا میرا لیستی میهن ما فقط این مجاهدین اند که حضور دارند. تنها خود را دیدن و دیگران را ندیدن، خود را "محور عالم" تلقی کردن و منافع کل جنش - دمکراتیک میرا لیستی خلقهای ایران را ندیدن: این است سیاست رهبری سازمان مجاهدین خلق، سیاستی عمیقاً خرده بورژوازی و به همین دلیل در بررسی عملکرد این سازمان درس آموز! در

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

ثانیاً: تبلیغ باستی با زبان تود مهاجران گردد

رویزونیستها همواره به بهانه با توده ها بودن و با زبان آنها سخن گفتن، مانع آگاه شدن توده ها میگرددند، اما در نقطه مقابل نیز روشنفکران بزرگوئی قرار دارند که گویا برای خود مینویسند، تبلیغاتن طوری است که نمی توان نمود را استفا ده توده ها قرار گیرد، کمونیستها که در مورد محتوای تبلیغ بدنبال توده های - افتند و به گفتار انبسن وفادارند، در شکل، روش و زبان تبلیغ، مسئله انطباق با توده ها و خاصیت جلب کنندگی آن توجه کافی دارند. لنسن در مورد محتوای تبلیغ میگوید:

"جبری خطرناکتر و تبهکارانه از سوء استفاده عوامفرا به از رشد نایافتگی کارگران نمی تواند وجود داشته باشد، اگر معیار فعالیت آن چیزی باشد که به بخوبی و لاوا سطه مستقیماً و به بیشترین حد در دسترس و بیشتر - بین توده ها است، اما با بد مجبور با شیم - آنتی سمیتیم (ضد یهودی گری - که تزار با تبلیغ آن تا شیرزادی بر توده ها - کذا شده بود - بیکار) را موعظه یا بگذا رید بگویم که بر مبنای فراخوانی که از طرف بدر مقدس جان کروشتات به عمل آمده آن را تبلیغ کنیم." (۳)

آنچه لنسن میگوید مربوط به محتوای تبلیغ است که همواره رویزونیستها آن را به فراموشی سپارند، نه مربوط به شکل، روش و زبان آن که معمولاً آنرا رشتیستها به آن توجهی نمیکند. این مسئله مهم که زبان تبلیغ بگونه ای باشد که نه تنها توده ها، قادر به درک آن باشند، بلکه توده ها را ترغیب به درک محتوای تبلیغ کند، مسئله ای است که همواره مورد توجه کمونیستها و مورد چشم پوشی روشنفکران درازگو و اکادمیسن ها بوده است. رفیق دیمیتریف در نقطه افشا حیه هفتمین گنگره کمیترون (۱۹۳۵) در این

موضوع بحث تاکید میکند: "توده ها، تا وقتی که زبان قابل فهم آنها سخن نگوشیم، نمی توانند تصمیمات ما را هم کنند." او به توصیه یک قانون بلشویکی می پردازد: "وقتیکه مینویسید یا صحبت میکنید همیشه به فکر کارگران ده ای باشید که با بد حرف شما

انتشارات و تبلیغات مجاهدین همانطور که "تاما راه ها به رم ختم میشود" حل مسائل گروگانها و راه بطه رژیم با آمریکا نیز گویا فقط به محاکمه سعادت و تعقیب رهبری مجاهدین خلق منتهی میگردد! شکنجه زندانیان هم محدود به هوا داران مجاهدین است و شکنجه گر هم فقط کسانی هستند که به شکنجه مجاهدین پرداخته اند مثل مانا الله قصاب! در دوره قبل از قیام حتی لیبرالها و مذهبیون متعصب هم جرات نمیکردند در شعار توده گیر "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"

را بفهمد، به مطلب شما معتقد شود و برای تبعیت از شما آماده گردد! شما با بد فکر کسانی باشید که برای شان مینویسید و برای شان صحبت میکنید (۴).

(تاکید از خود دیمیتریف است) رفیق ما شونیز به تبلیغات کامل کننده و برگوشیهای روشنفکری شدیداً حمله و رمیشود و از جمله بدین منظور "مبارزه ای علیه سبک الگو - سازی در حزب" را سازمان میدهد، که با نقد برخورد روشنفکری به تبلیغ میگوید انگار این روشنفکران "اصلاً خیال ندارند کسی مقالات شان را بخواند و یا بگفتار شان گوش فرادهد". او به اعای حزب دستور میدهد:

"زبان توده ها را که گنجینه ای غنی و زنده است با موزندتا تیر تبلیغاتشان به هدف یعنی نفوذ در توده های وسیع اعات کند (۵) با بد زبان توده ها را فرار گرفت، ضرب المثل - ها، استعارات، فولکلور... را آموخت و با این زبان زنده برای توده ها تبلیغ کرد. باید بدانیم که سخن نگفتن با زبان توده ها موجب میشود که چه بسا ما با توده ها به محتوای انقلابی تبلیغ مانیرتوجهی نکنند، مثالی که رفیق دیمیتریف ارائه میدهد بسیار عبرت انگیز است. او از سخنرانی یک فاشیست و یک کمونیست در میتینگ کارگران بیکار سخن میگوید، که فاشیست با احاطه به زبان توده ها و با استفاده از شیوه های مناسب تبلیغ، ایده ارتجاعی را مورد توجه کارگران قرار میدهد، در حالی که رفیق کمونیست که به طر کمونیست بودن بسیار مورد توجه کارگران است و کارگران بزرگ دشمن را وادار به پذیرش سخنرانی او میکنند، آنچنان روشنفکرانه سخن میگوید که فقط برای کارگران کسالت بار میا ورد و در این فرصت مناسب دشمن او را که علیرغم صحت و درستی گفتارش مورد توجه کارگران نیست، از میز خطا به دور میکند. (۶)

- ۱- رومن رولان - زبان کریستف، جلد ۲
- ۲- لنسن - گرایش قهرانی در سوسیال دمکراسی روسیه
- ۳- لنسن - درباره مرا مانا ه دوفو
- ۴- دیمیتریف - سخنرانی "وحدت طبقه کارگر درباره بر فاشیسم" نقل از هجوم فاشیسم.
- ۵- مانا - مبارزه علیه سبک الگوسازی در حزب

استثنائی قائل شوند و برگروه خاصی تاکید ورزند، حالا چه شده است و کدام "دمکراتیسم انقلابی" حکم میکند که مجاهدین فقط بر زندانیان مجاهد را رورزند؟ چرا جهت مرز بندی با زندانیان لیبرال و فدا انقلابی و در دفاع از زندانیان مترقی و انقلابی و کمونیست شعار: "زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها، آزاد باید گردد" یا چیزی نظیر آن انتخاب نمی شود؟ این اعضا و هوا داران انقلابی مجاهدین هستند که با بد به این سوال پاسخ دهند.

گرامی بادیاد شهیدان
بخون خفته آذرماه

■ - در شاه راه های گذشته با در قای شهید
بخش منشیان از م. ا. را گرامی داشتیم
ایک با د شهیدانی دیگر را گرامی میداریم
■ - رفقای فدائی سیروس سپهری، بهروز
سپهری و زبا (افسانه لای کرد)، ا. ا. د. الیه
دوست، زهر آقایی قلبکی، پرویز منیر مسلم
یولفا منیجکه همدانی، عثمان کریمی.

امروز مردن روبرو نیست اکثر نیست
(فدا شدن) به عیب میگوشتند خود را وارث مبارزه
رفقای انقلابی که تا پای جان در راه رها نمی
زمنگشان مبارزه کرده و حاضر به شکستن عهد و
پیمان نشان با خلفای زمنگشان ما نشده، نشان
دخولی بین آن رفا و این مرتدین مجیزگو
در باقی از خون و کینه طبقاتی فاصله است، این
شهادت ربطی به خائنین اکثریت فدائی ندارند،
- شهدای انقلابی گروهیان دوم اسماعیل
سلامت بخش و سر باز زولیفه ناصرالدین امیدی
نمونه های از پرستار انقلابی ارتش شاه
که حاضر شدند «ما» زمنگشان را در راه بقای
رژیم منقور شده امپیکال تند و دروغا شورای ۵۷ پس
از بهلاکت رساندن ۶۵ «مردور» را درجا ویسند
شانها می «شهادت» در میدان.

✽ - رفقای شهید مسعود مای، ماهر خ فیال
جلال دهقان، رحیم شکری، حسن زکی زاده، مینا
رفیعی، محمد علی، یاربا.

جرمان ارتجاعی "حزب رنجبران" "سرای
تظهير گذشته سازگارانه اش تلاش ميكنده كه اين
شهيدان را بخود منتسب سازد، اين رقبا با ضد
انقلابيون "رنجبران" همانقدر فاعله دارند
كه روزه بها با كبا تنوري هاي خاشن ! عامل اصلي
شهادت اين رقبا عنصر خاشن سيروس بها وندي
بود كه روابط ويژه اي با رنجبري هاي خاشن
(با زمان "انقلابي" 3 زمان) داشت ، زندگي
مهاوزاتي وكذشته انقلابيشان را راه براي هر
سو استفاده رويونيست هاي سه جهاني "رنجبران" ميبدد
خاطره همه شهيدان راه رهايي خلق
آودانه باد!

توضیح و پوزش:

دریا دنا مه رفیق بیکا رگر شهید حسین -
نورانی (بیکا ۸۱) اشتباهاتی رخ داده است که
با پوزش تصحیح مینمائیم:

۱- تا ریح تولد رقیق ۱۳۳۷ میا شدنه
۲- شهادت رقیق هنگام حفر سگرنه بوده، گرچه رقیق با رها و بطور خستگی نا پذیر برای زمستان سگرمیکنده تا دما ت جنگ را به حداقل برساند و بطریق رهنمود دستور تشکیلاتی در منطقه مانده و به تبلیغات سیاسی و مبارزی به جنگ زدگان میپرداخت ولی هنگام شهادت مشغول عبور از خیابان بوده است.

هیئت بررسی شایعه شکنجه!
به رو باد گفتند: شاهدت کیست؟ گفت: دمم!

ند. او یکبار پس از افشای خبرهای انقلابی و کمونیستی علیه خودش و پس از آنکه اسناد همکاری او با ساواک معروف خاص و عام شدنی یک سخنرانی در جهرم گفت که در مجلس شرح خواهد داد که چرا با ساواک همکاری داشته‌ولی چون تصویب اعتبارنامه‌اش از پیش انجام نشده بود سروصدا بش رادشیا ورد، زیرا که منع حزب نبود، بشارتی پس از قیام بهمین در کمیت سلطنت آباد به تعقیب و تکتنه خبرهای انقلابی می پرداخته مدتی هم در کردستان در سرکوب خلق کرد و نیروهای انقلابی بهمین بوده است، بشارتی برای پوشاندن چهره کریم ساواکی خود و فریب دادن جهرمیها، عکس هاش از خود در حال محبت با آیت الله خمینی را چاپ کرده و به جهرم فرستاده بوده تا زمینه گاندیداشی خود را در انتخابات مجلس را فراهم نماید، حالا بشارتی عضو هیات بررسی وضع زندانیان است.

نتیجه تحقیقات این صراحت از پیش معلوم است :
شکجه کمونیستها و انقلابیون نه تنها محار
است ، بلکه خونشان نیز حلال میباشد ! تا هدی که
رئیس جمهوری اسلامی در این رابطه برای خود
تراشیده آدم را بیا درو با هی می اندازد که با و
گفتند شادت کیست ؟ و او دم خود را نشان داد !
سند بر صفحه اول از گزارش همکاری بشارتی
با ساواک است ، همین یک نمونه "ملاحضت"
ایشان و مجلس شورا را بر او تحقیق در امر
شکجه انقلابیون "ثابت" میکند ! اینطور نیست ؟

۳۸۴۳۴۴
 ۳۵۷۴۵۶
 ۳۱۱
 ۳۱۱
 ۳۱۱

[illegible]

طی دوسال گذشته می‌گفتند ساواک وجود ندارد (ولی بجای آن ساوا ما... بود) می - گفتند دیگر زندانهای دوره رژیم سابق خبری نیست (ولی بود) می‌گفتند شکنجه و شکنجه‌گر هرگز وجود نخواهد داشت (ولی این جزدروغ نبود و نمی‌توانست غیرا این باشد!) زندانهای فراوان شاهد شکنجه‌های گوناگون کارگران، مبارزین، خلقهای تحت ستم، کمونیستها و انقلابین است، شکنجه‌هایی که آن را لباس "حذر عی" دستور حاکم شرع، "تادیب" و غیره پوشانده اند. طی دوسال گذشته، مبارزه انقلابی توده‌ها چاره را بر ضد انقلاب حاکم تنگ کرد و لیبرالها برای عقب زدن حریف (حزب جمهوری اسلامی و همدستان) از فربادی که در درون زندانها بلند بودسو - استفاده نموده از زبان بنی صدریه وجود شکنجه "اعتراف" کردند، لیبرالها "بل" گرفتند و اعتراض مبارزانها را علیه حریف پیش کشیدند. لیبرالها البته با شکنجه و اعدام و قتل عام زمینشان مخالف که نبودند هیچ، آن را تائید هم می‌بودند. مگر بنی صدری از ترور جنايت کارانه رهبران خلق ترکمن نگفته بود اگر من هم بودم همین حکم را میدادم؟!

این "تو" کلبیرالها از "حزبها" و "خط
امامی"ها گرفتند رژیم را بدجوری به مخمسه
انداخت. رژیم خواست آبرویش را بخرد و روی
"بودن و یا نبودن" شکنجه در زندانها، با اصطلاح
تحقیق نماید. این یک عقب نشینی در برابر
مبارزات مردم آنها از سر درمآوردگی بود!

یک عقب نشینی برای فریب، آژان نسوع که در سال ۵۶ در قبال مساله شکنجه ساغ داشتیم حالا رژیم در بدربند نبال "شا عدا دل" رفته است و جرم محمد منتظری و علی محمد بهشتی کسی را برای "کمیتسه تحقیق" نیافته است. این دو نفر چه کسانی هستند؟ ما اولی را به تفصیل در سه شماره پیکار ۶۹ تا ۷۱ افشا کرده ایم، و این درستی به همین رژیم میخورد، که گفته اند: "بیله دیگ، بیله چنندر!" و دومی را هم که یک خا شن همکار سا واک است ما در پیکار ۴۷، مورخه اسفند ۵۸ با سند افشا نموده ایم. او را "مجلس شورای اسلامی به نمایندگی قوه مقننه" برای این کمیتسه برگزیده است. اولی فرزند آیت الله منتظری است و از اعضای موسس حزب جمهوری اسلامی بوده که اخیرا با بنی صدر نزدیک شده است. او از کسانی است که صرا دات حا دل قیروز قیل از انتخابات آمریکا هم که شده گروگانها را آزاد کنند چرا که به قول او اگر د مکر اتها بر سر کار رسا بینه پنهتر از جمهوری خواهان است!

دومی (علی محمد بشا رتی) به لطف حمایت حزب جمهوری اسلامی و "مکتبی" بودن سرازندوق انتخابات چهارم مدرآورد و نماینده مجلس اسلامی

Handwritten text in Persian script, likely a signature or official stamp, with the date ۱۳۲۳ (1323) visible.

بقیه از صفحه ۵ پرتاب...

را مسئول این جنایت معرفی کرده اند و جنین را نمود کرده اند که آنها از این کارها نمیکند و گروههای سیاسی دست به این اعمال میزنند اما راستی این مزدوران ارتجاع و سرما به کی را میخواهند بفریبند؟ مگر خلق ما در عمل، حدود گروههای سیاسی انقلابی و چگونگی برخورد آنها را با مردم ندیده و با کشت و پوست خورد احساس نکرده که آنها در راه منافع خلق از هیچ کوششی و حتی فدا کردن جانان بعنوان هدیه ای با چیره خلق گونا گوی نکرده اند؟ به هر حال این هم نمونه ای دیگر از اخلاق اسلامی سرکوب کران خلق بود که بقول خمینی رفتارشان با جوانمردیهای مدراسلام را باید وارد! و در اینجا منت موا مفریاتی همچون حزب خائن توده و چریکهای فدائی (اکثریت) که سعی میکنند این جلادان را خلقی و انقلابی و فدا میربالست قلمداد کرده و مردم را به تها دبا آنها و در واقع تسلیم شدن به آنها بکشاند، بخوبی باز میشود و ما هیت و رسالت آنها که خدمت و نوکری سرما به داری حاکم میباید روشن میشود.

این مسئله بخوبی نشان داد که با این جلادان هیچ راه دیگری غیر از مبارزه ای امان و بیکی و وجود ندارد و فقط در مبارزه ای سی و فقه از راه گسترش حرکتهای اعتراضی بر علیه آنها میتوان به حقوق حقه خود رسید و باید با تشدید هر چه بیشتر مبارزه برای آزادی فرزندان در بند خود و نیز مقاومت هر چه بیشتر در مقابل اعمال ضد خلقی این سرکوبگران آنها را وادار به عقب نشینی نمائیم.

یکی از پایگاههای

مزدوران بعث "رزگاری"

بنصرف پیشمرگان کومه له درآمد

هورامان ۵۹/۸/۲۸:

پیشمرگان کومه له در جریان حمله به یکی از پایگاههای مهم رزگاری در روستای "دهل" هورامان، سنگرهای آنها را در بلندبهای "بانه دهل" محاصره کردند و طی یک نبرد سه ساعته آنها را به تصرف درآوردند. در این درگیری یکی از مزدوران بعث "رزگاری" کشته و ۷ نفر از جمله فرمانده آنها بنا می شیخ شهاب ویرا در شیخ - رمغان دستگیر شدند. همچنین مقاومت دیرزمانه مسلحان مل مسلسل دوشکا، خمپاره انداز و چند قبضه کلاشینکف و برنو و مقداری فشنگ بدست پیشمرگان کومه له افتاد. در جریان این درگیری یکی از پیشمرگان فداکار و دلسوز کومه له ازبیل شهید جمشد (هورامان) بنام "علی قمری" به شهادت رسید. (خبرنا مه ۹۶ کومه له)

غرضی اعلام میکند:
اهواز جزو مناطق جنگی نیست

غرضی اسناد از خورسان در خبرانی چند روز قبل خود اعلام کرد اهواز جزو مناطق جنگی نبوده و هر کارگر و کارمند ۱۰۰۰ ای که غنیمت نماید هیچگونه عذری در رابطه با رفتن از شهر و ۱۰۰۰ از او پذیرفته نمیشود و اخراج خواهند شد و تهدیدهای دیگری در همین زمینه.

حال برای آنکه نشان دهیم چگونه رژیم با تبلیغات دروغین خود سعی میکند وضع و احوال اهواز را عادی جلوه داده و مردم هر چه بیشتری را برای کشت دم نوب شدن به شهرها بگرداند، تلفات و خساراتی را که در روزهای ۱۶ و ۱۴ آذر ماه بر اثر اصابت توپهای ارتش مزدور عراق به

مراسم چهلمین روز شهادت رفقا

محمود اشرفی و منوچهر نیک اندام

آرمان سرخ رفقای شهید بود از طرف سازمان پیکار... فرستاده شده بود. همچنین دسته گل - سرخی که از طرف سازمان پیکار... کمیته خوزستان تهیه شده بود سر مزار شهید قرار میگرفت یکی از رفقا از آرمان رفقا و علت به شهادت رسیدن آنها و دیگر کمونیستها سخن گفت.

پس از اتمام صحبت رفیق، وصیت نامه رفقا محمود و منوچهر، پیام سازمان پیکار به عزیزان شهید، شعری از ستروک بنام "آنها هیچگاه نمرده اند" خوانده شد در تمام مدت جمعیت شرکت کنندگان با دادن شعارهای "زننده و جادیدباد شهیدان خلق"، "پیکار وگر شهیدم قسم بخون پاکت راهت ادا مدهم" نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی و آمادگی برای ادامه مبارزه در راه منافع کارگران و زحمتکشان نشان دادند. (بمنقل از خبرنا مه ۱۰ جنگ کمیته خوزستان)

در بزرگداشت چهلمین روز شهادت رفقا محمد اشرفی و منوچهر نیک اندام، مراسمی از طرف هواداران سازمان پیکار در آغا جاری و با شرکت بستگان و آشنایان دو شهید و نیروهای انقلابی برگزار شد.

در فاصله بین امیدیه و مزار رفقای شهید جمعیت درماشین ها سرودهای ای رفیقان، بشمرکه، انترنا سونال، پیکار خونین، خلق - ترکمن را میخواندند. همچنین در بین راه رفقا و آشنایان شهید در مورد آرمان رفقای شهید و چگونگی اعدامشان، در مورد مسئله جنگ و منافع هیئت حاکمه از این جنگ و اینکه این مسئله هیچ عایدی بجز کشتار و آوارگی و... متعجب کارگران و زحمتکشان نمیکند، صحبت کرده و آنها را برای مردم توضیح میدادند. بر مزار شهیدان سرخی از گل که نشانگر

بقیه از صفحه ۷ تظاهرات...

داران، علیه زحمتکشان (از فرزندان انقلابی خود و پیشمرگان قهرمان حمایت میکنند. تظاهرات دانش آموزان انقلابی و مردم زحمتکش با حمله به داران و جاشا ختم یافت. همچنین در همین روز دانش آموزان مدارس "ثاقفانی" "مهرگان" و "غزالی" نیز در محله های اطراف چهارباغ و پیرمحمود... به دادن شعار برضد رژیم پرداختند. در مدرسه داریوش سابق نیز چندین نفر از دانش آموزان انقلابی توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند. بنا به گزارش، در این روز در تمام مدارس سنج دانش آموزان انقلابی با تظاهرات و راهپیمایی های خود، به مبارزه برضد رژیم ارتجاعی دست زدند.



به استقبال جنبش اوج گیرنده توده ها بش تائیم

زحمتکشان همدان و مصادره انقلابی انبار دولتی

فقر و فلاکت و گران شدن نان و اجاره و زحمتکشان ما سنگینی میکند و توانایی رژیم ارتجاعی در پاسخ به خواست زحمتکشان آنان را به طرف حرکات انقلابی و مستقل میکنند. در تاریخ ۲۷/۸/۵۹ از زحمتکشان شهرک همدان و از ده هزار نفری "لاله جبین" که در ۲۶ کیلومتری همدان قرار دارد و دارای ۹۰۰ کارگاه فعال و سرمایه سازی میباشد، به یک انبار دولتی که مسئولین رژیم روغن نباتی مورد نیاز مردم را در آنجا انبار نموده و از بخش آن جلوگیری می نمودند هجوم برده و آنرا به شاوی بین خود تقسیم مینمایند. اینگونه حرکات و مبارزات توده ها نشان از رشد و آوج گیری جنبش دارد و از اینرو وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی است که با شرکت فعالانه در این مبارزات، جنبش توده ها را از حالت خود بخودی خارج نموده، آنرا از افتادن به دام انواع انحرافات مصلوب ساخته و با رهبری صحیح، آنرا در جهت انقلاب فرارoad هدایت نمایند.

شیراز: اعتصاب غذای پیروزمند انقلابیون اسیر

فرزندان انقلابی خلقهای ایران، در زندان های رژیم جمهوری اسلامی، همچنان به مبارزه ادامه میدهند. انقلابیون زندانی در "عادل آباد" شیراز با موفقیت در رسیدن به خواستهای صنفی خود با اعتصاب غذای خود پایان دادند. مبارزین در بند با مبارزه خود توانستند ۱- وقت ملاقات را از ۱۵ دقیقه به ۲۰ دقیقه برسانند. ۲- علاوه بر هوا خوری معمول از ورزش صبحگاهی در هوای آزاد برخوردار باشند. ۳- پول باشگاه ورزشی و آب گرم را نپردازند. ۴- در کیفیت غذاییشان تغییراتی بدهند.

پیروزی این اعتصاب غذا با تکیه بر روحیه انقلابیونی است که با مقاومت و پایداری حتی در زندانها نیز دست از پیکار برنمی دارند. آنها بر علیه شرایط طاقت فرسای زندانها به مقاومت و مبارزه برخاسته و با استواری در برابر ترس و تهدیدهای رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی میکنند و زندانها را با مبارزه خود به لرزه در می آورند. ما با ارج نهادن مقاومت و دلوری انقلابیون در بند به کلیه آنها و بویژه به رفقای هوادار که با

ادامه پیکار در درون زندان شیراز در تفریح و مبارزاتی آن سهم بسزائی دارند و درود میفرستیم! اخبار واصله از زندانها حاکی است که رفقای ما دلاوران، ولایت کمونیستی خود را نشان داده و در ارتقاء سطح مبارزاتی زندانها و آگاهیهی بخشیدن به زندانیان عادی میکوشند. آری زندان نیز نمیتواند مانع مبارزه انقلابیون در بند باشد.

یاران در بند!

دستان را بگیریم میفشاریم، پیروزی را تسریع میگوئیم و میکوشیم که جای خالی شما را در سربلندی خارج از زندان، هر چه بیشتر پر کنیم، به امید روزی که دستان پر توان خلق بار دیگر در سایه جلالها را بگیرند. آنروز برینست.



جان رفقا صالحی و دکتر سبزو قبا در خطر است!

رفقای انقلابی صالحی (دانشجو) و دکتر سبزو قبا (استاد دانشگاه) که از زمان یورش ارتجاع به دانشگاهها در زندان احوال بسیار بد دارند در خطر اعدام قرار دارند. رفقا همزمان با رفقای شهید موه، دانشیالی، نریمسا و علوی شوشتری دستگیر شده اند. رژیم با استفاده از موقعیتی که جنگ ارتجاعی کنونی برایش پدید آورده، قصد

بقیه از صفحه ۳۰ رهنمود...

مبارزه و از طرف دیگر این امکان را مهیا میسازد که در صورت وقوع حوادث ناگهانی، به تکیه ارسال سریع و مرتب کمکهای مالی که از جانب شما صورت میگردد، قدرت ما نورداشته و زمان بتواند به هدف خویش نائل گردد. فی المثل در شرایط کنونی که جنگ ایران و عراق پیش آمده هرگاه امکانات مادی که سریعاً ارسال گردد، اجازه میدهد که در اسرع وقت به تامین نیازهای مربوط به آن بپردازیم (از جمله کمیتههای امداد پزشکی و ...). همچنین اگر فی المثل اجاب ارتجاع ضربه ای بر امکانات مادی ما وارد شود، ارسال کمکهای فوری و منظم شما امکان میدهد که سریعاً به جبران ضربه وارد بر پیرایه و زیر و در فلان لیتمان وقفه ای ایجاد نشود

از اینرو ضروری است که کلیه رفقا، اعضا و هواداران، بهمیتهای مبارز ارسال کمکهای مالی خود را نظم بخشد و بصورت ماهانه و یا هفتگی آنرا ارسال نمایند. مثلاً اگر رفیق کارگری ماهانه ۲۵۰۰ تومان حقوق میگردد و به میزان ۴۰۰ تومان میتواند ماهانه کمک کند، به جای پرداخت کمک مالی پراکنده بصورت منظم هر ماه ۴۰۰ تومان برای سازمان ارسال دارد.

اعدام این دورفقی را دارد. با افشای نوشته های رژیم جمهوری اسلامی در مورد زندانیان سیاسی جان ایندو و انقلابی مبارز را از خطر مرگ نجات دهیم.

زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها، آزادیابید گردد!

آبکنار: یورش ناکام پاسداران به ماهیگیران زحمتکش

روزی پنجمین ۱۶ آذر ماه، پاسداران سرمایه و ماورین محیط زیست با یاری افراد گمروه ضربت به صیادان آبکنار (انزلی) که مشغول صید بودند حمله نموده با تیراندازی و ارباب قلمداد دره توره های ماهیگیری آنها را داشتند. بهانه آنها برای این یورش صید خارج از ساعت مقرر! بود. مردم پس از اطلاع به پشتیبانی صیادان برخاسته و نیروهای ارتجاعی را وادار به عقب نشینی و پس دادن توره ها نمودند. پاسداران ارتجاع پس از ناکام شدن اقدام به دستگیری یکی از صیادان زحمتکش مینمایند که بدست مردم آزاد میگردد. مبارزه زحمتکشان از من پیروزی آنهاست.

البته اگر بتوان مدت ارسال کمکهای مالی را هر چه کوتاه تر نمود (فی المثل بصورت هفتگی یا دوهفته یکبار) بسیار بهتر است و مانع سرایت از امکانات مالی بهره مند خواهد گشت. البته رفقای کارگرمیتوانند نیمه هر ماه نیز بصورت منظم کمکهای مالی پرداخت کنند. چه سر هر نیمه نیز "مساعده" دریافت میکنند، بدین ترتیب رفیق کارگرمی میتواند که ۴۰۰ تومان در ماه کمک مینماید میتواند در دوهفته ۲۰۰ تومان پرداخت کند.

رفقا! برای هر چه بیشتر منظم کردن ارسال کمکهای مالی اولاً کمکهای خود را به موقع (روزهای معینی از هفته یا ماه) ارسال نمائید، ثانیاً نام شهرستان خود را ختماً مشخص نمائید تا امکان حدالمدد و کمک خویش را با کد (و حتی الامکان با کد ثابت) ارسال نمائید، تا امکان تعیین میزان کمکهای مالی به سازمان توسط ارتجاع مهیا نباشد. رفقا در عین حال میتوانند به جز کمکهای مالی، هر نوع کمک مادی دیگر که مقدور است به سازمان بنمایند. رفقا همچنین با پدید جمع آوری و ارسال کمک مالی از سایر هممیهنان مبارز کوشش لازم را بنمایند! پیروزی باشد!

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

«ملاحظات کوتاه»

«الباس سرکیس مسیحی» بکمک جمهوری اسلامی آمد!

در ملاحظات شماره قبل یکی دوستان از «چشم‌بندی» آقای رفسنجانی را آوردیم، او که در سفر به کشورهای عربی به ساخت و پاخت و پاختی با همپا لکی‌های ضد انقلابی مثل حافظ اسد رسیده بود، قصد «رنگ کردن» مردم را داشت و در ضمن گزارش خود از قول «الباس سرکیس مسیحی» رئیس جمهوری لبنان گفت:

«اما مدتی را در لبنان نشسته اند و شما را در روح انقلاب را در مردم و باطن در منطقه می‌دهند» رفسنجانی از قول همان جناب افاضه کرد که «انقلاب ایران برای او اعجاب انگیز است و آن را میتوان با انقلاب کبیرا فرانسه مقایسه نمود» (روزنامه‌های ۱۰ و ۱۱ آذرماه).

ملاحظه نویسنده با شنیدن این حرف‌ها بیاد منبری‌هایی افتاد که طی سال‌های گذشته با از سرکردن نام چند نویسنده خارجی‌ها از قول کالای انگلیسی و گوستا و لوبون فرانسوی و با فلان استاد غربت‌دانشگاه‌ها را رویا جرح - جرداق مسیحی لبنانی در اثبات و مفید بودن دین «دلیل» می‌آوردند، آقای رفسنجانی دست آنها را از پشت بسته و از لباس سرکیس رئیس جمهوری مسیحی لبنانی در تائید انقلاب اسلامی ایران دلیل می‌آورد، بد نیست بدانید آقای سرکیس کیست که حرف‌هایش اینقدر آقای هاشمی رفسنجانی را خوش آمده است؟

سرکیس یک سرمایه‌دار معروف لبنانی است که سال‌ها در وزارت رئیس‌بانک مرکزی لبنان بوده است، اگر به اهمیت بیروت بعنوان بازار بورس و مرکز مبادلات پولی امپریالیست‌ها در منطقه خاور میانه توجه کنیم، نقش سرکیس بعنوان نماینده الیگارشی مالی لبنان - که در وابستگی اش به بازار امپریالیستی حرقی نمیتوان داشت - بهتر بر ما روشن میشود.

نیروهای ارتجاعی لبنان حاکمیت خود را از طریق رکن ۲ ارتش که یک سازمان مخفی پلیسی نظیر ساواک شاه است همواره و تاکنون اعمال کرده‌اند، سرکیس با این سازمان دارای پیوندی ناگسستنی است. هم‌اکنون شبه حکومتی که سرکیس در آن قرار دارد از طریق رکن ۲ برجا مانده است. سرکیس با فائزیه‌ها و بسا سرگرد سعد حداد که دست‌نشانده‌اش را شیل در جنوب لبنان است نیز دارای هماهنگی است.

اینکه چرا آقای سرکیس به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخته و چرا آقای رفسنجانی پس از ساخت و پاخت و پاخت‌هاش در خارج کشور خواسته است مردم را فریب دهد و رنگ کند، نکته‌ای قابل بحث است و مسلمانان و مسیحیان و یهودیان و...

حزب جمهوری و لیبیرالها (عموما لیبیرالها خصوصا) با بدو لا کل رژیم یعنی هردو جناح حزب (و در همین رابطه شخص خمینی) و لیبیرالها به شدت در نزد توده‌ها افشا و محکوم شوند و نتایج در شرایط فعلی لیبیرالها را که میکوشند در موضع اپوزیسیون، مظلوم‌نمایی کرده و چهره خیانت - کارانه و کربه‌خوار از توده‌ها بیوفا نهند هر چه بیشتر و بیشتر افشا و رسوا شوند.

۴- در کنار افشای بی‌ایمان کل رژیم همچنین افشای ماهیت آلترناتیوهای ارتجاعی‌ای چون بختیار و...، کمونیست‌ها را ستین وظیفه دارند، اولاً جریانات رومیزیونیستی حزب - فداشیان (اکثریت) و رنجبران را که هر یک بنحوی میکوشند، با تقسیم‌کار «رفیقانه» میان خود چهره‌های این بخش از بورژوازی را قلمزنی کنند، به شدت افشا نموده و توده‌ها و بخصوص طبقه کارگر را نسبت به ماهیت کارخانه و ضد خلقی آنها آشنا سازند.

۵- کمونیست‌ها همچنین وظیفه دارند، با توضیح و افشای مواضع لیبیرالی سازمان مجاهدین و بویژه رهبری آن و خطراتی که این مواضع برای جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما همچنین خود این سازمان (بعنوان یک سازمان دمکرات) دارند نقش فعال خود را در رها شدن این سازمان از دام لیبیرالها و جذب آنها به سمت آلترناتیو کمونیستی و انقلابی ایفا نمایند.

۶- در یک کلام کمونیست‌ها و از آن‌ها نمایان تمامی رفقای سازمان و هواداران، وظیفه دارند به بردن سیاست و خط مشی پیگیر کمونیستی به میان توده‌ها و در همین رابطه مرزبندی با جریانات سائرون پیگیر جنبش کمونیستی و افشای تمامی جریانات ناپیگیر، رومیزیونیستی، ارتجاعی و لیبیرالی و از این طریق بالا بردن آگاهی انقلابی توده‌ها، همراه با شرکت در جنبش توده‌ای، رشد و ارتقاء مضمون و شکل مبارزاتی و سازماندهی آنها و در همین رابطه تا مین و حدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر، نقش و رسالت خود را به بهترین وجه ایفا نمایند.

رفقا به پیش!
به استقبال جنبش اوچگیرنده توده‌ها بشتابیم!
طبقه حزب جمهوری، طبقه لیبیرالها،
زنده باد پیکار توده‌ها!



از انتشارات
جدید
سازمان:

سازمان انتشارات و نشر



سؤال و جواب
سخنرانی ایراد شده در دانشگاه

سوردف
۱۹ آبان ۷۳
۱۰ آبان

ترجمه

راهپیمائی های هواداران
سازمان پیکار در آمل

در ساعت ۴ بعد از ظهر سه شنبه ۹/۱۸ نظاره‌ای
از طرف هوا داران سازمان پیکار در محل —
"سیکا پل" ۲ مل برگزار میشود که در آن شعاری —
دادند:

زندان‌های سیاسی به همت توده‌ها آزادیا بدگردد"
 "کشتار و زخم‌کشان بدست پاسداران محکوم است"
 "آزحقی و گرامی، مردم به تنگ آمدند"،
 "آزادی سیاسی، حق مسلم ماست".
 در طول تظاهرات شوربیشتری به آن می‌بخشید
 و نایب‌المرکز آهنگ ۱۵۰ نفره و مت و میا رزه‌رادر
 گوش توده‌ها بصدا در می‌آورد.
 اعلامیه‌هایی که در طول تظاهرات پخش می-
 شوند با شورا و اشتباکی مردم، در گرفتن و خواندن
 آنها مواج می‌شوند.

در ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۹/۱۲ هوا داران سازمان پیکار از محله مصیبتان که یک محله کارگریست، دست به راهپیمایی میزنند در پی راهپیمایی مردم به راهپیمایان پیوسته و شعارها را تکرار می‌کنند. در محل تجمع مردم، یکی از هواداران سازمان، اعلامیه رفقای مادر مازندران را به جریانات اخیر می‌خواند که با استقبال زیاد مردم مواجه میشود.

روستا ثیان رو برو شد، چنانکه رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی با محاصره اقتصادی کردستان
ماهیست که مانع ورود مایحتاج مردم بویژه
روستا ثیان میگردد.

اما حزب خائن توده که حاضر به همه گونه نوکری رژیم میثا شد در روزنامه "مردم" بارها میسر را کباب افروخته و مهر پشمرگان پیکا ررسیده بود، چاپ و اینطور وانمود کرده بودند که گویا برنجها به مناطق جنگزده مرزی حمل میشده است (آخرا نظراین خاشنین، سنجندج مرزبان و عراقی و خلق کردکا فرووا بسته به بیعت عراقی میباشند.) (الباب این است که حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی هم عین این خبر حزب توده را در روزنامه خود چاپ کرده است و بدین وسیله بار دیگر نوکری و حلقه بگوشی حزب خائن توده را به شیاترسانید.

اما نظرم اکنونیست، مصادره اصول دولت که از یکدن خون زحمتکشان و چپاول شمره کار آنها بدست آمده است، امری است انقلابی و ما اینگونه مصادره‌ها را یکی از وظایف مبارزاتی خود میدانیم.

روز دوشنبه ۹/۱۷ نیز هواداران سازمان
پهکرا از سه راهی جا بکسر به طرف مسجد حاج علی-
کچک دست به راهپیمایی میزنند. شعارهای
از قبیل "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"،
"زندانی سیاسی آزادی یگردد" رانند
فریاد اعتراضشان به جنایات رژیم میشود.
(نقل از خبرنا مو یژه جدید ارتجاع در مازندران
شماره ۴ از انتشارات رفقای مادران استان)

مستوفى الخزانة العامة
٢٢٤٢



بانک مرکزی ایران
تهران، خیابان فردوسی

بانك بازرگانی ایران

شعبه حقوق

موضوع : گشایش اعتبارات جهت ورود کالا از کشور پاکستان .

اشاره به نامه شماره ۵۰۲/موظ ۱۳۵۸/۷/۲۶ بان بآب
بمطالع میرساند اعتبار چند جانبه آ.ری.سی.دی طبق نگردیده
برای گشایش اعتبار جهت ورود کالا از گشایش آ.ری.سی.دی طبق
بخشنامه های صادره این بانک کماکان بقوت خود باقی است.
خواهشمند است پس از گشایش اعتبار جهت ورود کالا روشنه
گشایش اعتبار را جهت صدور سند پیوسته بنام مرکز ایران ارضان فرمانده
ناوگان ازماء عمل آید.

اداره نظارت ارز

1891/2

تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۶

فارس، تیت ۴۱۵۷

اداره مرکزی : ایران شعبه ها : پانزده	شالی لشکرانی
۴۱۵۰۴۱۰۴۹	
	اداره مرکزی

ط.س. یا سرمایہ (2/500/000/000) دیوالیہ کے ناماً پرداخت شدہ

سانکس کزی ایران

ادار منطقات ارض

موضوع: گشایش اعتبار جهت ورود ۷ هزار متر برزنت از کشور پاکستان به مبلغ ۱۱۳۵۰ دلار مشمول

تعارفہ کمپنی ۲۵۹/۰۹

مختصراً به اطلاع میرساند آقای علی اکبر افشاری مشتری این شعبه درخواست گشایش اعتباری
به مشخصات فوق دارد . اینکه با توجه به اینکه پیمان آبر-سی دی با تغییر خلوص سه جمهوری-
اسلامی ملحق گردیده است لهذا باید پیوسته خواهند شد است نظیر خودتان را نسبت به اسامین
درخواست و اسکن گشایش اعتبار را بفرمایید . آزاد بیان اینکه اعلام فرمائید .

مانند سایر بزرگان ایران

شعبه اقتصاد



1954-55

برقرار باد جمہوری دموکراتیک خلق

کمکهای مالی دریافت شده

اصحیان:	۲۲۰۰۰ س
س ۲۴۰۰۰	۲۴۰۰۰ س
م ۱۳۱۰۰	۱۳۱۰۰ م
ک ۲۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰ ک
ج ۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰ ج
س ۳۰۰۰	۳۰۰۰ س

کلاچای: الف ۱۰۰۰ ریال
تقی ۱۰۰۰ ریال

بوشهر: الف ۹۴۰۰ ریال
ت ۶۱۱۰ ریال

رامهرمز: الف ۳۰۰۰ ریال
س ۵۵۰۰ ریال

اهواز: رفیق عمومی ۱۱۰۰۰۰ ریال
سرنا وظیفه جنوب ۱۵۰۰ ریال

سنندج: مادریشمیرک ۲۰۰۰۰ ریال
مادریشمیرک الف ۲۰۰۰۰ ریال

داراب: رفقای هوادار ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفیق دندانپزشک ۱۰۰۰ ریال

میانداوب: هسته دانش آموزی ۱۰۰۰۰ ریال
۵۰۰۰ ریال

بهنار: ۲۰۰۰ ریال
باصر: ۳۰۰۰ ریال
مریم: ۴۰۰۰۰۰ ریال
افسانه: ۸۰۰۰۰ ریال
فروغ: ۶۰۰۰۰ ریال
رشید: ۸۰۰۰۰ ریال
ع - م - ۷۰۰۰۰ ریال

ارومیه: ب ۹۵۰۰ ریال
کارگر هوادار ۴۰۰۰۰ ریال
کارمند هوادار ۴۰۰۰۰ ریال

ته کورد: ۲۰۰۰ ریال
۴۱۵۰۰ ریال
اسارتا کوب ۱۰۰۰ ریال

ماکی: رفقای هوادار ۵۰۰۰۰ ریال
هوادران ۵۰۰۰ ریال همراه با نامه ای رفیقانه

رهنمودی درباره کمکهای مالی

هموطنان مبارز!

همانطور که میدانید سازمان ما به تکیه ای کمک های مالی شما و سیزده رفقای کارگرمیتواند اهداف انقلابی خویش را به پیش برد! در شرایط کنونی که سازمان در مضیقه مالی غمار دارد، کمک های مالی شما بیش از پیش در پیشبرد اهداف سازمان نقش دارد و ضرورت بیشتری مییابد! رفقا مسئله کمک مالی نیز همچون سایر وظایف دیگر یک وظیفه میروانقلابی است که بدون آن سازمان نمیتواند فعالیت خویش را به پیش برد! این وظیفه انقلابی نیز مانند هر وظیفه انقلابی دیگر با بدست ناسمیت و نظم و انضاط تورا رگیرد! ارسال منظم کمکهای مالی شما بطور هفتگی از طرفی ما را از میزان امکانات مادی خویش آگاه بقیه در صفحه ۲۷

تهران:	۱۰۵۰۰ م	۱۲۰۰۰ ف-ج
۲۲۸۰۰ الف	۱۱۸۰۰ م	۹۰۰۰ ف
۲۱۸۲۰ ی	۱۱۳۰۰ م	۴۰۰۰ م-م
۲۸۰۰ ی	۲۲۰۰ ن	۱۳۰۰۰ د
۲۱۸۲۰ ی	۳۱۰۱۰ رشت:	۵۰۰۰ ت
۲۰۰۰ ب	۴۲۸۰۰ م-ک	۲۲۲۰۰ م
۲۰۰۰ ج	۲۴۰۰ م	۷۱۰۰ م
۱۴۴۰۰ ج	۴۱۵۰ ج-ن	۳۰۰۰ م
۵۸۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۶۰۰۰ م
۲۰۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م
۱۲۸۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م
۴۰۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م
۱۱۰۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م
۵۸۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م
۸۰۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م
۴۰۰۰ ج	۲۴۰۰ ن-ج	۲۴۰۰ م

تهران: ج - د ۵۰۰۰ ریال
م - م کارگر ۳۰۰۰ ریال
الف کارمند ۱۰۰۰ ریال
زهره - کارگر ۱۰۰۰ ریال
رفقای کود ۱۰۰۰۰۰ ریال
کارگر فروتنگاه حوادیه ۱۵۰۰۰۰ ریال
قهوجی - نازی آباد ۱۵۰۰۰۰ ریال
سرنا وظیفه ۱۵۰۰۰ ریال
بزرگان هوادار ۱۵۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی ۴۰۰۰۰ ریال
معلم خراچی - ن ۳۰۰۰ ریال
رفیق مادر - ک ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفیق ش ۲۰۰۰۰ ریال برای پیشبرد آرمان پرولتاریا
رفیق مادر لایسهای زمستانی جهت کردستان رسید
س - م ۱۰۰۰۰ ریال همراه با لباس برای پیشمیرکان
و نامه ات رسید.
ر - ف - ک - الف لباسهای شمار رسید.
بنفشه دانش آموز ۱۰۰۰۰ ریال همراه با نامه
صمیمانه ات رسید.
رفیق "م" از بازی آباد از کمکهای داروئی ات
قدردانی میکنیم.
رفیق مادر ۱۰۰۰۰۰ ریال که از طریق تهیه سرکه
فرستاده بودید رسید.
رفیق هوشنگ هدیه ات رسید.
رفیق شاهین هدیه ات رسید.
رحیم - ۹۳ لباس برای کومه رسید.
رفیق مادر خانه دار ۱۰۰۰۰۰ ریال همراه با نامه
بشور شما رسید.
رفیق هوادار رفیق حسن خان ۳۰۰ تومان
دانش آموز از کرج - ت - ۱۶ - ۵۰ تومان
رفیق بدر بولت برای تهیه خاری رسید.

اردبیل:	۵۰۰ ریال
ب ۵۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال
ب ۲۰۰ ریال	۲۰۰ ریال
ت ۲۰۰۰ ریال	۲۰۰۰ ریال
ش ۵۰۰ ریال	۵۰۰ ریال
ف ۵۰۰ ریال	۵۰۰ ریال
م ۵۰۰۰ ریال	۵۰۰۰ ریال

۱- آستانه - رفقای هوادار ۱۳۰۰۰ ریال
۲- آستانه - رفقای دانش آموز هدیه ات رسید
۳- سرا - ن - ۸۰۰۰ ریال
۴- سیاهکل رفقای دانش آموز ۳۰۰۰۰ ریال
۵- سلماس - رفیق معلم ۳۰۰۰ ریال
۶- لنگرود - رفیق دبیر ۱۰۰۰ ریال

تبریز: م - د ۳۰۰۰ ریال
راسته تا کسی ۱۵ لیتر بنزین
هسته ما ۲۵۰۰۰ ریال
هوادران در مرحله هدیه ۱۰۰۰۰۰ ریال
کارگر کفش ۱۰۰۰ ریال
ب - ف سرا از جبهه جنگ ۱۴۰۰ ریال
ع - سرا از جبهه جنگ ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفیق ص ۳۵۰ عدد نوار خالی ات رسید.

محمودآباد: رفقای هوادار ۲۰۰۰۰۰ ریال
معلم هوادار ۲۰۰۰ ریال
روستای ارملکا - مادر ۵۰۰۰ ریال

آستانه اشرفیه: هسته دانش آموزی ۱۱۵۰۰ ریال
دماوند - الف - ک ۶۰۰۰ ریال

ارومیه: پ - پ ۲۱۰۰۰ ریال
ک - س ۱۰۰۰۰ ریال
رفقای دانش آموز ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفقای هوادار ۲۰۰۰۰۰ ریال

بروجرد: ع - پ ۱۰۰۰۰ ریال
رفیق دبیر ۳۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی درفش ۲۰۰۰۰ ریال

رشت: ع - کارگر ۲۵۰۰۰ ریال
ع - معلم ۱۰۰۰۰۰ ریال
عده ای از دانش آموزان ۲۵۰۰۰ ریال
رفقای مدارس مهد دانش - فروغ - سرور
آلابوش ۲۳۵۰ ریال

لاهیجان: دبیرمهای بیکار ۱۳۰۰۰۰ ریال
ن - ل ۵۰۰۰۰ ریال
هوادران "سخت" ۱۰۰۰۰۰ ریال
هسته دانش آموزی ۲۵۰۰۰ ریال

سقز: ز ۵۱۰۰۰ ریال
م ۳۶۰۰۰ ریال
ه ۲۰۰۰۰۰ ریال
هوادران جنبش مقاومت ۱۷۰۰۰ ریال
دانش آموزان هوادار جنبش مقاومت ۵۰۰۰ ریال

قزوین: الف - م ۳۰۰۰۰ ریال
الف - پ ۲۰۰۰۰ ریال
م - م ۴۰۰۰۰ ریال
رفیق لوله کش ۱۰۰۰۰ ریال
کارگر برسی سبند ۱۰۰۰۰ ریال
رفقای هوادار نظر آباد ۲۰۰۰۰۰ ریال

۱- اتحادیه دانشجویان ایرانی در انگلستان
عضو اتحادیه جهانی هوادار ۲۰۰۰۰۰۰ ریال
۲- آلمان - فرانکفورت رفیق ب ۵۰۰۰۰ مارک
۳- آلمان - آخن: رفقای هوادار کمکهای
داروئی شما رسید.

۴- آمریکا - نورفورد رفقای هوادار ۴۵۰۰۰۰ ریال
۵- اردبیل - ت - ا هدیه ات رسید.
۶- اسلام آباد - پ ۴۰۱۰۰ ریال

۷- اندیشک - رفقای هوادار ۱۰۴۰۰۰ ریال
۸- بانه - ج ۵۰۰۰۰۰ ریال
۹- بوکان - س ۶۵۹۰۰ ریال

۱۰- بروجرد - الف کارگر آسفالتکار ۲۰۰۰۰۰ ریال
۱۱- رنجان - دهقانان مبارز ۳۰۰۰۰۰ ریال
۱۲- شست - ه ۸۷۰۰۰ ریال

۱۳- کرمانشاه - (همراه با نامه) ۴۰۰۰ ریال
۱۴- گسار - ان رفقای هوادار ۵۰۰۰۰ ریال
۱۵- کازرون - ش - ۱۹۱۷ هدیه ارزنده ات رسید.

۱۶- جالوس - ب ۲۰۰۰۰۰ ریال
۱۷- ماهشهر - ۳۰۰۰۰ ریال
۱۸- ورامین - الف ۳۱۰۰۰ ریال

۱۹- نوشهر - ۱۰۰۰۰ ریال
۲۰- مازندران - دهقانان مبارز روستای
ارم ۱۰۰۰۰۰ ریال
۲۱- مازندران - زنان خانه دار روستای ارم
کمکهای مالی تا رسید.

۲۲- کرگان - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰۰ ریال
کمکهای مالی که محل ارسالش معلوم نیست:

ش ۴۵۰۰۰ ریال | ک ج ۶۱۰۰۰ ریال
پ ۴۰۰۰۰ ریال | م ۱۰۰۰۰۰ ریال
س ۸۰۰۰۰ ریال | د - ا - پ ۳۵۰۰۰۰ ریال
امید ۴۴۰۰۰ ریال | ک - ج ۴۰۰۰۰ ریال

رفیق مهدی! ۵۰۰ ریال همراه با نامه رفیقانه ات رسید.

بقیه از صفحه ۲۲ جدال ...

شدیدی را از سوی آنها علیه سنی مدرولیبیرالها بدنبال داشت .

در راهپیمایی چند هزار نفره ای که در همین رابطه از سوی حزب در هفته قبل در قم برگزار شد، جمعیت شعار میدادند: "فسادپس لاری ولایت فقیه است" و در قطعه همراه راهپیمایان آمده بود: "از مجلس میخواهیم که هر چه زود تر دفتر همکاری های مردم با ریاست جمهوری را که لانه فساد شده و تمام گروههای فساد انقلاب در زیر پوشش آن توطئه میکنند، منحل نمایند" (۲)، در اوایل هفته گذشته، ۶۷، نماینده مجلس به سردمداری آیت طای یک نامه به رئیس مجلس مریخا خواستار "تحت پیگرد قرار گرفتن" بنی صدر بجرم "افشای اسرار حیاتی کشور، بخصوص در زمان جنگ" (۳) شدند، هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه تلویزیونی اش در روزهای اخیر در مورد عدم انتخاب وزیر خارجه، مسئولیت آنرا از بنی صدر دانسته و تهدیدکنان گفت: "اگر بیش از این کوتاهی شود، مجلس دیگر تحمل نخواهد کرد" (۴) دست آخر و مهمتر از همه اینها با یاد از تصمیم آیت الله منتظری و دیگر روحانیون و امام جمعه های شهرستانها مبنی بر دعوت به راهپیمایی مردم جهت حمایت از روحانیت و ولایت فقیه در روز ۲۷ آذر یاد کرد، این راهپیمایی که در واقع "رفراندم" حزب جمهوری بر علیه بنی صدر و لیبرالها بود، در صورت وقوع ابعاد بحران را بدون تردید گسترده تر و در عین حال عمیق تر میکرد، اما این راهپیمایی از سوی آیت الله خمینی لغو گردید و او کوشید تا علیرغم حمایتهای اخیرش از حزب مانع از بحرانی تر شدن اوضاع گردد، در این مورد و بخصوص عوامی چون شرایط جنگی کنونی حمایت ارتش از بنی صدر، حمایت در مجموع بیشتر آمریکا از لیبرالها، میزان نارضایتی توده ها از جناح حزب و در همین رابطه امکاناتی که لیبرالها برای جلب توده های نارضایتی در اختیار دارند و... برای تحمل بنی صدر در شرایط کنونی موثر نبوده اند.

مساله اساسی در اینجا این است که علیرغم لغو راهپیمایی از سوی آیت الله خمینی، بهیچ وجه تضادها فروکش نکرده و تمایل به اعمال هژمونی کامل بر لیبرالها، بعنوان یک تمایل اساسی در سیاستهای حزب باقی خواهد ماند. لیبرالها نیز بیش از پیش به موضع اپوزیسیون رانده شده و آنجا که توانائی زیادی در فریب توده ها و سوار شدن بر امواج نارضایتی و جنبش توده ها دارند، افشای آنها با پدیکه از منافعی اصلی تبلیغی گروههای کمونیستی و انقلابی را (در کنار افشای حزب جمهوری) تشکیل دهد.

بهر صورت ما در آینده با همشا همدست فساد

بقیه از صفحه ۲۲ آزادی ...

نمایند و آمریکا را که از این گروگانگیری خوشنود نبود، با حل مسئله خوشنود سازد بدین ترتیب حزب که فریفتن توده ها در این مورد را نیز می - کوشید به کائنالی برای بازسازی سرمایه داری وابسته بدل کند، اکنون روابط عادی با آمریکا را بر سر ترخیص می دهد و در این راه از هیچ زبونی و خواری سبزه روگردان نمیشود، به سخنان رجائی پس از ملاقات و تصویب نظراتش توسط آیت الله خمینی توجه کنید:

"انشاء الله امیدواریم که بزودی مسئله ای بین گروگانها نهاده شده با شیم... زیرا همچنانکه قبلا هم گفته ایم این مسئله برای ما، بصورت یک مسئله مرده ای است، برای اینکه دیگر از دست و پا گیری وقت گذرانی بیرون آمده باشد، جوابها شئی تهیه کرده ایم که بعنوان آخری - بن با سخ بونیله نما بنده دولت الجزایر که برای همین منظور به ایران آمده است، بدولت آمریکا اعلام خواهد کرد. دیگر این آمریکا است که میتواند هر موقع یا هر روز برای عیدیا تولد یا هر مسئله ای که میخواهد جاسوسان را از ایران ببرد." (جمهوری اسلامی، ۲۶ آذر ماه)

وقایع اندازده دارد! یکسال گوش خلق را با، تبلیغات تان مبنی بر محاکمه جاسوسان، محاکمه آمریکا، لیسم، تحقق خواستهای فدا میریالیستی و... کر کردید، توده ها را فریفتید و امواج خروشان توده ها بر علیه آمریکا لیسم منحرف گردید و حالا میگوئید، "این مسئله مرده است" و انشاء الله دیگر چنین مسئله ای نخواهید داشت و "آمریکا بجای سواش را ببرد... آریا توده ها، شایه سیاسی شما را خواهند بخشید؟ آیا توده ها شئی پرسند آه همه تبلیغات چنین و چنان تان در مورد محاکمه جاسوسان و... چه شد؟ آیا توده ها فریبکاری شما را خواهند بخشید؟ می دانیم که خبر، اما آش آنقدر شورش است که صدای لیبرالهای که از اول مخالف گروگانگیری نیز بوده اند، در آمد، بنی صدر که در نامه "محرمه" اش به آیت الله خمینی (ضمیمه پیکار ۸۳) اظهار تاسف کرده بود که اکنون این مسئله از موضع ضعف و تسلیم حل میشود، کسی که خود بیش از همه خواهان عادی تر شدن روابط با

آمریکا لیسم آمریکا بوده است، در مصاحبه اخیرش (انقلاب اسلامی، ۲۵ آذر) میگوید که اگر به خواستهای مجلس (که قبلا گفتیم تا چه حد سازل و حقیرانه بود) پاسخ ندهند، مسئله بنیستی حل شود، در صورتیکه آقای رجائی "فدا میریالیست!" به آمریکا شایه میگوید "تضمینهای مالی به وسیله دولت الجزایر برید و هر موقع که خواستید گروگانها را ببرد" (همانجا) جالب است که لیسم روابط عادی داشته باشد و آمریکا بگوید، که تنها با لیبرالها نیست که میتواند بنیازد، "آنها نیز خا فرند!" حزبها که خود اکنون بر بسیاری از مستندهای قدرت بنسخته اند اگر تا دیروز روابطی را که لیبرالها با آمریکا لیسم برقرار میکردند، کفر میدانستند، امروز خود زبونانه و ملتمانه میکوشند همان روابط را با آمریکا لیسم برقرار سازند، در این میان آمریکا لیسم که زبونی رژیم را برای آشتی دیده است، میکوشد مسئله گروگانها را با دادن حداقل امتیازات و گرفتن بیشترین امتیاز بسود خود حل نماید، بدین ترتیب برعکس سابق که آمریکا برای حل مسئله فشاری میکرد اکنون رژیم است که ملتمانه خواهان آزادی گروگانها و آغاز روابط عادی گشته است، اگر سخنان زبونانه رجائی که با التماس خواهان عادی تر شدن روابط با آمریکا لیسم آمریکا هستند، چهره رژیم را بیشتر عربی میکند و صحت نظرات سازمان ما را در خصوص گروگانگیری آشکارتر میسازد، درس بزرگی نیز برای توده های میلیونی میهن ما خواهد بود و آن اینست که: به کردار دولتمردان بنگرند و به گفتارشان چه بسا دشنامهای فدا میریالیستی که از سوی همداستان آمریکا لیسم داده میشود بدین ترتیب با بد برای فدا میریالیست دانستن یک رژیم، به برخورد آن رژیم با یگانه ای ملی آمریکا لیسم (سرمایه داری وابسته) و چگونگی برخورد به نیروهای انقلابی نگریست و گرنه اگر به دشنام دادن با شدرژیم عیدی امین و بعث عراق از این دشنامها بیشتر داده اند.

بهر برداری عوام فریبانه

رژیم جمهوری اسلامی

از جنگ غیر عادلانه کنونی را

افشا کنیم!

های جناحهای مرتجع رقیب خواهند بود. با اوج گیری هر چه بیشتر جنبش توده ای، بحران در بالا نیز دامن زده خواهد شد و با لاینها بیشتر بجان هم خواهند افتاد. آری اسباب در سر بلائی یکدیگر را گامیگیرند!

با ورق ها:

(۱) - جمهوری اسلامی ۱۸ آذر

(۲) - اطلاعات ۲۶ آذر

(۳) و (۴) - جمهوری اسلامی ۲۶ آذر

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

جدال بیسابقه حزب جمهوری و لیبرالها

هفته گذشته، شاهد شدیدترین "برخورد های قدرت" میان جناح های رقیب رژیم بودیم. لیبرالها که خود می خواستند ضد انقلاب را به هم فشرده و زند و رقیب را از صحنه بیرون برانند، بتدریج به وضعیتی کشانده شده اند که نمیتوان از آنها بعنوان "اپوزیسیون هیئت حاکمه" نام برد.

حزب جمهوری بر اساس آنچه که آیت مورد نظرداشت، خواهان تبدیل بنی صدر به یک مقام تشریفاتی است. او میخواهد از تخصص لیبرالها در بازی این سیستم استفاده کند، منتها با سرکردگی خویش در حاکمیت، محدود کردن اختیارات بنی صدر از طرف مجلس و حنا ن رجائی که "رئیس جمهور در کارهای اجرایی هنجگونه داخلی ندارد" (۱) گواه این مدعاست.

متقابلا لیبرالها که حاضر نیستند به فشار های حزب تن در دهند، می گوشتند با سوار شدن بر امواج جنبش شده ای، حریف را وادار به عقب نشینی نموده و مواضع کلیدی قدرت را تا آنجا که بتوانند دست آورند، مقاومتها و تعرض های اخیر لیبرالها در مشهد و اصفهان و دیگر شهرها جلوه ای از این کوشش بود که بنوبه خود عکس العمل جناح حزب جمهوری اسلامی و حملات

بقیه در صفحه ۳۱

رژیم شاه، دانشگاه سنگرمبارزه بود، ونمی توانست در دوران رژیم جمهوری اسلامی سنگرمبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع باقی نماند. از قیام به اینسودا دانشگاه یک لحظه از آتشهای ارتجاع، از حمایت از خلق کرد و ترکمن، آزادان آگاهی به توده ها دست نکشید و رژیم جمهوری اسلامی نمی توانست از تداوم این مبارزه به وحشت نیافتد. آری رژیم بنا به ما هیت طبقا تسی ان هرگز نمی توانست ونمی توانددست به انقلاب فرهنگی بزند. در حقیقت هدف از ضد انقلاب فرهنگی رژیم کم سرکوب دانشگاه بهیما به سنگرمبارزه و آگاهی بود. امروز آیت الله خمینی وقیحا نه آنهمه مبارزه، آنهمه دلاوری، آنهمه آگاهی را "فساد" می خواند. و این طبیعی است که هیات حاکمه ارتجاعی ایران دشمن آزادی و آگاهی توده ها است و به همین خاطر دانشگاه را می بندد. رژیم به عبت فکر میکند با بستن دانشگاه می تواند جلوی رشد آگاهی توده ها و مبارزه طبقا تی را بگیرد. حال آنکه مبارزه دانشجویان در پیوستگی با جنبش خلق تانابودی ارتجاع ادامه خواهد داشت.

یادداشت های سیاسی هفته

اعتراف آیت الله خمینی: علت بستن دانشگاه وحشت از کمونیستها و انقلابیون بود.

نطق آیت الله خمینی در مورد دانشگاه یکبار دیگر ما هیت توطئه ضد انقلابی بستن دانشگاه ها از طرف هیئت حاکمه را بر ملا ساخت. رژیم تحت عنوان عوام فریبانه "انقلاب فرهنگی اسلامی" و همراه با سرکوب و کشتار دانشجویان مبارز و کمونیست درهای دانشگاه را بست. اما آیا برای استی منظور رژیم از بستن دانشگاه ها انجام "انقلاب فرهنگی اسلامی" بود؟ جواب این سوال را از خمینی بپرسید، او میگوید: "شما مگر ندیدید که آنوقت که دانشگاه ها با ریود چه فساد ی بود. دانشگاه سنگرمبارزه برای کمونیستها و اطاق جنگ بود برای کمونیستها". "دانشگاه را در چندین ماه پیش در یکسال و چند ریش مرکز همه فساد ها قرار داده بودندش و در جنگ کال کمونیست ها و چریکها و سایر ارگانهای منافق بوده". "عجب! پس مسئله انجام "انقلاب فرهنگی اسلامی" نبود! بلکه مسئله اساسی این بود که دانشگاهی را که در تصرف کمونیستها و سایر نیروهای مبارز قرار داشت چگونه باید به زیر سلطه در آورد. آری خمینی یکبار دیگر اهداف کثیف هیات حاکمه را آشکار میکند. رژیم جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی ها، بهشتی ها، بنی مدرها و... از این وحشت داشتند که دانشگاه سنگرمبارزه ای است، که دانشگاه سنگرمبارزه از جنبش خلق و جنبش مقاومت خلق کرد است، که دانشگاه سنگرمبارزه و مبارزه دانشجویان کمونیست و انقلابی علیه ارتجاع است.

پرواض است که طبقات ارتجاعی دانشگاهی را میخواهند که تربیت کنند که رگزاران و نوکران آنان باشند. اما دانشگاه نمی تواند از جریان مبارزه طبقا تی بدور باشد و دانشجویان انقلابی دانشگاه را به سنگرمبارزه علیه ارتجاع تبدیل می نمایند. در سراسر حیات سنگرمبارزه رژیم پهلوی، مبارزه دانشجویان متری یکدم دانشگاه را آرام نگذاشت و صحنه دانشگاه با رها و بارها از خون دانشجویانی که برای استقلال و آزادی می رزمیدند گلگون گشت. در تمام دوران

آزادی گروگانها؛ سازشی خفت بار با امپریالیسم

آیت الله خمینی، د پروژ: مسئله گروگانها، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول!
رجائی، امروز: مسئله گروگانها، برای ما مسئله مرده ای است!

جاء و جنجال های با مطلع خدا میریایستی مبنی بر سزا نود آوردن امپریالیسم با، گروگانگیری را بخاطر میا و برد:

درست در همان زمان که به سرکوب کارگران و زحمتکشان و کمونیستها و انقلابیون ضد امپریالیست میپرداختند و آنها و ارگانهای سرمایه داری وابسته این پایگاه ها را امپریالیسم را با بازی میگردند، برای فریب توده ها، گرفتن ۵۲ جاسوس آمریکائی را نابودی امپریالیسم جلوه گر میا خند، تا ذهن توده ها را از نابودی سرمایه داری وابسته درهم کوبیدن ارتش و نهادهای دولتی وابسته به امپریالیسم منحرف کرده و خود بر جنبش توده ها سوار شوند و نکذارند جنبش اعتلائی توده ها امپریالیسم را در ایران درهم کوبد. آری آنها گروگانگیری جاسوسان را "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" عنوان کردند تا مانع تحقق خواستهای انقلابی توده ها شوند، و از سوی دیگر به تضحیه ها بهیاشی با جناح رقیب خود در هیئت حاکمه (لیبرالها) بپردازند، اما امروز دیگر ادا مداین وضعیت بر بازی کا ملتر سرمایه داری وابسته به می افکند، امروز که جناح حزب جمهوری، اسلامی، پیش از پیش به تحکیم مواضع خود میپردازد، نیازی به استفاده از جنجالهای چون گروگانگیری، برای مقابله با لیبرالها ندارد. در عوض خواهان روابط عادی تری با امپریالیسم در جهت تثبیت قدرت خویش، و نظام سرمایه داری، وابسته است اکنون او خواهان اسلحه آمریکائی است تا در جنگ غیر عادلانه کنونی با دولت ارتجاعی عراق، زحمتکشان را به گوشت دم تسوپ بدل سازد، اکنون او خواهان لغو تحریم اقتصادی است تا منابعهای صنایع وابسته به امپریالیسم را بر آورد و چنین است که دیگر "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول خبری نمیشود"، در عوض التماسهای زبونانه رژیم بدوگاه امپریالیسم برای آزادی گروگانها، ما هیت رژیم را بیش از پیش آشکار تر میکند بن ترتیب جناح حزب نیز به حل تضادی که بر سر گروگانگیری با آمریکا ایجاد شده بود میپردازد و میگوید این مسئله را که در بازی کا ملتر سرمایه داری وابسته، بعلت تحریم اقتصادی... خلال ایجاد میگرد حل

بقیه در صفحه ۳۱

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست